

**طرح‌های آمرانه دونالد ترامپ  
بر جهان و نظم موجود خاورمیانه!**



**نویسنده: بهرام رحمانی**

طرح‌های آمرانه دونالد  
ترامپ  
بر جهان و نظم موجود  
خاورمیانه!

نویسنده: بهرام رحمانی

تاریخ: اکتبر ۲۰۲۵-مهر ۱۴۰۴  
ناشر: کتابخانه‌ی گرایش مارکسی

## فهرست مطالب

### مقدمه

- گردهمایی ۸۰۰ ژنرال‌های آمریکایی؛ ترامپ: «با قوی‌تر کردن ارتش، روحیه جنگجویی را در آمریکا بیدار می‌کنم.»

- طرح ترامپ برای غزه

- تغییر طرح صلح پیشنهادی ترامپ به نفع نتانیاهو

- حمایت رهبران منطقه از طرح صلح ترامپ برای

غزه

- آمار فلسطینی‌های جان‌باخته در باریکه غزه

- به رسمیت‌شناختن کشور فلسطین؛ چه کسی قرار است

آن را رهبری کند؟

- ناوگان بین‌المللی کمک‌رسانی صمود

- دولت اسرائیل: اجازه نخواهیم داد قایق حامل گرتا تونبرگ و دیگر کنشگران به غزه برسد
- ناوگان «صمود» در ۱۵۰ مایلی ساحل غزه؛ کشتی‌های ناشناس به قایق‌ها نزدیک شدند
- اعتراض تشکلهای کارگری و مردمی ایتالیا به سکوت رم درباره بحران انسانی غزه
- تظاهرات چند هزار نفره در حاشیه جشنواره ونیز: نسلکشی در غزه را متوقف کنید!
- خشم جهانی؛ یورش اسرائیل به کاروان جهانی کمکرسانی به غزه
- ارتش اسرائیل ۲۵ فعال ترک را از ناوگان جهانی صمود بازداشت کرد
- آمریکا خواهان بازگرداندن پایگاه هوایی بگرام (افغانستان) است
- ورود پهپادهای غولپیکر ناشناس به فرودگاه کپنهاگ دانمارک
- چه کسی لوله‌های گاز «نورداستریم» را منفجر کرد؟
- عملیات نظامی پیچیده ناتو به سرکردگی آمریکا
- تامین مالی اوکراین
- دانمارک میزبان نشست سران اتحادیه اروپا؛ «در خطرناکترین وضعیت از زمان جنگ جهانی دوم هستیم»

- نشستی بزرگتر به موازات نشست سران اتحادیه
- بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران
- درخواست ما برای نشست با سه کشور اروپایی و ویتکاف در نیویورک رد شد
- پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تحولات جدید
- زنجیره تحریم‌ها علیه ایران؛ تهران می‌گوید «صبر استراتژیک» می‌کنیم ولی جنگ هم محتمل است
- کشورهای عضو گروه هفت با صدور بیانیه‌ای از فعال شدن مکانیسم ماشه حمایت کردند
- ترکیه به تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران پیوست
- در تحریم‌های قبلی ایران، برخی وزرای دولت اردوغان با عوامل پولشویی ایران همکاری کرده بودند!
- اخراج ۱۲۰ ایرانی از آمریکا پس از توافق با تهران
- سازمان ملل متحد و ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا
- ترامپ با فرمان اجرایی، امنیت قطر را تضمین کرد
- روش مذاکره ترامپ
- برخی از مواضع و ادعاهای ترامپ

- قطع کمک‌های امنیتی آمریکا به اروپا
- تعطیل شدن دولت آمریکا و پیامدهای آن
- کدام فعالیت‌های دولتی در جریان تعطیلی ادامه می‌یابد؟
- چه چیزهایی در تعطیلی بسته می‌شود؟
- تاثیر تعطیلی دولت آمریکا بر اقتصاد
- به دنبال تعطیلی دولت آمریکا؛ ترامپ ۲۶ میلیارد دلار از بودجه ایالت‌های دموکرات را مسدود کرد

## نتیجه‌گیری

## مقدمه

در صحنه پرتنش دیپلماسی جهانی، سخنرانی روز سه‌شنبه هفته گذشته دونالد ترامپ در هشتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نمایش کاملی از سبک و سیاق سیاست خارجی او بود: لحنی هجومی، ادعاهای گزاف و نادیده‌گرفتن حقوق سایر کشورها. رئیس‌جمهور ایالات متحده در

سخنرانی ۵۷ دقیقه‌ای خود -بیش از سه برابر زمان رسمی- به موضوعاتی چون مهاجرت، انرژی‌های پاک، نقش و جایگاه سازمان ملل حمله کرد و آن‌ها را «نیروهایی که بخش بزرگی از جهان آزاد را نابود می‌کنند» نامید؛ درحالی‌که هیچ اشاره‌ای به نسل‌کشی در غزه، فجایع انسانی در خاورمیانه و مشکلات جهانی نکرد. او حتی متحدان اروپایی خود را به دلیل شناسایی نمادین دولت مستقل فلسطین خطاب قرار داد و به شهردار لندن شدیداً حمله کرد. در بخشی از سخنانش، مدعی شد در دوران هشت‌ماهه ریاست‌جمهوری‌اش موفق شده هفت جنگ را در سراسر جهان خاتمه دهد و سازمان ملل را به بی‌تفاوتی و ناکامی متهم کرد: «متأسفانه، در همه موارد، سازمان ملل حتی سعی نکرد در هیچ‌یک از آن‌ها کمکی کند.»

این ادعاها، به‌ویژه در بحبوحه بحران‌های انسانی و درگیری‌ها در خاورمیانه، جنگ روسه و اوکراین، تنش آمریکا با چین، و دیگر نقاط جهان، نیازمند تحلیل‌های دقیق هستند. آیا واقعا هفت جنگ پایان یافته‌اند؟ نقش ایالات متحده در این بحران‌ها چیست؟ و آیا ادعاهای ترامپ با واقعیت‌های میدانی سازگار است؟

جهان بشریت را بحران خاموش و خطرناکی بیش از هر زمانی تهدید می‌کند و وضعیت سیاسی و اقتصادی جهان در موجی از رقابت‌های اقتصادی و تسلیحاتی به‌سوی بحرانی فراتر از وقوع جنگ

جهانی آغوش باز می‌کند. در میان پرسش‌ها، این پرسش که «آیا جنگ جدیدی در راه است؟» و چگونه فاجعه‌ای در چند قدمی انسان قرار دارد؟ از جمله مهم‌ترین و پرمناقشه‌ترین پرسش‌های عصر ما است. نشانه‌های وضعیت پیش روی جامعه جهانی، در چهارچوب «نشانه‌ها»، «بازدارنده‌ها» و «سناریوهای ممکن» قابل بررسی است.

با توجه به اوضاع ناگوار کنونی جهان، موجی از وحشت و هراس چون، کابوسی بر روان بشریت سنگینی دارند که همه حاکی از نشانه‌های آشکاری از بحران و آشوب در جهان است. افزایش درگیری‌های منطقه‌ای، قدرت‌گیری ائتلاف‌های رقیب، شکست یا ضعف نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل، رشد راسیسم و فاشیسم، پوپولیسم و از همه مهم‌تر جهت‌گیری‌های خطرناک رهبران سرمایه‌داری جهانی و در راس همه آمریکا و اتحادیه اروپا، چین و روسیه با بازی‌های استخباراتی و جاسوسی و سیاسی آن‌ها همه گواه بر این است که جهان بشریت را فاجعه خاموشی تهدید می‌کند.

نشانه‌های هشداردهنده افزایش درگیری‌های منطقه‌ای همچون جنگ اوکراین، جنگ غزه، تهدید تایوان، درگیری‌های دریای چین جنوبی، تنش ایران و اسرائیل، رقابت در اقیانوس هند... همه نشان از بی‌ثباتی عمیق ژئوپلیتیکی دارند.

همه شواهد نشان می‌دهد که ناتو و آمریکا قصد دارند پای روسیه و چین به میدان‌های جنگ‌های بزرگ بکشانند.

غرب (ناتو، آمریکا، متحدان آسیا) در برابر بلوک روسیه، چین، ایران و کره شمالی قرار گرفته‌اند. آرایش‌های سیاسی-نظامی شبیه فضای پیش از جنگ‌های جهانی قرن بیستم است. این بیانگر این واقعیت است که روز تا روز صف‌بندی‌ها در ساختار ائتلاف‌های جدید در حال شکل گرفتن است و هم‌زمان به آن رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی هر روز بیشتر تشدید می‌بابند.

سازمان ملل، شورای امنیت، و دیگر نهادها در برابر بحران‌های نوظهور، نوعی منفعل و یا حاشیه‌ای شده‌اند. حقوق بین‌المللی کشورها در واقع در زیر بار پنج کشور دارنده حق ویتو به اسارت رفته و کشورهای دارنده حق ویتو با اجرای مانورهای دروغین خاک بر چشمان جهانیان می‌پاشند.

حاکمیت گروه‌های تروریستی مانند طالبان و احرار الشام به رهبری الجولانی تروریست معروف در سوریه، دولت نسل‌کش اسرائیل و حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی ایران، دولت ترامپ و... نه تنها آزادی‌های بشری و حقوق اساسی افراد را پایمال کرده و آنان را از حقوق ابتدایی‌شان محروم کرده است؛ بلکه حاکمیت این جریان‌ها، منطقه و حتی جهان را نیز تهدید

می‌کند. نه تنها تهدید داخلی، بلکه خطرناکتر از آن استفاده از این دولت‌ها بوسیله قدرت‌های بزرگ است که از آنان همانند جنگجویان نیابتی سود می‌جویند.

سیاستمدارانی با گفتمان‌های تهاجمی، نژادپرستانه و ضدروحية صلح‌طلبی و آزادی‌خواهی در حال قدرت‌گیری هستند؛ شرایطی که پیش‌تر زمینه‌ساز جنگ جهانی دوم بود. چنان‌که در آستانه جنگ جهانی دوم شرایط جهان طوری بود که با وجود تفاوت‌ها و، شباهت‌هایی نیز دارد که می‌تواند، زمینه‌ساز جنگ بزرگ‌تر شد.

در هر دو دوره سرانی مانند هیتلر، موسولینی، و امروزه پوتین، شی جین‌پینگ و حتی سیاستمداران عوام‌گرا در غرب مانند ترامپ یا جریان‌های راست افراطی در اروپا قدرت می‌گیرند و از شکاف‌های داخلی بهره می‌برند.

در سال ۲۰۲۵، رقابت‌های متقابل اقتصادی میان چین، آمریکا، اروپا و سایر کشورها شدیدتر شده است. نهادهای بین‌المللی مثل اتحادیه اروپا، سازمان ملل، نهادهای اقتصادی و حقوق بشری در حال مهارشدن و بی‌خاصیت‌شدن هستند.

بازی‌گران جهانی در حال حاضر، به‌جای رویارویی‌های مستقیم از جنگ‌های ترکیبی، سایبری، نیابتی، اقتصادی و رسانه‌ای استفاده می‌کنند. ممکن است، جهان وارد جنگ جهانی از نوعی دیگر شوند؛ البته نه با

ارتش‌های منظم در یک جنگ متعارف؛ بلکه با تحریم‌ها و حمله‌های اقتصادی؛ حمله‌های سایبری گسترده به زیر ساخت‌ها؛ گسترش جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه، آسیا و آفریقا؛ گسترش بحران‌های مهاجرت، اقلیمی و غذایی و بالاخره درگیری میان بلاک‌های فناوری غرب در برابر چین.

باوجود این شباهت‌ها و تفاوت‌ها، می‌توان گفت که جهان را نوعی بی‌ثباتی سخت تهدید می‌کند و آینده ناروشن است.

نیروی اصلی شکل‌دهنده اقتصاد جهانی امروز، رقابت عمیق و رو به افزایش میان آمریکا و چین است. رقابت ژئوپلیتیک میان چین و آمریکا به یکی از مسائل محوری در سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. این رقابت که میان دو اقتصاد بزرگ جهان با دو نظام سیاسی کاملاً متفاوت در حال جریان است، ابعاد گسترده‌ای دارد و تقریباً تمامی مناطق جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از تنش‌های تجاری در اقیانوس آرام تا رقابت‌های فناورانه در حوزه هوش مصنوعی و نیمه‌هادی‌ها، این تقابل به شکل‌گیری نظم جدیدی در نظام بین‌الملل منجر شده است.

علاوه بر این، تلاش چین برای گسترش نفوذ خود از طریق ابتکاراتی مانند «جاده ابریشم جدید» و واکنش ایالات متحده با ایجاد اتحادیهایی مانند «کوآد» نشان می‌دهد که این رقابت تنها

محدود به اقتصاد نیست، بلکه بر امنیت، فرهنگ و ایدئولوژی نیز سایه افکنده است.



گردهمایی ۸۰۰ ژنرال‌های آمریکایی؛ ترامپ: «با قوی‌تر کردن ارتش، روحیه جنگجویی را در آمریکا بیدار می‌کنم.»

وزیر دفاع ایالات متحده، روز سه‌شنبه هشتم مهر-سیام سپتامبر، در گردهمایی بی‌سابقه‌ای از فرماندهان بلندپایه نظامی این کشور در سراسر جهان، آنچه را که «دهه‌ها زوال» ناشی از سیاست‌های ترویج تنوع و دربرگیری در ارتش آمریکا خواند، مورد انتقاد قرار داد.

پیتر هگست در افتتاحیه این نشست در کوانتیکو، ویرجینیا، گفت: «رهبران سیاسی احمق و بی‌ملاحظه جهت‌گرا را اشتباه تعیین کردند و

ما راه خود را گم کردیم. ما به «وزارت ووک» تبدیل شدیم.»

او اظهار داشت: ارتش ایالات متحده رهبران زیادی را به دلایل اشتباه بر اساس نژاد، سهمیه‌های جنسیتی و «اولین‌های تاریخی» ارتقا داده است.

وزیر دفاع ایالات متحده گفت که پایان «فرهنگ ووک» را در ارتش اعلام می‌کند؛ یعنی باید به جای تکیه بر سهمیه‌های نژادی و جنسیتی فقط بر شایستگی، آمادگی رزمی و مهارت تمرکز شود و باید به‌جای نگرانی از جریحه دار شدن احساسات، بر سخت‌گیری و انضباط سنتی نظامی تأکید شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، نیز در سخنانی گفت که هدف ارتش آمریکا محافظت از احساسات کسی نیست و در دفاع از آزادی در کشور سیاسی‌کاری نخواهیم کرد.

او اظهار داشت که قصد دارد به حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی، موسوم به «فرهنگ ووک»، در ارتش پایان دهد.

رئیس‌جمهوری آمریکا در سخنرانی خود ضمن اشاره به توان هسته‌ای ایالات متحده، در مورد آنچه که «از درون در حال تهاجم» است، هشدار داد. ترامپ خطاب به فرماندهان ارشد نظامی ایالات متحده گفت: «پس از صرف تریلیون‌ها دلار برای دفاع از مرزهای دیگر کشورها، اکنون با کمک شما از مرزهای خودمان دفاع می‌کنیم.»

فاکس نیوز، پیشتر گزارش داده بود در شرایطی که خبر گردهمایی حدود ۸۰۰ تن از فرماندهان ارشد آمریکا در روز سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر-۸ مهر، توجه جهان را به‌خود جلب کرده است، ترامپ گفت که هدف از این گردهمایی، برگزاری جشن و شادی است.

پیت هگست، وزیر جنگ ایالات متحده، هفته گذشته از طریق سخنگوی خود از برگزاری این نشست خبر داده و اعلام کرده بود که فرماندهان ارشد پنتاگون از سراسر جهان برای این گردهمایی فراخوانده شده‌اند.

هیچ دلیل رسمی برای این جلسه بسیار غیرمعمول در پایگاه نظامی «کوانتیکو» در ویرجینیا ارائه نشده است. این رویداد در حالی برگزار می‌شود که نیروهای نظامی با جنجال‌هایی هم در داخل و هم در خارج از کشور مواجه بوده‌اند - از استقرار سربازان توسط ترامپ در دو شهر تحت مدیریت دموکرات‌ها تا دستور حملات مرگبار به قایق‌های کوچک حامل مواد مخدر در کارائیب. حضور ترامپ در پایگاه تفنگداران دریایی آمریکا در کوانتیکو، ویرجینیا، نه‌تنها سخنرانی برنامه‌ریزی‌شده هگست را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه نگرانی‌های امنیتی جدیدی را برای این رویداد بزرگ و تقریباً بی‌سابقه نظامی ایجاد می‌کند؛ رویدادی که برخی ژنرال‌ها و ریاسالاران برای آن هزاران کیلومتر سفر

کرده اند. ترامپ این نشست را بیشترین سخنرانی انگیزشی توصیف کرد.

او در مصاحبه‌ای با شبکه ان‌بی‌سی، گفت: «این درواقع فقط یک جلسه خوب است که درباره موفقیت‌های نظامی‌مان حرف می‌زنیم، درباره وضعیت عالی‌مان صحبت می‌کنیم، و از نکات مثبت و خوب می‌گوییم. این فقط یک پیام خوب است. افراد بزرگی در این نشست شرکت می‌کنند و همه‌اش به همان «روحیه همبستگی» مربوط است. می‌دانید عبارت *esprit de corps* یعنی چه؟ همه ما چرا همین است. داریم درباره کارهایی که می‌کنیم و کارهایی که آن‌ها انجام می‌دهند، و اینکه اوضاع چه‌طور پیش می‌رود، صحبت می‌کنیم.»

این اظهارات پس از آن بیان شد که روزنامه واشنگتن‌پست، صبح همان روز گزارش داد ترامپ قصد دارد به این رویداد بپیوندد؛ رویدادی که شکل‌گیری‌اش هفته گذشته فرماندهان ارشد ارتش را غافلگیر کرده بود.

در یک سند برنامه‌ریزی که شنبه برای مقامات ارسال شد و واشنگتن‌پست آن را مشاهده کرده، آمده است: «ما از کاخ سفید تاییدیه داریم که رئیس‌جمهور اکنون در سخنرانی روز سه‌شنبه شرکت خواهد کرد.»

اطلاعیه‌ای نیز به دفاتر مختلف در پنتاگون ارسال شد که در آن تأکید شده بود این تصمیم «وضعیت امنیتی» مراسم را به‌طور قابل‌توجهی تغییر خواهد داد. این نشست قرار است سه‌شنبه

صبح در دانشگاه تفنگداران دریایی برگزار شود.

با اضافه شدن رییس‌جمهور در کوانتیکو، اکنون سرویس مخفی مسئولیت تامین امنیت مراسم را برعهده خواهد داشت. صدها نفر از فرماندهان ارشد ارتش شامل ژنرال‌ها و دریاسالاران یکستاره و بالاتر، به همراه عالی‌رتبه‌ترین افسران، هفته گذشته به دستور هگست ملزم به حضور در این نشست شدند. این دستور دلیلی ارائه نکرد و در ابتدا نگرانی‌هایی را در میان شرکت‌کنندگان و مقامات نظامی برانگیخت که شاید هگست قصد دارد جمع را برای اعلام اخراج یا تنزل رتبه گسترده مطلع کند.

هفته گذشته، واشنگتن‌پست نخستین رسانه‌ای بود که گزارش داد هگست دستور داده تمام ژنرال‌های در پست فرماندهی به کوانتیکو بیایند تا کمتر از یک ساعت سخنرانی او درباره استانداردهای نظامی و دیدگاهش نسبت به «روحیه جنگجویی» را بشنوند. اما اکنون با حضور رییس‌جمهور، برنامه می‌تواند تغییر کند و حال و هوای سیاسی‌تری به این گردهمایی بدهد.

روزنامه واشنگتن‌پست از کارکنان غیرنظامی وزارت دفاع و همچنین اعضای نیروهای مسلح خواسته است که درباره تغییرات در پنتاگون و سراسر ارتش آمریکا با خبرنگاران این روزنامه تماس بگیرند. این تماس می‌تواند از طریق ایمیل یا پیام رمزگذاری‌شده سیگنال انجام شود.

یوجین آر. فیدل، کارشناس حقوق نظامی در دانشکده حقوق ییل، درباره این نشست گفت: «این مادر تمام فرصت‌های عکس‌گرفتن است.» او افزود احتمال سیاسی‌شدن این رویداد و افزایش روند سیاسی‌سازی ارتش «بسیار نگران‌کننده است و باید برای مردم آمریکا بسیار نگران‌کننده باشد.»

برآورد می‌شود که هزینه پرواز، اسکان و جابه‌جایی همه فرماندهان نظامی که برخی از آن‌ها از خاورمیانه، اروپا و منطقه هند-اقیانوس آرام سفر می‌کنند، به میلیون‌ها دلار برسد. همچنین نگرانی‌هایی امنیتی درباره جمع‌شدن کل فرماندهی ارشد ارتش در یک مکان واحد وجود دارد، به‌ویژه از آن جهت که سه‌شنبه پایان سال مالی است و در صورت تعطیلی دولت، ممکن است نیروهای کلیدی از واحدهایشان جدا و بلا تکلیف بمانند.

هگست متعهد شده است شمار افسران عالی‌رتبه را ۲۰ درصد کاهش دهد و تاکنون بدون دلیل حدود دو دوجین از افسران ارشد را برکنار کرده است که شمار قابل توجهی از آنان زنان با درجه ژنرال یا پرچمدار بوده‌اند.

به گفته چند مقام مطلع از روند برنامه‌ریزی، که به شرط ناشناس‌ماندن با واشنگتن‌پست گفت‌وگو کرده‌اند، هگست به‌طور جدی در حال بررسی کاهش رتبه ژنرال‌های ارشد در چند پست کلیدی از چهار ستاره به سه ستاره و همچنین ادغام قابل توجه

فرماندهی‌های رزمی (Combatant Commands) است؛ فرماندهی‌هایی که مناطق مهمی چون آفریقا، خاورمیانه و هند-اقیانوس آرام را پوشش می‌دهند.

تمام این اقدامات در شرایطی صورت می‌گیرد که استراتژی جدید دفاع ملی دولت قرار است توجه و منابع را به‌طور قابل‌توجهی از آمادگی برای جنگ احتمالی با چین، به سمت دفاع از سرزمین اصلی و استفاده داخلی از ارتش تغییر دهد.

ترامپ شنبه گذشته در پستی در تروث سوشال خواستار اعزام نیروهای پنتاگون به گفته او «پورتلند جنگ‌زده» در ایالت اورگن شد و به آن‌ها اختیار داد با «قدرت کامل» از مراکز اداره مهاجرت و گمرک که گه‌گاه هدف اعتراضات بوده‌اند، محافظت کنند. مشخص نیست آیا او قصد دارد نیروها را تحت کنترل فدرال اعزام کند یا نیروهای تحت کنترل ایالتی را فعال کند، اما هرگونه اعزام می‌تواند در دادگاه به چالش کشیده شود. تینا کوتک، فرماندار دموکرات اورگن، گفت او معتقد نیست ترامپ اختیار اعزام نیروهای فدرال به خاک ایالت را داشته باشد و در حال رایزنی با دادستان کل برای پاسخ احتمالی است.

دستور اعزام ترامپ، تنها چند روز پس از آن صادر شد که او فرمان اجرایی‌ای را امضاء کرد که نیروهای امنیتی و نظامی کشور را موظف می‌کند علیه «تروریسم داخلی و خشونت

سازمان‌یافته سیاسی» به کار گرفته شوند؛ دستوری که اختیارات گسترده‌ای به دولت می‌دهد تا طیفی از مخالفان سیاسی را تحت تحقیق و پیگرد قرار دهد.

در خود پنتاگون، این پرسش کلیدی مطرح است که اگر هدف تنها یک سخنرانی کوتاه است، و با توجه به تاثیر عملیاتی و هزینه‌های هنگفت، چرا باید تقریباً همه فرماندهان ارشد از سراسر جهان، به ویرجینیا بروند؟

از دید منتقدان فرماندهانی که سال‌ها در میادین واقعی جنگ بوده‌اند، نیازی به «کلاس فشرده روحیه جنگاوری» ندارند.

وقتی بن هاجز، ژنرال بازنشسته، این اجلاس را با گردهمایی ژنرال‌های آلمان نازی در سال ۱۹۳۵ مقایسه کرد، هگست در حساب شخصی‌اش به طعنه نوشت: «داستان جالبی است، ژنرال.» این پاسخ مبهم نه‌تنها شایعات را کاهش نداد، بلکه به آن دامن زد.

پروتکل حضور نیز کم‌سابقه است: هر افسر در جایگاه فرماندهی با درجه ژنرال یک‌ستاره/دریابان یکم و بالاتر باید روز سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر در کوانتیکو حاضر باشد و معافیت از حضور، تنها در موارد نادر و با تایید عالی‌ترین مقام‌های نظامی ممکن است.

مقام‌های پیشین حسابرسی دفاعی به رسانه‌های آمریکایی گفته‌اند که هزینه سفر صدها فرمانده

ارشد که اغلب با تیم‌های پشتیبانی سفر می‌کنند، به «میلیون‌ها دلار» می‌رسد در حالی که به باور منتقدان این مبلغ باید صرف مأموریت‌های حیاتی می‌شد.

آن‌ها می‌گویند علاوه بر قیمت بلیت‌های لحظه آخر از اروپا و اقیانوس آرام، استفاده از پروازهای نظامی حتی گران‌تر تمام می‌شود و ظرفیت حمل‌ونقل نظامی را در تنگنا قرار می‌دهد. هم‌زمان ملاحظات امنیتی نیز وجود دارد و ستادها باید از اعلام مسیر سفر فرماندهان خودداری کنند.

برگزاری نشست در روز ۳۰ سپتامبر، هم‌زمان با پایان سال مالی در آمریکا، حساسیت‌ها را بیش‌تر کرده است. در صورت تعطیلی دولت به دلیل مناقشه بودجه‌ای، احتمال زمین‌گیر شدن فرماندهان در ویرجینیا وجود دارد. همین نگرانی کنگره را به واکنش واداشته و به گفته دموکرات‌ها نامه‌ای در گردش است تا پیش از روز جلسه، خواهان توضیحاتی درباره «هزینه و ریسک امنیتی» از وزیر جنگ شود، در حالی که جمهوری‌خواهان در این زمینه سکوت کرده‌اند.

بخش دیگری از نگرانی‌ها به اختلال عملیاتی برمی‌گردد. ارتش آمریکا این روزها هم‌زمان در چند جبهه فعال است: جنگ روسیه علیه اوکراین و نیاز به هماهنگی در ناتو، دور تازه عملیات اسرائیل در غزه، تهدیدهای مداوم علیه نیروهای آمریکایی در خاورمیانه از سوی

حوثی‌ها و گروه‌های مورد حمایت ایران؛ و عملیات ضد کارتل‌های مواد مخدر در حوزه کارائیب. منتقدان می‌پرسند: آیا به دلیل تنها یک سخنرانی کوتاه، می‌توان ریسک فاصله گرفتن هم‌زمان صدها فرمانده کلیدی از صحنه‌های ماموریتی را پذیرفت؟

منابع آگاه در گفت‌وگو با واشنگتن‌پست گفته‌اند هدف هگست از برگزاری حضوری جلسه، ایجاد یک گفت‌وگوی «چشم در چشم» با فرماندهان است. همین منابع می‌گویند مضمون اصلی سخنرانی درباره «استانداردها» و «روحیه جنگاوری» است که در ارتش آمریکا به عزم پیروزی در نبرد و سخت‌گیری‌های انضباطی و ظاهری گره می‌خورد.

پولیتیکو نیز گزارش داده است که بحث «ظاهر، آمادگی جسمانی و یکدستی فرهنگی» در دستور کار خواهد بود و حتی احتمال فیلم‌برداری از این سخنرانی برای پخش رسانه‌ای مطرح است.

گزارش‌های متعدد، از جمله در واشنگتن‌پست و رویترز، از طرح وزیر جنگ برای کاهش تعداد ژنرال‌ها و دریاسالاران تا حدود ۲۰ درصد و ادغام برخی فرماندهی‌ها خبر می‌دهد.

حتی در یک فهرست داخلی ارتش، رتبه دو ژنرال چهار ستاره آمریکایی مستقر در اقیانوس آرام و کره جنوبی، به‌صورت موقت سه‌ستاره نمایش داده شد که ارتش آن را «اختلال فنی» خواند، اما در فضای بی‌اعتمادی کنونی، چنین خطاهایی خوراک گمانه‌زنی شده است.

از دید تحلیل‌گران مستقل، کوچک‌سازی راس هرم اگر با تنزل سطح برخی پست‌های حیاتی عملیاتی در اقیانوس آرام یا اروپا همراه شود، پیامی سیاسی برای متحدان ارسال می‌کند.

فراخوان وزیر جنگ آمریکا را می‌توان در چارچوب بزرگ‌تر سیاست‌های نمادین دولت دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۵ ارزیابی کرد. کاخ سفید در اوایل سپتامبر با صدور فرمانی اجرایی اعلام کرد که عنوان «وزارت جنگ» می‌تواند به‌عنوان نام ثانویه در کنار «وزارت دفاع» به کار رود. به گفته ناظران این اقدام نشان‌دهنده رویکردی تازه بود که با تاکید پیت هگست بر «روحیه جنگاوری» و «بازگشت به قدرت مرگبار» هم‌خوانی دارد. در پی این تصمیم، تابلوها و نمادهای تازه‌ای نیز بر در و دیوار دفتر وزیر نصب شد. این تغییرات به مجموعه‌ای از سیاست‌های فرهنگی پیوست: حذف نیروهای ترنس از خدمت، مقررات سخت‌گیرانه درباره اصلاح و آراستگی ظاهری و برخورد تندتر با رسانه‌ها. منتقدان معتقدند چنین اقداماتی یا صرفاً سیگنال‌های نمادین هستند یا ابزاری برای تمرکز قدرت در راس وزارت و تضعیف استقلال سنتی فرماندهان.

اما حامیان هگست این سیاست‌ها را ضرورتی برای بازسازی روحیه رزمی ارتش می‌دانند. آن‌ها می‌گویند پیام مستقیم و رودررو به فرماندهان، وحدتی تازه حول هدف اصلی یعنی پیروزی در جنگ ایجاد می‌کند. به گزارش پولیتیکو، حتی احتمال

ضبط و پخش عمومی سخنرانی کوانتیکو هم مطرح است؛ موضوعی که برای مخالفان «نمایش رسانه‌ای» و برای طرفداران «پویش انگیزشی» است.

ابعاد بین‌المللی نیز مهم است. اگر رتبه برخی پست‌های عملیاتی در اقیانوس آرام یا اروپا کاهش یابد یا فرماندهی‌ها ادغام شوند، متحدان این تغییر را نشانه‌ای از کم‌اهمیت شدن منطقه تلقی می‌کنند؛ امری که در رقابت با چین و روسیه پیامدهای سیاسی دارد. هم‌چنین جمع‌شدن هم‌زمان صدها فرمانده ارشد پرسشی جدی پیش آورده است: در صورت وقوع بحران ناگهانی، چه سازوکاری برای تداوم فرماندهی فوری وجود خواهد داشت؟

در سطح داخلی، این فراخوان آزمونی برای رابطه دولت با بدنه حرفه‌ای ارتش است. سنت آمریکایی بر برتری غیرنظامیان در تصمیم‌گیری و استقلال حرفه‌ای فرماندهان استوار است. اگر هگست موفق شود با این نشست مسیر کوچک‌سازی و نظم فرهنگی مد نظرش را تحمیل کند، نقطه عطفی در مناسبات غیرنظامی-نظامی در آمریکا رقم خواهد خورد، نقطه‌ای که حامیان آن را «ضروری» و منتقدان «خطرناک» توصیف می‌کنند.

به این ترتیب، ترامپ این روزها، در حال چرخش به سوی رویکرد جدیدی است. وی تاکنون سه ژنرال

بازنشسته ارتش آمریکا را برای تصدی پست‌هایی در کابینه خود در نظر گرفته است.

ترامپ روز سه‌شنبه هفته گذشته به‌طور رسمی، اعلام کرد که «جیمز ماتیس» ژنرال بازنشسته نیروی دریایی این کشور را برای تصدی پست وزارت دفاع نامزد کرده است. یک روز پس از آن، رسانه‌های خبری از انتخاب «جان کلی» یکی دیگر از ژنرال‌های بازنشسته نیروی دریایی آمریکا برای تصدی وزارت امنیت داخلی خبر دادند. افزون بر این دو نفر، در روز هفدهم نوامبر نیز «مایکل فلین» ژنرال سه ستاره پیشین ارتش آمریکا از سوی ترامپ به‌عنوان مشاور امنیت ملی انتخاب شد.

انتخاب ژنرال‌های ارتش آمریکا برای مناصب مهم سیاسی احتمالاً روندی ادامه دار خواهد بود؛ چرا که طبق برخی گزارشات، ترامپ در دیدار اخیر خود با ژنرال «دیوید پترائوس» - رئیس پیشین و مستعفی «آژانس اطلاعات مرکزی» (سیا) - در مورد پست وزارت امور خارجه با وی گفتگو کرد.

تشکیل کابینه‌ای با حضور پررنگ ژنرال‌ها در تاریخ سیاسی آمریکا هرچند بی سابقه نیست، اما کم سابقه است. برای مثال، «اولیسیس سایمن گرانت» هجدهمین رئیس جمهور آمریکا و قهرمان جنگ داخلی این کشور از حزب جمهوریخواه در دوران ریاست جمهوری خود (۱۸۷۷-۱۸۶۹) کابینه

ای مشتمل بر چهار ژنرال پیشین ارتش آمریکا تشکیل داد.

اما این روزها افزایش سلطه و نفوذ ژنرال‌ها در مناصب مهم سیاسی با بیم و نگرانی‌های بسیاری همراه است؛ به‌ویژه آن‌که انتصاب فردی هم‌چون «جیمز ماتیس» برای پست وزارت دفاع آمریکا ناقض قانونی است که با هدف حفظ و حراست از «نظارت غیرنظامی» بر نیروهای نظامی آمریکا تدوین و اجرایی شده است. به موجب قانون فوق‌الذکر، انتصاب فردی که ظرف ده سال گذشته به‌طور تمام وقت در نیروهای مسلح خدمت کرده است به ریاست پنتاگون ممنوع است. با این حال، یک نامزد پست وزارت دفاع می‌تواند با چشم پوشی کنگره، این قانون را دور بزند که به‌نظر می‌رسد برای ژنرال ماتیس کار چندان دشواری نخواهد بود.

اما گذشته از تمام گمانه‌زنی‌ها در خصوص شمار احتمالی ژنرال‌های ارتش در کابینه ترامپ، کارشناسان حوزه سیاست‌گذاری در مورد عقلانی بودن این انتصابات بحث و جدل‌های فراوانی داشته‌اند؛ به‌طوری‌که منتقدان و بسیاری از فرماندهان نظامی بر این باورند که این‌گونه انتصابات در بهترین حالت بر اولویت‌بندی منافع ملی آمریکا تأثیری منفی خواهد گذاشت و در بدترین حالت نیز ما شاهد حرکتی آرام به‌سوی حکومت نظامیان خواهیم بود.

«فیلیپ کارتر» و «لورن دی یون شولمن» در روزنامه واشنگتن پُست هشدار دادند که «ژنرال‌های عالیرتبه ارتش همواره قادر نیستند همچون وزرایی شایسته و توانا در کابینه خدمت کنند» و افزودند که «تکیه و اعتماد به افسران ارشد ارتش برای اداره امور حکومت -با وجود قابلیت‌ها و شایستگی‌های فردی آنان- روابط میان بخش غیرنظامی- نظامی را در معرض خطر قرار می‌دهد.»



## طرح ترامپ برای غزه

دونالد ترامپ، چند روز پیش طرح جامع خود برای پایان دادن به جنگ در غزه را منتشر کرد؛ طرحی که در صورت پذیرش از سوی طرفین، می‌تواند به جنگ پایان دهد، همه گروگان‌ها را بازگرداند و مسیر بازسازی نوار غزه را هموار کند.

براساس بیانیه رسمی دفتر ترامپ، این طرح شامل ۲۰ بند است که ایجاد یک «غزه جدید بدون افراط گرایی» که در آن حماس خلع سلاح شده و از قدرت کنار گذاشته می‌شود، همچنین زیرساخت‌های مدنی، اقتصادی و امنیتی بازسازی خواهد شد.

به ادعای ترامپ، اگر اسرائیل و حماس با این طرح موافقت کنند، بلافاصله آتش‌بس برقرار و روند آزادی گروگان‌ها آغاز خواهد شد.

۲۰ ماده این طرح عبارتند از:

۱. غزه به منطقه‌ای بدون ترور و غیررادیکال تبدیل خواهد شد که تهدیدی برای همسایگانش محسوب نشود.

۲. بازسازی غزه با هدف بهبود وضعیت انسانی ساکنان، به‌ویژه بازسازی زیرساخت‌ها، آغاز خواهد شد.

۳. در صورت پذیرش دو طرف، جنگ فوراً پایان می‌یابد. نیروهای اسرائیلی به خطوط توافق‌شده عقب‌نشینی کرده و در آن بازه زمانی، همه عملیات‌های نظامی متوقف خواهد شد.

۴. طی ۷۲ ساعت پس از پذیرش عمومی اسرائیل، همه گروگان‌ها، چه زنده و چه کشته‌شده، بازگردانده خواهند شد.

۵. پس از آزادی گروگان‌ها، اسرائیل ۲۵۰ زندانی با حکم حبس ابد و ۱۷۰۰ فلسطینی بازداشت‌شده پس از ۷ اکتبر را آزاد خواهد کرد، از جمله همه زنان و کودکان. به ازای هر گروگان

کشته شده اسرائیلی، بقایای ۱۵ فلسطینی نیز بازگردانده خواهد شد.

۶. اعضای حماس که به همزیستی مسالمت آمیز و کنار گذاشتن سلاح متعهد شوند، مشمول عفو عمومی خواهند شد. سایر اعضا می توانند به کشورهای ثالث منتقل شوند.

۷. کمک های بشردوستانه در سطح توافق ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ فوراً وارد غزه خواهد شد؛ از جمله بازسازی آب، برق، فاضلاب، بیمارستان ها، ناوایی ها و ورود تجهیزات سنگین برای آواربرداری و بازگشایی مسیرها.

۸. ورود کمک ها از طریق سازمان ملل، هلال احمر و نهادهای بی طرف بین المللی و بدون مداخله دو طرف انجام خواهد شد. گذرگاه رفح نیز تحت همان مکانیسم توافق ژانویه بازگشایی می شود.

۹. اداره موقت غزه برعهده کمیته ای تکنوکرات و غیرسیاسی از فلسطینیان و کارشناسان بین المللی خواهد بود. این کمیته زیر نظر «شورای صلح» به ریاست ترامپ و چهره هایی مانند تونی بلر فعالیت خواهد کرد.

۱۰. یک برنامه توسعه اقتصادی ویژه برای بازسازی غزه از سوی گروهی از کارشناسان منطقه طراحی خواهد شد. طرح هایی از سوی نهادهای بین المللی نیز در این فرآیند لحاظ می شود.

۱۱. منطقه اقتصادی ویژه ای با تعرفه ها و دسترسی ترجیحی برای غزه تاسیس خواهد شد.

۱۲. هیچکس مجبور به ترک غزه نخواهد بود، اما افرادی که بخواهند می‌توانند آزادانه رفت و آمد کنند. طرح‌هایی برای تشویق مردم به ماندن و ساختن آینده‌ای بهتر در نظر گرفته شده است.

۱۳. حماس و سایر گروه‌ها هیچ نقشی در اداره غزه نخواهند داشت. همه زیرساخت‌های نظامی و تونل‌ها تخریب و فرآیند خلع سلاح تحت نظارت ناظران بین‌المللی و برنامه خرید سلاح دنبال خواهد شد.

۱۴. کشورهای منطقه تضمین خواهند داد که غزه جدید تهدیدی برای کسی نباشد و تعهدات خود را اجرا کند.

۱۵. نیروی بین‌المللی تثبیت (آی‌اس‌اف) با همکاری آمریکا و کشورهای عربی، فوراً در غزه مستقر خواهد شد و وظیفه آموزش و پشتیبانی از نیروهای پلیس فلسطینی را بر عهده خواهد گرفت. این نیرو با مشارکت اسرائیل و مصر مرزها را نیز ایمن خواهد کرد.

۱۶. اسرائیل نه غزه را اشغال و نه ضمیمه خواهد کرد. نیروهای اسرائیلی با انتقال کنترل مناطق به «آی‌اس‌اف» و با رعایت زمان‌بندی مشخص، به تدریج عقب‌نشینی خواهند کرد. اسرائیل تنها تا پایان کامل خلع سلاح حضور امنیتی محدودی در غزه خواهد داشت.

۱۷. در صورت تعلل یا رد طرح از سوی حماس، تمامی بندها در مناطقی از غزه که از کنترل حماس خارج شده، اجرا خواهد شد.

۱۸. گفت‌وگوی بین‌ادیانی برای ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز میان فلسطینیان و اسرائیلی‌ها برقرار خواهد شد.

۱۹. در صورت اجرای موفق اصلاحات از سوی تشکیلات خودگردان فلسطین و پیشرفت بازسازی، زمینه برای مسیر واقعی به‌سوی دولت مستقل فلسطینی فراهم خواهد شد.

۲۰. ایالات متحده گفت‌وگویی میان اسرائیل و فلسطینیان درباره افق سیاسی همزیستی صلح‌آمیز و اقتصادی را آغاز خواهد کرد.

به گفته منابع نزدیک به ترامپ، این طرح با مشورت کشورهای چون مصر، اردن، امارات و عربستان تهیه شده و از سوی بسیاری از دولت‌ها به‌عنوان «نقطه عطفی در روند صلح خاورمیانه» توصیف شده است.

کاخ سفید با انتشار این بیانیه‌ای در راستای این طرح، اعا کرد: «غزه یک منطقه عاری از افراط‌گرایی و ترور خواهد بود که تهدیدی برای همسایگان خود ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، ظرف ۷۲ ساعت پس از پذیرش عمومی این توافق توسط اسرائیل، همه اسرا، زنده و مرده، بازگردانده خواهند شد.»

کاخ سفید پس از دیدار «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل و «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا از طرح رئیس‌جمهور ایالات متحده برای پایان جنگ غزه رونمایی کرد.

در این طرح تاکید شده است: «اسرائیل غزه را اشغال یا ضمیمه نخواهد کرد.»

در ادامه این طرح آمده است: «پس از آزادی همه اسرا، اسرائیل ۲۵۰ زندانی محکوم به حبس ابد به علاوه ۱۷۰۰ غزه‌ای را که پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بازداشت شده‌اند، آزاد خواهد کرد.»

کاخ سفید تاکید کرد: «ایالات متحده گفت‌وگویی بین اسرائیل و فلسطینی‌ها برقرار خواهد کرد تا در مورد افق سیاسی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و مرفه به توافق برسند.»

طبق گفته کاخ سفید و طرح دونالد ترامپ، اگر هر ۲ طرف با این پیشنهاد موافقت کنند، جنگ بلافاصله پایان خواهد یافت.

کاخ سفید در ادامه این طرح اعلام کرد: «غزه توسط یک دولت موقت متشکل از یک کمیته تکنوکرات از فلسطینی‌ها و افراد بین‌المللی، تحت نظارت «شورای صلح» به ریاست ترامپ و تونی بلر، اداره خواهد شد.»

ترامپ در این برنامه، تصریح کرده است: «هیچ تخلیه اجباری وجود نخواهد داشت. ساکنان تشویق می‌شوند که برای ساختن غزه‌ای بهتر در آنجا بمانند. اما ساکنان می‌توانند آزادانه آنجا را ترک کنند و آزادانه بازگردند.

ایالات متحده با شرکای عرب و بین‌المللی برای ایجاد یک نیروی موقت ثبات‌بخش بین‌المللی (ISF) برای استقرار فوری در غزه همکاری خواهد کرد. نیروهای پلیس فلسطینی تایید صلاحیت‌شده در غزه

را آموزش داده و از آنها پشتیبانی خواهد کرد و با اردن و مصر که تجربه گسترده‌ای در این زمینه دارند، مشورت خواهد کرد. این نیرو، راه‌حل بلندمدت امنیت داخلی خواهد بود. ISF با اسرائیل و مصر برای کمک به تامین امنیت مناطق مرزی، به همراه نیروهای پلیس فلسطینی تازه آموزش‌دیده، همکاری خواهد کرد. جلوگیری از ورود مهمات به غزه و تسهیل جریان سریع و ایمن کالا برای بازسازی و احیای غزه بسیار مهم است. طرفین بر سر یک سازوکار رفع درگیری توافق خواهند کرد.

سران کشورهای اروپا و خاورمیانه از طرح صلح پیشنهادی ترامپ در غزه استقبال کرده‌اند. در واکنش به این طرح، تشکیلات فلسطینی تلاش‌های رییس جمهور آمریکا را «صادقانه و مصمم» خوانده است.

در بیانیه‌ای که خبرگزاری فلسطینی وفا منتشر کرده، تشکیلات فلسطینی اعلام کرده است که «تعهد مشترک خود را برای همکاری با ایالات متحده، کشورهای منطقه و شرکا» برای پایان دادن به جنگ غزه، تضمین تحویل کافی برای کمک‌های بشردوستانه به غزه و آزادی گروگان‌ها و زندانی‌ها، تجدید می‌کند.

وزرای خارجه کشورهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی، قطر، مصر، اردن، ترکیه، اندونزی و پاکستان در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که از «رهبری و تلاش‌های صادقانه دونالد

ترامپ برای پایان دادن به جنگ غزه» استقبال می‌کنند.

آن‌ها گفتند که آماده‌اند که برای نهایی کردن و اجرای این توافق با ایالات متحده همکاری کنند، توافقی که به گفته آن‌ها باید به «راه حل دو کشوری منجر شود که بر اساس آن غزه به طور کامل با کرانه باختری در یک کشور فلسطینی ادغام شود.»

آنتونیو کوستا، رئیس شورای اروپا هم گفت که از پاسخ مثبت بنیامین نتانیاهو به این پیشنهاد دلگرم شده است. او افزود: «همه طرف‌ها باید از این فرصت استفاده کنند و به صلح فرصتی واقعی بدهند.»

امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه هم گفت: «فرانسه آماده است تا در تلاش‌ها برای پایان دادن به جنگ و آزادی گروگان‌ها مشارکت کند.» جورجیا ملونی، نخست وزیر ایتالیا، در بیانیه‌ای گفته است که این پیشنهاد «می‌تواند نقطه عطفی در این روند (صلح) باشد.» او گفت ایتالیا «از همه طرف‌ها می‌خواهد که از این فرصت استفاده کنند و این طرح را بپذیرند.»

یک منبع فلسطینی آگاه به مذاکرات آتش‌بس به بی‌بی‌سی گفت که طرح ۲۰ ماده‌ای کاخ سفید به مقامات حماس ارائه شده است.

دونالد ترامپ در یک کنفرانس خبری پس از مذاکرات با نخست وزیر اسرائیل در کاخ سفید، این طرح را «روزی تاریخی برای صلح» خواند.

ترامپ اما گفت که اگر حماس با این طرح موافقت نکند، بنیامین نتانیاهو از حمایت ایالات متحده برای «تمام کردن کار نابودی تهدید حماس» برخوردار خواهد بود.

نتانیاهو هم گفت اگر حماس این طرح را رد کند یا آن را اجرا نکند، اسرائیل «کار را تمام خواهد کرد».

بر اساس این طرح، حماس سلاح‌های خود را بر زمین خواهد گذاشت و تونل‌ها و تاسیسات تولید سلاح آن نابود خواهد شد و همچنین در ازای هر گروگان اسرائیلی که بقایایش آزاد می‌شود، اسرائیل بقایای ۱۵ کشته غزه را آزاد خواهد کرد.

روزنامه وال استریت ژورنال در گزارشی در این‌باره نوشت: به گفته «مایکل سینگ» از مقامات ارشد امور خاورمیانه در دولت «جورج دبلیو بوش» رییس‌جمهور پیشین آمریکا که اکنون در موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک فعالیت می‌کند، این طرح پیشنهادی علاوه بر فشارهای نظامی علیه حماس، به آن فشار دیپلماتیک نیز وارد می‌کند، با این حال، «ممکن است به جنگ پایان ندهد یا بلافاصله مورد پذیرش قرار نگیرد».

رسانه آمریکایی نوشتند: تحلیل‌گران و سایر مقامات هشدار دادند که موانع کار به وضوح مشهود است. موافقت حماس با این طرح هنوز زیر علامت سؤال است.

از سوی دیگر، بعید است که کشورهای عربی در صورتی که دولت اسرائیل به حمله به اهداف حماس در غزه ادامه دهد، نظامیان خود را به میدان بفرستند. همچنین خروج نظامیان اسرائیل از این منطقه در محاصره تا زمان آزاد نشدن اسرا نیز بعید به نظر می‌رسد. گفته می‌شود حدود ۲۰ تن از ۴۸ اسیر باقی‌مانده هنوز زنده هستند اما تل‌آویو و واشنگتن مصرانه می‌گویند حماس باید برای اجرای برنامه صلح تمامی اسرا را آزاد کند.

هیات اداره‌کننده موقتی که ترامپ پیشنهاد کرده و شامل «تونی بلر» نخست‌وزیر پیشین انگلیس به‌عنوان یکی از اعضای آن است، ممکن است با چالش‌هایی در پذیرفته شدن جایگاه آن در غزه روبه‌رو شود.

«بنیامین نتانیا هو»، احتمال اداره غزه پس‌اجنگ توسط تشکیلات خودگردان فلسطین را رد کرده و در یک کنفرانس خبری مشترک در کنار ترامپ در کاخ سفید گفت: غزه توسط دولتی غیرنظامی اداره خواهد شد که نه حماس و نه تشکیلات خودگردان فلسطین در آن نقشی ندارند.» این در حالی است که مقامات عربی می‌گویند کشورهای عربی بدون مسیر مشخصی به سمت راهکار دو دولت بعید است که به تامین مالی اجرای این طرح کمک کنند. به گفته مقامات عربی، مقام‌های چندین کشور عربی، از جمله قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در

نشست‌های مرتبط در حاشیه دیدار نتانیا‌هو و ترامپ روز دوشنبه در کاخ سفید حضور داشتند.

طرح ۲۰ ماده‌ای صلح ترامپ برای غزه، نه تنها برای غزه، بلکه زمینه‌ای برای عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و عربستان سعودی، لبنان، سوریه، عراق و ترکیه و اساس منزوی‌کردن جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه است البته با محوریت منافع آمریکا و اسرائیل. اگر این طرح موفق شود، حتی می‌تواند نظم نوین مورد دلخواه آمریکا-اسرائیل در خاورمیانه را به حرکت درآورد. معماران اصلی این طرح؛ جرد کوشنر، استیو ویتکاف و تونی بلر هستند. اما موفقیت این طرح، زیر سؤال است به خصوص پس از این که ترامپ بر سر این طرح با برخی دولت‌های منطقه به توافق رسید بعداً ملاحظات نتانیا‌هو به آن افزوده شده است. به‌علاوه روشن نیست سایر بازیگران در تحولات خاورمیانه، چه قدر منافع سرمایه‌داری خود را در راستای تحقق این طرح خواهند دید.

قانون نخست گزارش‌نویسی خاورمیانه «فریدمن» چنین است: آنچه سیاستمداران در خفا می‌گویند بی‌اهمیت است؛ تنها چیزی اهمیت دارد که آنان در انظار عمومی، به زبان خودشان، خطاب به مردم خودشان می‌گویند. در واشنگتن، مقام‌ها در ملاءعام دروغ می‌گویند و در خفا حقیقت را بازگو می‌کنند. اما در خاورمیانه، مقام‌ها در خفا

دروغ می‌گویند و در ملاءعام حقیقت را بیان می‌کنند.

راه‌های بسیاری وجود دارد که نتانیا‌هو یا حماس و جهاد اسلامی بتوانند این طرح را به شکست بکشانند. پهپادها و حتی موشک‌های هوشمندتر و ارزان‌تر، روزبه‌روز گسترده‌تر در حال توزیع‌اند و به سرعت بازیگران بیشتری را توانمند می‌سازند.

به‌خصوص نتانیا‌هو، همواره تاکید دارد اگر حماس این طرح را نپذیرد، «اسرائیل خودش کار را در غزه تمام خواهد کرد»! حرفی که ترامپ هم گفت از آن حمایت می‌کند. اگر چنین شود، اسرائیل خود را به یک اشغال دائمی نظامی غزه آماده کرده است که در برابرش یک مقاومت دایمی فلسطینی شکل خواهد گرفت. گسترش شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه تیک‌تاک، به این معناست که فیلم هر قربانی غیرنظامی - هر بدن تکه‌تکه‌شده کودکان - اکنون می‌تواند بر صفحه تلفن هوشمند هر فرد روی کره زمین دیده شود.

تحلیل نظرسنجی‌های شبلی تلهامی، استاد دانشگاه مریلند، نشان می‌دهد که: «یک نظرسنجی موسسه پیو که در مارس ۲۰۲۵ انجام شد، نشان داد که دیدگاه جمهوری‌خواهان جوان‌تر درباره اسرائیل از سال ۲۰۲۲ تغییر چشمگیری داشته است؛ دیدگاه جمهوری‌خواهان زیر ۵۰ سال نسبت به اسرائیل بسیار منفی‌تر شده (۵۰ درصد) در

مقایسه با ۳۵ درصد در سال ۲۰۲۲؛ یعنی تغییری ۱۵ واحدی.»

به این ترتیب، تا زمانی که نه تنها فلسطینی‌های غزه، بلکه کل ملت فلسطین نتوانند ظرفیت اداره این منطقه را بسازند و نشان دهند و مستقیماً سرنوشت خودشان را به دست گیرند، سخن گفتن از راه‌حل دوکشوری ناممکن است. هم‌زمان، جمهوری اسلامی ایران هم از طرح دوکشوری و هم از طرح ترامپ بیرون مانده است. با ایران و نیروهای نیابتی آن هنوز در لبنان و یمن و عراق حضور فعالی دارند چه خواهند کرد؟

«رغیده در غام»، رییس موسسه بیروت، چندی پیش در مقاله‌ای تحلیلی در «النهار العربی» نوشت که برای تحقق این هدف، اسرائیل باید بر «ذهنیت محاصره و شجاعت‌نمایی نظامی‌گرایانه» خود غلبه کند و ایران نیز باید بر «ذهنیت بازار، در نوسان میان عربده‌کشی و امتیازدهی، تشدید و عقب‌نشینی» فائق آید. او خاطرنشان کرد که رهبری ایران، هم‌چنان «یک قدم به سمت مصالحه و دو قدم به سمت تشدید تنش» پیش می‌رود و هم‌چنان به این توهم چسبیده است که زمان به‌نفع آن‌هاست. اما در پس این سرپیچی، وحشت خاموشی نهفته است. در این وضعیت به تنگنا افتاده، تهران هم‌چنان به اشتباهات محاسباتی پرهزینه‌ای دست می‌زند، به‌ویژه در مورد اسرائیل و افسانه‌های رو به زوال «محور

مقاومت» به رهبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لبنان، عراق و یمن، و تا حد کمتری در سوریه، جایی که شبکه‌های ایران قطع شده‌اند.» اگر این توافق ترامپ به اجرا درآید، ایران چنان منزوی خواهد شد که شاید سرانجام علاوه بر گسترش جنبش‌های اعتراضی جدی داخل ایران، در منطقه نیز عاجزتر خواهد شد.



### طرح صلح پیشنهادی ترامپ به نفع نتانیاهو

بنا بر گفته منابع آگاه که با آکسیوس گفت‌وگو کرده‌اند طرح صلح غزه که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا روز دوشنبه ارائه داد، شامل تغییرات مهمی بود که به درخواست «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل گنجانده شد؛ تغییراتی که مقام‌های عرب دخیل در مذاکرات را به شدت خشمگین کرده است.

طرحی که اکنون روی میز حماس قرار گرفته، به‌طور قابل‌توجهی با نسخه قبلی که آمریکا و گروهی از کشورهای عربی و اسلامی بر سر آن توافق کرده بودند متفاوت است؛ این تغییرات نتیجه مداخله نتانیا‌هو تلقی می‌شود.

روز یکشنبه، «استیو ویتکاف» فرستاده کاخ سفید و «ج‌رد کوشنر» داماد ترامپ، شش ساعت با نتانیا‌هو و مشاور نزدیکش «ران درمر» مذاکره کردند. نتانیا‌هو موفق شد تغییرات متعددی در متن بگنجاند، به‌ویژه در مورد شرایط و جدول زمانی عقب‌نشینی اسرائیل از غزه.

در طرح جدید، خروج نیروهای اسرائیلی مشروط به میزان پیشرفت در خلع سلاح حماس شده و اسرائیل اختیار وتو بر روند اجرا دارد. حتی اگر تمامی شرایط اجرا شود و سه مرحله عقب‌نشینی تکمیل گردد، نیروهای اسرائیلی همچنان در یک محیط امنیتی داخل غزه باقی خواهند ماند «تا زمانی که غزه به‌طور کامل از هرگونه تهدید تروریستی بازگشتی ایمن گردد»؛ امری که می‌تواند مدت نامعلومی طول بکشد.

## حمایت رهبران منطقه از طرح صلح ترامپ برای غزه

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و استیو ویتکاف، فرستاده کاخ سفید، روز سه‌شنبه در نشستی با رهبران عرب و مسلمان، «طرح ۲۱

ماده ای» خود برای پایان جنگ در غزه و سازوکار اداره این منطقه در دوران پساحماس را ارائه کردند که با واکنش مثبت حاضران مواجه شد. منابع گفتند که پیشنهادهای آمریکا نسخه‌هایی اصلاح‌شده از ایده‌هایی است که طی شش ماه گذشته مطرح بوده و به‌روزرسانی‌هایی از طرح‌هایی است که پیش‌تر توسط جرد کوشنر (داماد ترامپ) و تونی بلر، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا، تهیه شده بود.

در این نشست، رهبران و مقام‌های ارشد عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، مصر، اردن، ترکیه، اندونزی و پاکستان حضور داشتند. بنا بر گفته دو منبع آگاه، رهبران عرب چند شرط برای حمایت از طرح ترامپ مطرح کردند:

\* اسرائیل بخش‌هایی از کرانه باختری یا غزه را به خاک خود ملحق نکند.

اسرائیل بخش‌هایی از غزه را اشغال نکند.

\* اسرائیل در غزه شهرک‌سازی نکند.

\* اسرائیل از تضعیف وضعیت موجود در مسجدالاقصی دست بردارد.

\* کمک‌های انسانی به غزه فوراً افزایش یابد.

دو منبع گفتند ترامپ به رهبران عرب و مسلمان به‌روشنی اعلام کرده که اجازه نخواهد داد اسرائیل بخش‌هایی از کرانه باختری را ضمیمه کند.

وبسایت پولیتیکو نخستین بار گزارش داد که ترامپ وعده داده مانع از الحاق شود. به گفته

منابع، در پایان نشست، رهبران عرب و مسلمان از اصول آمریکایی حمایت کرده و متعهد شدند در طرح پسا جنگ غزه مشارکت کنند.

رهبران هفت کشور عرب و مسلمان که در نشست حضور داشتند، روز چهارشنبه در بیانیه مشترکی از طرح ترامپ حمایت کردند.

در این بیانیه آمده است: «ما بار دیگر تعهد خود را به همکاری با رییس‌جمهور ترامپ تایید کرده و بر اهمیت رهبری او برای پایان جنگ و گشودن افق‌های صلح عادلانه و پایدار تاکید می‌کنیم.»

عبدالفتاح السیسی، رییس‌جمهور مصر، نیز بیانیه‌ای جداگانه در حمایت از طرح ترامپ منتشر کرد. او گفت: «من تلاش‌های رییس‌جمهور ترامپ برای توقف جنگ جاری در نوار غزه به‌ویژه، و پیگیری صلح در خاورمیانه به‌طور کلی را ارج می‌نهم. من به ابتکاراتی که وی در دیدار دیروز خود در نیویورک با شماری از رهبران عرب و اسلامی ارائه کرد، ارزش می‌گذارم و آن‌ها را پایه‌ای مهم برای ادامه تلاش‌ها در دوره پیش‌رو جهت دستیابی به صلح می‌دانم.»

یکی از مقامات عرب حاضر در نشست گفت، این طرح «بسیار خوب» بود و تأکید کرد: «ترامپ بدون تردید متعهد به پایان دادن به جنگ است.» مقام عرب دیگری نیز گفت حاضران نشست را «بسیار امیدوارانه» ترک کردند.

او افزود: «برای نخستین بار احساس کردیم که یک طرح جدی روی میز قرار گرفته است. رییس‌جمهور ترامپ می‌خواهد این فصل به پایان برسد تا بتوانیم در منطقه به سمت آینده‌ای بهتر حرکت کنیم.»

روز چهارشنبه هفته گذشته، مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا و ویتکاف، نشستی تکمیلی با وزرای خارجه عربستان سعودی، قطر، امارات، مصر و اردن برگزار کردند تا اصول ارائه‌شده توسط ترامپ را به طرحی عملیاتی‌تر و دقیق‌تر تبدیل کنند.

مقام‌های اسرائیلی گفتند بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به‌طور کلی در جریان این اصول آمریکایی قرار دارد و رون درمر، مشاور نزدیک او، اخیراً با کوشنر و بلر در این باره گفت‌وگو کرده است.

به گفته یک منبع آگاه از محتوای جلسه، ترامپ به رهبران عرب گفت که گام بعدی، بحث درباره این طرح با نتانیاهو در کاخ سفید در روز دوشنبه است تا حمایت او را جلب کند.

یکی از مقامات عرب حاضر در نشست گفت: «چارچوب آمریکا خوب بود اما نیاز به اندکی اصلاح با مشارکت کشورهای عرب دارد. پس از نهایی‌شدن، آمریکا باید آن را به بی‌بی (نتانیاهو) بفروشد.»

آینده بلندمدت غزه احتمالاً جایی میان اعلامیه نیویورک، طرح ترامپ و طرح بازسازی عربی رقم

خواهد خورد. همه این طرح‌ها، هر یک به شیوه‌ای کاملاً متفاوت، امیدوارند بخشی از فاجعه‌ای را که در دو سال گذشته بر غزه گذشته، جبران کنند. هر نتیجه‌ای که حاصل شود، باید به این پرسش پاسخ دهد که فلسطین و رهبری آن چه شکلی خواهد داشت.

از هم‌اکنون، ترامپ خود را قهرمان «پایان جنگ غزه» می‌داند. ادعاهایی که او قبلاً نیز درباره جنگ روسیه و اوکراین هم مطرح کرده است. در حالی که پس از جنگ سال ۱۹۶۷، ایالات متحده به‌طور مرتب نقش حامی حکومت اسرائیل را ایفا کرده و کمک‌های مالی، و نظامی قابل ملاحظه و پشتیبانی بی‌چون و چرایی از آن در شورای امنیت سازمان ملل متحد نموده و همه قطع‌نامه‌های حاوی محکومیت اسرائیل به‌خاطر انجام جنایت‌های جنگی را وتو کرده است. در سال ۲۰۰۳، واشنگتن عراق را بدون هیچ‌گونه توجیه عقلانی نظامی اشغال کرد و این کار با استقبال بازهای اسرائیلی از جمله نتانیاهو انجام شد. با این حال، تاکنون کاخ سفید هیچ گاه اجازه نداده که نیروی نظامی آمریکا در یک تهاجم اسرائیلی مشارکت کند.

نتانیاهو با موفقیت در کشاندن پای دولت آمریکا به جنگ، یقیناً یکی از بزرگترین پیروزی‌های خود را به‌دست آورده است. اگر دولت ترامپ، با تمام قدرت حامی دولت امنیتی

اسرائیل نبود شاید نسلکشی در غزه به این ابعاد هولناک نمی‌رسید اما اکنون ترامپ، به‌طور ریاکارانه «نگرانی‌های» خود را به‌خاطر شمار غیرنظامی‌ها ابراز می‌کند. به هر حال، سابقه‌ای ایجاد شده و از این پس نظامی منطقه‌ای بزمبناهی سلطه بلامنازع یک کشور کوچک به نام «اسرائیل» ایجاد شده که می‌کوشد بدون مجازات‌شدن دست به کارزارهای پاکسازی ملی و نسلکشی خشونت‌بار تحت رهبری فردی بزند که دادگاه کیفری بین‌المللی برایش حکم بازداشت صادر کرده است.

ایالات متحده قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل را که خواستار آتش‌بس فوری و دائمی در غزه و آزادی گروگان‌های اسرائیلی بود، وتو کرد. این ششمین بار بود که آمریکا به یک قطع‌نامه ارائه‌شده در این شورا درباره جنگ میان اسرائیل و گروه افراطی حماس رای مخالف داد. تمام ۱۴ عضو دیگر شورای امنیت روز پنج‌شنبه ۲۷ شهریور به این قطع‌نامه رای مثبت دادند؛ قطع‌نامه‌ای که وضعیت انسانی در غزه را «فاجعه‌بار» توصیف کرده و از اسرائیل خواسته بود همه محدودیت‌ها بر ارسال کمک به بیش از دو میلیون فلسطینی ساکن این منطقه را لغو کند.

این متن، که توسط ۱۰ عضو منتخب از ۱۵ عضو شورای امنیت تهیه شده بود، همچنین خواستار آزادی فوری، محترمانه و بدون قید و شرط همه

گروگان‌هایی شده بود که توسط حماس و سایر گروه‌های فلسطینی به اسارت گرفته شده‌اند.

## آمار فلسطینی‌های جان‌باخته در باریکه غزه

نتیجه یک مطالعه پژوهشی شمار فلسطینی‌های جان‌باخته در باریکه غزه را از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا آوریل ۲۰۲۵، یعنی طی بیش از ۱۵ ماه ۱۳۶ هزار تن برآورد کرده است. یک مقاله دیگر که دو محقق به نام‌های ریچارد هیل و گیدئون پولیا به تازگی منتشر کردند آمار کشته‌شدگان را تا ۲۵ آوریل ۲۰۲۵ دستکم ۶۸۰ هزار نفر، یعنی ۱۲ تا ۱۴ برابر آمار رسمی تا آن زمان تخمین زدند.

یافته‌های این مقاله، فاش می‌کند کودکان قربانی اصلی حملات اسرائیل هستند. نویسندگان مقاله بر مبنای این فرضیه که ۳۳ درصد کشته‌شدگان ناشی از حملات اسرائیل کودکان هستند، نوشتند تا ۲۵ آوریل ۲۰۲۵، ۳۸۰ هزار کودک زیر پنج سال در حملات مستقیم یا بر اثر پیامدهای این حملات جان باختند. به گفته نویسندگان، در مجموع ۴۷۹ هزار تن از کشته‌شدگان کودک زیر ۱۸ سال بودند.

پیش‌تر در سپتامبر ۲۰۲۴ گروهی از پزشکان و پرستاران آمریکایی در نامه‌ای به جو بایدن گفته بودند شمار واقعی کشته‌شدگان طی یک سال حملات اسرائیل ۱۱۸ هزار تن است. ۹۹ پزشک

آمریکایی همان زمان نسبت به شیوع سوء تغذیه، فروپاشی سیستم درمان و کمبود دارو هشدار داده بودند.

یک گروه حقوق بشری در ایالات متحده آمریکا، اوت ۲۰۲۵ پس از افشای نقش بنیادی که جایگزین نهادهای بین‌المللی در غزه شد، در کشتن فلسطینی‌های منتظر دریافت غذا فاش کرد از ژوئیه ۲۰۲۵ بر اساس گزارش نمایندگی‌های سازمان ملل متحد و یا سازمان‌های حقوق بشری که همچنان در باریکه غزه حضور دارند، دستکم ۱۳۷۳ فلسطینی در نزدیکی مراکز توزیع غذا کشته شدند. این اطلاعات در پایان ماه اوت منتشر شد. حمله اسرائیل به فلسطینی‌هایی که برای دریافت غذا به مراکز اعلام شده می‌آمدند در سپتامبر نیز ادامه داشت.

در آلمان تازه‌ترین نظرسنجی نشان می‌دهد ۸۳ درصد شهروندان حملات اسرائیل در باریکه غزه را غیرموجه می‌دانند. در نظرسنجی پیشین در اوت ۲۰۲۵ موافقان گزاره ناموجه بودن حملات اسرائیل در غزه ۷۶ درصد بودند و مخالفان آن ۱۳ درصد. یک ماه بعد تنها ۱۰ درصد معتقد بودند حملات اسرائیل در غزه موجه و برای نابودی حماس است. آلمان به رغم مخالفت بالغ بر ۸۰ درصد شهروندان به تجهیز نظامی اسرائیل ادامه می‌دهد. سیاستمداران آلمان مخالفان جنگ را با خشونت سرکوب می‌کنند و همچنان حاضر

نیستند چون دولت‌های اروپایی دولت فلسطین را به رسمیت بشناسند.

این میزان حمایت از اسرائیل که به اذعان عفو بین‌الملل یک دولت «آپارتاید» است، و کمیسیون مستقل تحقیق سازمان ملل و انجمن بین‌المللی محققان نسل‌کشی، ارتکاب به نسل‌کشی در غزه را تایید کرده‌اند، در تقابل و تضاد با مخالفت دروغین دولت‌های اروپایی و ایالات متحده آمریکا با جنگ و سرکوب و ستمگری است. مقایسه سیاست اروپا، نه فقط در سطح حکومت‌ها بلکه رسانه‌های جریان اصلی و فضای عمومی غالب در مواجهه با حمله به اوکراین و نسل‌کشی در غزه این ریاکاری و استاندارد دوگانه «دموکراسی و حقوق بشر غربی» را عریان‌تر نمایان می‌کند.

### **به رسمیت شناختن کشور فلسطین؛ چه کسی قرار است آن را رهبری کند؟**

پیش از این بیش از ۱۵۰ کشور، فلسطین را به رسمیت شناخته بودند، اما افزوده شدن بریتانیا و کشورهای دیگر به این فهرست از دید بسیاری لحظه‌ای مهم تلقی می‌شود.

خاویر ابو عید، مقام پیشین فلسطینی، می‌گوید: «فلسطین هرگز در سطح جهانی چنین قدرتی نداشته است. اکنون جهان برای فلسطین بسیج شده است.»

با این حال، پرسش‌های پیچیده‌ای باقی است، از جمله اینکه فلسطین چیست و اساساً آیا کشوری برای به رسمیت شناختن وجود دارد؟

در کنوانسیون مونته‌ویدئو در سال ۱۹۳۳، چهار معیار برای استقلال یک کشور ذکر شده است. فلسطین به شکل قابل توجیهی می‌تواند روی دو مورد تکیه کند: جمعیت دائمی (هرچند جنگ غزه این مسئله را به شدت تهدید کرده) و توانایی برقراری روابط بین‌المللی، که خود دکتر زملط شاهی بر آن است.

اما شرط «قلمرو تعریف‌شده» هنوز برآورده نمی‌شود. بدون توافق بر سر مرزهای نهایی (و نبود فرایند واقعی صلح)، به سختی می‌توان با اطمینان گفت منظور از فلسطین دقیقاً چیست. از نظر خود فلسطینی‌ها، کشور آرمانی‌شان سه بخش دارد: بیت‌المقدس شرقی، کرانه غربی و نوار غزه. همه این سرزمین‌ها در جریان جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد.

حتی نگاهی گذرا به نقشه نشان می‌دهد مشکل از کجا آغاز می‌شود. کرانه غربی و نوار غزه از زمان استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به مدت سه‌چهارم قرن از هم جدا مانده‌اند.

در کرانه غربی حضور ارتش اسرائیل و شهرکنشینان یهودی باعث شده است که تشکیلات فلسطینی - که پس از پیمان صلح اسلو در دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت - تنها اداره حدود ۴۰ درصد این مناطق را در دست داشته باشد. از سال ۱۹۶۷

تاکنون، گسترش شهرک‌ها بخش‌های بیشتری از کرانه غربی را بلعیده و آن را به موجودیت سیاسی و اقتصادی به‌شدت از هم‌گسسته تبدیل کرده است.

در همین حال، بیت‌المقدس شرقی -که فلسطینی‌ها آن را پایتخت خود می‌دانند- با حلقه‌ای از شهرک‌های یهودی احاطه شده و به تدریج از کرانه غربی جدا افتاده است.

سرنوشت غزه بسیار بدتر بود. پس از حدود دو سال جنگ، که با حملات حماس در اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، بخش اعظم این منطقه نابود شده است. با این همه گویی همه این مشکلات کافی نبوده، معیار چهارمی هم در کنوانسیون مونته‌ویدئو برای به رسمیت‌شناختن یک کشور تعیین شده است: «وجود حکومتی کارآمد.»

و این خود چالشی بزرگ برای فلسطینی‌هاست: «ما به رهبری تازه نیاز داریم»

در سال ۱۹۹۴، توافق میان اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به ایجاد تشکیلات فلسطینی انجامید که بخشی از کنترل اداری و غیرنظامی بر فلسطینی‌های غزه و کرانه غربی را به دست گرفت.

اما از سال ۲۰۰۷ و پس از درگیری‌های خونین میان حماس و فتح (سازمان اصلی ساف)، فلسطینی‌ها در نوار غزه و کرانه غربی زیر نظر دو حکومت رقیب اداره شده‌اند: حماس در غزه و تشکیلات فلسطینی در کرانه غربی که ریاست آن

با محمود عباس است. محمود عباس نزدیک به ۹۰ سال دارد و بسیاری از مردم فلسطینی منطقه تحت کنترل وی ناراضی هستند.

این به معنای ۷۷ سال جدایی جغرافیایی و ۱۸ سال شکاف سیاسی است؛ زمانی طولانی برای این که کرانه غربی و نوار غزه هرچه بیشتر از هم دور شوند. در این میان، صحنه سیاسی در این سرزمین ها دچار رکود شده و بیشتر فلسطینی ها نسبت به رهبری خود بدبین و از امکان برقراری هرگونه آشتی داخلی، چه رسد به پیشرفت در مسیر تشکیل دولت، ناامید شده اند.

آخرین انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در سال ۲۰۰۶ برگزار شد؛ به این معنا که هیچ فلسطینی زیر ۳۶ سال در کرانه غربی یا نوار غزه هرگز پای صندوق رای نرفته است.

دیانا بوتو، وکیل فلسطینی، می گوید: «این که در تمام این مدت هیچ انتخاباتی نداشته ایم، واقعا باورکردنی نیست. ما به رهبری تازه نیاز داریم.»

وزارت بهداشت تحت اداره حماس اعلام کرده است که از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون بیش از ۶۰ هزار نفر در غزه کشته شده اند. با جنگی که در اکتبر ۲۰۲۳ در غزه درگرفت، این مسئله حتی از قبل هم حادث تر شد.

تشکیلات فلسطینی به رهبری محمود عباس، که از مقر خود در کرانه غربی نظاره گر مرگ ده ها هزار

شهروند بود، عملاً به بازیگری منفعل و ناتوان تبدیل شد.

تنش‌ها در میان صفوف رهبری فلسطینی‌ها سابقه‌ای طولانی دارد. زمانی که یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین، پس از سال‌ها تبعید بازگشت تا تشکیلات فلسطینی را رهبری کند، سیاستمداران محلی فلسطینی عملاً به حاشیه رانده شدند.

«داخلی‌ها» از سبک سلطه‌گرانه «خارجی‌ها» که با آمدن عرفات به قدرت رسیده بودند، ناراضی شدند. شایعات مربوط به فساد در اطرافیان او نیز کمکی به اعتبار تشکیلات فلسطینی نکرد.

مهم‌تر آن‌که، به‌نظر نمی‌رسید تشکیلات جدید قادر به متوقف کردن شهرک‌سازی تدریجی اسرائیل یا تحقق وعده استقلال و حاکمیتی باشد که با دست دادن تاریخی عرفات با اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، در محوطه کاخ سفید در سپتامبر ۱۹۹۳، امید زیادی ایجاد کرده بود.

سال‌های پس از آن نیز مجالی برای تکامل آرام سیاسی در سرزمین‌های فلسطینی فراهم نکرد؛ سال‌هایی که شاهد شکست ابتکارات صلح، ادامه گسترش شهرک‌های یهودی، خشونت تندروها در هر دو طرف، لغزش سیاست اسرائیل به سمت راست، و شکاف خونین میان حماس و فتح در سال ۲۰۰۷ بود. یزید صایغ، تاریخ‌دان فلسطینی، می‌گوید: «در یک فرایند طبیعی، باید چهره‌های تازه و نسل‌های جدید پدید می‌آمدند. اما این امر ناممکن شده

است. فلسطینی‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی عمدتاً به جوامع کوچک و جداگانه تقسیم شده‌اند و همین، ظهور و انسجام رهبران تازه را تقریباً غیرممکن کرده است.»

با وجود این، یک چهره از میان این تلاطم‌های سیاسی سر برآورد: «مروان برغوثی.» او که در کرانه غربی متولد و بزرگ شده بود، در ۱۵ سالگی به جنبش فتح، شاخه سازمان آزادی‌بخش به رهبری عرفات، پیوست.

برغوثی در جریان انتفاضه دوم فلسطینی‌ها به رهبری محبوب تبدیل شد. اما اسرائیل او را بازداشت کرد و به اتهام طراحی حملاتی که پنج اسرائیلی در آن کشته شده بودند محاکمه شد. او همواره این اتهامات را رد کرده است، اما از سال ۲۰۰۲ در اسرائیل زندانی است. با این همه، هنگامی که فلسطینی‌ها از رهبران احتمالی آینده سخن می‌گویند، به نام کسی می‌رسند که نزدیک به یک‌چهارم قرن پشت میله‌های زندان بوده است.

نظرسنجی اخیر «مرکز فلسطینی پژوهش‌های سیاست و افکار عمومی» مستقر در کرانه غربی نشان داد که ۵۰ درصد فلسطینی‌ها مروان برغوثی را به‌عنوان رییس تشکیلات فلسطینی انتخاب می‌کنند. این رقم اختلاف چشم‌گیری با میزان محبوبیت محمود عباس داشت که از سال ۲۰۰۵ در این سمت باقی مانده است.

با وجود آن‌که برغوثی از اعضای ارشد فتح است. جنبشی که مدت‌ها با حماس در کشمکش بوده، تصور می‌شود نام او در صدر فهرست زندانیان سیاسی باشد که حماس خواهان آزادی آن‌ها در برابر رهایی گروگان‌های اسرائیلی در غزه است. اما اسرائیل هیچ نشانه‌ای از تمایل به آزادی او نشان نداده است. یک نظرسنجی اخیر نشان داد که برغوثی، با فاصله‌ای زیاد از محمود عباس، گزینه نخست فلسطینی‌ها برای رهبری است. چندی پیش ویدیویی منتشر شد که در آن ایتامار بن گویر، وزیر امنیت داخلی اسرائیل، در حال تمسخر برغوثی ۶۶ ساله دیده می‌شد که در تصویر نحیف و ضعیف به نظر می‌رسید.

حتی پیش از جنگ غزه، مخالفت بنیامین نتانیا هو با تشکیل کشور فلسطینی آشکار بود. او در فوریه ۲۰۲۴ گفته بود: «همه می‌دانند که من همان کسی هستم که طی دهه‌ها مانع از تشکیل کشوری فلسطینی شدم که موجودیت ما را به خطر می‌انداخت.»

با وجود درخواست‌های بین‌المللی برای بازگشت کنترل غزه به تشکیلات فلسطینی، نتانیا هو اصرار دارد که این نهاد هیچ نقشی در اداره آینده غزه نخواهد داشت و استدلال می‌کند که عباس حملات ۷ اکتبر حماس را محکوم نکرده است. در ماه اوت، اسرائیل سرانجام مجوز نهایی طرحی را برای شهرک‌سازی را صادر کرد که عملاً بیت‌المقدس شرقی را از کرانه غربی جدا می‌کند.

در این طرح برنامه ساخت ۳۴۰۰ واحد مسکونی تایید شد و بتسالل اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل، گفت این طرح ایده تشکیل کشور فلسطینی را دفن خواهد کرد «چون چیزی برای به رسمیت شناختن وجود ندارد و کسی هم نیست که به رسمیت شناخته شود.»

در ماه ژوئیه، در پایان کنفرانسی سه روزه به میزبانی فرانسه و عربستان سعودی، اعلامیه ای منتشر شد که می گفت: «حماس باید به حاکمیت خود در غزه پایان دهد و سلاح هایش را به تشکیلات فلسطینی تحویل دهد.»

همه کشورهای عربی از «اعلامیه نیویورک» حمایت کردند و سپس این بیانیه با رای موافق ۱۴۲ عضو مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد.

حماس از سوی دیگر اعلام کرده که آماده است اداره غزه را به یک دولت مستقل تکنوکرات واگذار کند.

آیا به رسمیت شناختن کشور فلسطین به عنوان یک حرکت نمادین کافی است؟

با زندانی بودن برغوثی، نزدیک شدن عباس به ۹۰ سالگی، فروپاشی حماس و تکه تکه شدن کرانه غربی، روشن است که فلسطین فاقد رهبری و انسجام است. اما این به معنای بی اهمیت بودن شناسایی بین المللی نیست.

امضاء کنندگان اعلامیه نیویورک، از جمله بریتانیا متعهد شدند که «گام های ملموس،

زمان‌بندی‌شده و غیرقابل بازگشت برای حل مسأله فلسطین» بردارند.

مقام‌های لندن به بخش‌هایی از این اعلامیه اشاره می‌کنند که درباره اتحاد غزه و کرانه غربی، حمایت از تشکیلات فلسطینی و برگزاری انتخابات فلسطینی (و نیز طرح بازسازی عربی غزه) صحبت می‌کند. این گام‌هایی است که بر اساس اعلامیه نیویورک، باید پس از شناسایی برداشته شوند. اما آن‌ها می‌دانند که موانع بسیار بزرگی پیش رو است. اسرائیل، همچنان سرسختانه مخالف است و تهدید کرده که در واکنش به این اقدامات، بخش‌هایی از کرانه غربی یا حتی تمام آن را رسماً ضمیمه خاک خود خواهد کرد.

در همین حال دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، آشکارا نارضایتی خود را از به رسمیت شناختن کشور فلسطین از سوی متحدان اروپایی بیان کرد و گفت: «من در این زمینه با نخست‌وزیر (بریتانیا) اختلاف نظر دارم.»

در ماه اوت، آمریکا در اقدامی غیر معمول ویزای ده‌ها مقام فلسطینی را برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل لغو یا رد کرد؛ اقدامی که می‌تواند نقض مقررات سازمان ملل باشد.

آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل حق وتو دارد و ترامپ همچنان به نسخه‌ای از طرح موسوم به «طرح ریویرا» پایبند به نظر می‌رسد، طرحی که بر اساس آن آمریکا «مالکیت بلندمدت» غزه را بر عهده خواهد گرفت.

نکته مهم این است که این طرح هیچ اشاره ای به تشکیلات فلسطینی نمی‌کند و فقط از «خودگردانی اصلاح‌شده فلسطینی» سخن می‌گوید، بدون آن‌که به ارتباطی میان غزه و کرانه غربی در آینده اشاره کند.



کودکان آواره فلسطینی به جست‌وجوی هیزم و پلاستیک در محل دفن زباله در کنار اردوگاه چادرشان که در آن‌جا پناه می‌گیرند، خان یونس، غزه، سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵

## ناوگان بین‌المللی کمکرسانی صمود

ناوگان بین‌المللی کمکرسانی صمود که در پی حملات پهنپادی روز چهارشنبه دوم مهر ماه، برای تعمیرات در آب‌های یونان متوقف شده بود، امروز بار دیگر به‌سوی نوار غزه حرکت کرد.

شب چهارشنبه، چندین فروند پهپاد دولت اسرائیل به صورت گسترده بر فراز کاروان جهانی

صمود به پرواز درآمدند. بر اساس گزارش کمیته بین‌المللی شکستن محاصره غزه، ۱۵ پهپاد بر فراز کشتی «آلما» و ۵ پهپاد دیگر بر فراز کشتی «دیر یاسین» مشاهده شدند. کشتی‌های «یولارا» و «أوهوایلا» نیز هدف حمله به وسیله پرتابه‌های آتش‌زا قرار گرفتند.

شبکه الجزیره گزارش داد که دیشب ۱۲ حمله پهپادی، ۹ قایق ناوگان صمود را هدف قرار داده است. این شبکه از پرواز گسترده شماری از پهپادها بر فراز قایق‌های «کاروان صمود» خبر داد.

سازمان‌دهندگان کاروان کمکرسانی‌ناوگان صمود، امروز یکشنبه ۲۸ سپتامبر، با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کردند که کشتی‌هایی از یونان نیز به این ناوگان پیوسته‌اند و به این ترتیب، ناوگان که شامل حدود ۴۷ کشتی و قایق غیرنظامی است، اکنون «کامل» شده است.

در این پیام خطاب به ساکنان غزه آمده است: «برادران و خواهران ما در غزه، ما با امید در قلب‌هایمان حرکت می‌کنیم. مقاومت شما قطبنمای ماست، مبارزه شما مبارزه ماست. با هم، سکوت محاصره را خواهیم شکست.»

حدود ۴۰ شهروند ایتالیایی به‌همراه فعالانی از ده‌ها کشور دیگر، از جمله گرتا تونبرگ، کنشگر مشهور سوئدی، در ناوگان صمود حضور دارند.

فعالان حاضر در این ناوگان که هدف خود را به چالش کشیدن محاصره دریایی غزه از سوی اسرائیل و رساندن کمک‌های بشردوستانه به منطقه اعلام کرده‌اند، امیدوارند بتوانند هفته آینده کمک‌های بشردوستانه را به غزه برسانند.

ناوگان صمود روز چهارشنبه در آب‌های بین‌المللی در نزدیکی جزیره کرت هدف حمله پهپادهای مسلح به نارنجک‌های صوتی و گازهای تحریک‌کننده قرار گرفت که باعث وارد آمدن خساراتی به قایق‌ها شد، اما تلفات جانی در بر نداشت.

اسرائیل در مورد این حادثه اظهار نظری نکرده است اما پیش از این با این استدلال که محاصره دریایی غزه برای مبارزه با نیروهای حماس از نظر حقوق بین‌الملل مشروع است، اعلام کرده بود که برای جلوگیری از رسیدن قایق‌ها به غزه، از هر وسیله‌ای استفاده خواهد کرد.

دولت اسرائیل: اجازه نخواهیم داد قایق حامل

گرتا تونبرگ و دیگر کنش‌گران به غزه برسد  
یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، گرتا تونبرگ، کنش‌گر سوئدی حامی محیط زیست، را به یهودستیزی متهم کرده و گفت که قایق حامل وی و دیگر کنش‌گران «هرگز» به غزه نخواهد رسید. به گفته وزیر دفاع اسرائیل، این کشور اجازه نخواهد داد هیچ‌کس محاصره دریایی نوار غزه را که به

گفته او با هدف جلوگیری از واردات تسلیحات توسط حماس اعمال شده است، بشکنند. دولت اسرائیل، امروز یکشنبه هشتم ژوئن، اعلام کرد که مانع از رسیدن قایق حامل گرتا تونبرگ و سایر کنشگران به نوار غزه خواهد شد. یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل در بیانیه‌ای خطاب به «گرتای یهودستیز و سایر مبلغان حماس» تصریح کرد: «این را به روشنی اعلام می‌کنم. باید برگردید زیرا هرگز به غزه نخواهید رسید.»

تیاگو آیولا، کنشگر برزیلی حاضر در این قایق، امروز بعدازظهر با انتشار ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد که حدود ۱۶۰ مایل دریایی با غزه فاصله دارند و به نظر می‌رسد سیگنال‌های ردیابی و ارتباطی آن‌ها مختل شده است.

گرتا تونبرگ، کنشگر برجسته سوئدی، یکی از ۱۲ فعال حاضر در قایق مدالین است که توسط ائتلاف ناوگان آزادی اداره می‌شود. این قایق هفته گذشته با مأموریتی برای شکستن محاصره دریایی غزه و رساندن کمک‌های بشردوستانه و همچنین جلب توجه افکار عمومی جهانی به بحران انسانی رو به وخامت منطقه، حرکت خود را از سیسیل ایتالیا آغاز کرد. قایق مدالین قرار بود طبق پیش‌بینی‌ها امروز وارد آب‌های غزه شود.

ریماس حسن، عضو فرانسوی پارلمان اروپا که اصالت فلسطینی دارد نیز از دیگر سرنشینان

این قایق است. او به دلیل مواضعش علیه سیاست‌های اسرائیل نسبت به فلسطینیان، از ورود به اسرائیل منع شده است.

ماه گذشته نیز تلاش دیگری از سوی ائتلاف‌ناوگان آزادی برای رسیدن به غزه از طریق دریا ناکام ماند چرا که یکی از قایق‌های این گروه هنگام حرکت در آب‌های بین‌المللی در نزدیکی مالت، هدف حمله دو پهپاد قرار گرفت. در این حمله که ناوگان آزادی اسرائیل را مسئول آن دانست، بخش جلویی قایق آسیب دید.

شرکت‌کنندگان در ناوگان جهانی صمود برای رفع محاصره غزه تلاش دارند این پیام‌ها را به دنیا مخابره کنند:

**اول؛** کار بشردوستانه اقدامی ماجراجویانه نیست، بلکه حداقل کاری است که باید در مواجهه با سستی دولتها و نهادهای بین‌المللی در قبال فاجعه غزه، انجام شود.

**دوم؛** این اقدام یک ابتکار مدنی مستقل است و به هیچ نهاد سیاسی وابسته نیست و حمایت رسمی دریافت نمی‌کند، اما از سوی مردم و نهادهای در سراسر جهان همبستگی دریافت می‌کند.

**سوم؛** ناوگان صمود تمام تلاش‌ها برای خدشه‌دار کردن چهره خود یا متهم کردن آن به ارتباط با گروه‌های مختلف را رد می‌کند.

**چهارم؛** روحیه ای از عشق و مسئولیت‌پذیری در کشتی حاکم است؛ هر فردی در آنجا می‌داند که

جان آنها مهمتر از جان غیرنظامیان فلسطینی نیست.



### ناوگان «صمود» در ۱۵۰ مایلی ساحل غزه؛ کشتی‌های ناشناس به قایق‌ها نزدیک شدند

پس از آن‌که ناوگان «صمود» هفته گذشته در آب‌های مقابل سواحل یونان هدف حملات پهپادی قرار گرفت، این ناوگان در روز چهارشنبه یکم اکتبر- نهم مهر، به فاصله حدود ۱۵۰ مایل دریایی (۲۷۸ کیلومتری) از نوار غزه رسیده است.

فعالان حاضر در «ناوگان جهانی صمود» می‌گویند بامداد چهارشنبه یکم اکتبر، یک کشتی اسرائیلی با نزدیک شدن به ناوگان آن‌ها، برخی از قایق‌ها را تهدید کرده و سامانه‌های ارتباطی‌شان را از کار انداخته است. این ناوگان در حال حرکت به

سمت سواحل غزه است تا محاصره دریایی اسرائیل را بشکند.

فعالان سوار بر قایق حامل کمک‌های بشردوستانه به غزه می‌گویند در ساعات اولیه روز چهارشنبه یک کشتی نظامی اسرائیلی به ناوگان آن‌ها نزدیک شده است.

به گفته تی‌اگو آویلا، یکی از فعالان حاضر در این ناوگان، یک کشتی اسرائیلی با انجام «مانورهای بسیار خطرناک»، سامانه‌های ارتباطی برخی از قایق‌ها از جمله کشتی‌های اصلی «آلما» و «سیریوس» را مختل کرده است.

در ویدئویی که در صفحه اینستاگرام آویلا منتشر شده یک کشتی بزرگ دیده می‌شود که به دور ناوگان می‌چرخد. با این حال به دلیل دید محدود هنوز مشخص نیست که آیا این کشتی واقعا اسرائیلی بوده یا خیر.

آویلا در پستی در اینستاگرام نوشت: «با وجود از دست دادن تجهیزات الکترونیکی، هیچ‌کس آسیب ندیده و ما همچنان به مسیرمان به سوی غزه ادامه می‌دهیم تا محاصره را بشکنیم و یک گذرگاه بشردوستانه ایجاد کنیم.»

این گروه، در پیامی در تلگرام گفته است قایق‌هایشان در فاصله حدود ۲۲۲ کیلومتری از غزه بودند که چند کشتی ناشناس به آن‌ها نزدیک شدند. به گفته آن‌ها این کشتی‌ها مدتی بعد محل را ترک کردند.

هنوز مشخص نیست چند کشتی در این حادثه دخیل بوده اند.

اعضای این ناوگان تاکید کرده اند که قصد دارند برخلاف ناوگان های پیشین، این بار به غزه برسند. ماموریت های قبلی از جمله کشتی «مدلین» و «حنظله» بین ماه های ژوئن و ژوئیه پیش از رسیدن به غزه توسط نیروهای اسرائیلی متوقف شدند.

چند کشور اروپایی از جمله اسپانیا و ایتالیا در بخشی از مسیر این ناوگان را همراهی کردند. این اقدام پس از گزارش هایی درباره حملات پهپادی در نزدیکی سواحل یونان انجام شد.

این گزارش ها در حالی منتشر می شود که ارتش اسرائیل حملات خود به نوار غزه را تشدید کرده؛ حملاتی که تا چند دیگر وارد دومین سال خود می شود.

این ناوگان که هدفش رساندن کمک های بشردوستانه به غزه است، با انتشار بیانیه ای اعلام کرد چند کشتی ناشناس که برخی چراغ خاموش حرکت می کردند، به قایق های نزدیک شدند. ناوگان صمود ساعاتی بعد در کانال تلگرامی خود خبر داد این کشتی ها محل را ترک کرده و تدابیر امنیتی لازم جهت مقابله با ره گیری محتمل اسرائیل اجرا شده است.

ایتالیا که یک ناوچه جنگی نیروی دریایی خود را برای اسکورت کاروان جهانی کمک رسانی به غزه و اجرای عملیات امداد و نجات در صورت

نیاز، اعزام کرده است، روز سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر اعلام کرد که دیگر این ناوگان را همراهی نخواهد کرد؛ اقدامی که فعالان حاضر در ناوگان را نسبت به حملات احتمالی نیروهای اسرائیلی آسیب‌پذیر می‌کند.

وزارت دفاع ایتالیا در بیانیه‌ای اعلام کرد که زمانی که ناوگان جهانی صمود به فاصله ۱۵۰ مایل دریایی (۲۷۸ کیلومتری) از ساحل غزه برسد، ناوچه ایتالیایی به حمایت خود از این کاروان پایان خواهد داد.

ایتالیا از ناوگان صمود خواسته است تا با پیشنهاد مصالحه موافقت کرده و کمک‌ها را در بندری در قبرس تخلیه کنند تا از رویارویی مستقیم با نیروهای اسرائیلی جلوگیری شود. نمایندگان کاروان بار دیگر این پیشنهاد را رد کرده‌اند.

جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، از این ناوگان خواست که حرکت خود را متوقف کند چرا که ادامه این مأموریت می‌تواند امیدها برای صلح مبتنی بر پیشنهاد ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، را تضعیف کند.

ناوگان جهانی صمود اما که شامل بیش از ۴۰ قایق غیرنظامی و بیش از ۵۰۰ نفر از جمله نمایندگان پارلمان، وکلا و گرتا تونبرگ، فعال سوئدی محیط‌زیست است و تلاش دارد محاصره دریایی غزه

از سوی اسرائیل را بشکنند، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما بار دیگر تاکید می‌کنیم: این ناوگان به مسیر خود ادامه می‌دهد. نیروی دریایی ایتالیا این مأموریت را مختل نخواهد کرد. درخواست بشردوستانه برای شکستن محاصره قابل بازگشت به بندر نیست.»

ایتالیا و اسپانیا هفته گذشته پس از آن که این کاروان در آب‌های بین‌المللی نزدیک یونان هدف حمله پهپادی قرار گرفت، ناوهای نیروی دریایی خود را اعزام اما هم‌زمان اعلام کردند که قصد درگیری نظامی ندارند.

اسرائیل در مورد اتهامات دست داشتن در حملات هفته گذشته اظهار نظری نکرده اما پیش از این با این استدلال که محاصره دریایی غزه برای مبارزه با نیروهای حماس از نظر حقوق بین‌الملل قانونی است، اعلام کرده بود که برای جلوگیری از رسیدن قایق‌ها به غزه، از هر وسیله‌ای استفاده خواهد کرد.

در مقابل، اسرائیل که پیش‌تر نیز مانع ورود ناوگان مشابهی شده و چندین فعال آن را بازداشت و اخراج کرده بود، تاکید کرده اجازه ورود این کمک‌ها به غزه را نخواهد داد.



تظاهرات شهروندان ایتالیا در همبستگی با  
غزه . رم - ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵ AP - Alessandra  
Tarantino

## اعتراض تشکلهای کارگری و مردمی ایتالیا به سکوت رم درباره بحران انسانی غزه

در پی تشدید بحران انسانی در غزه، هزاران نفر در شهرهای مختلف ایتالیا به خیابان آمدند و با سردادن شعارهایی علیه سیاستهای دولت، خواستار اقدام فوری برای پایان «نسلکشی» در غزه شدند.

پس از آنکه تشکلهای کارگری ایتالیا با صدور فراخوانی در حمایت از غزه خواستار اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته در بخشهای دولتی و خصوصی، از جمله حملونقل عمومی، قطارها، مدارس و بنادر این کشور شدند، امروز دوشنبه ۲۲ سپتامبر، هزاران تن از شهروندان به ویژه کارگران و دانشجویان در سراسر ایتالیا با شرکت در

تظاهرات و پیوستن به اعتصاب، از این دعوت استقبال کردند.

اعتصاب‌های دوشنبه ایتالیا باعث اختلالاتی در سراسر این کشور شد و تاخیر طولانی قطارهای بین‌شهری و محدود شدن حمل‌ونقل عمومی شهرهای بزرگ مانند رم و میلان را به همراه داشت.

در رم، بیش از ۲۰ هزار نفر در مقابل ایستگاه مرکزی شهر گرد هم آمدند تا به بحران انسانی رو به وخامت در غزه اعتراض کنند.

تحصن و تجمع کارگران در جنوا و لیورنو، بنادر اصلی ایتالیا، حرکت کالاها را کند یا موقتاً متوقف کرد.

تشکل‌های کارگری و دانشجویی ایتالیا در بیانیه‌هایی، «بی‌حرکی دولت ایتالیا و اتحادیه اروپا» در قبال جنگ غزه را محکوم کرده‌اند.

دولت محافظه‌کار ایتالیا به رهبری جورجا ملونی که از متحدان نزدیک اسرائیل در اتحادیه اروپا به شمار می‌رود، اخیراً در واکنش به فشارهای داخلی، موضعی تندتر نسبت به سیاست‌های اسرائیل اتخاذ کرده است.

با این حال، ایتالیا در میان کشورهایی که قرار است در مجمع عمومی سازمان ملل فلسطین را به‌عنوان یک کشور به رسمیت بشناسند، قرار ندارد.

تشکیل کشور مستقل فلسطین در بیت المقدس شرقی، کرانه باختری و غزه مدتهاست که در سطح بین‌المللی به عنوان تنها راه حل ممکن برای پایان دادن به این درگیری تاریخی که بیش از یک قرن پیش آغاز شده، مطرح می‌شود.



تظاهرات برای اعتراض به «نسلکشی در غزه»،  
در حاشیه جشنواره سینمایی ونیز  
Alessandra Tarantino/Invision/AP- Alessandra  
Tarantino

**تظاهرات چند هزار نفره در حاشیه جشنواره  
ونیز: نسلکشی در غزه را متوقف کنید!**

روز شنبه ۸ شهریور، در حالی که جشنواره سینمایی ونیز جریان دارد، چند هزار نفر علیه عملیات ارتش اسرائیل در نوار غزه دست به تظاهرات زدند. آن‌ها علیه «نسلکشی در غزه» شعار می‌دادند.

تظاهراتی که در شهر ونیز برگزار شد به دعوت چندین سازمان چپ که در منطقه یا ناحیه «ونتو» (Venetia) فعالند، شکل گرفت. تظاهرکنندگان برای پایان دادن به «نسلکشی در غزه» و همچنین برای تحریم اسرائیل شعار می‌دادند.

فستیوال ونیز که امسال هشتاد و دومین دوره خود را برگزار می‌کند از ۵ شهریور آغاز شده بود. امسال، از همان آغاز جشنواره، موضوع حملات اسرائیل به نوار غزه مطرح بود.

شروع فستیوال با بیانیه ده سینماگر مستقل ایتالیایی همراه شد که جنگ غزه را محکوم می‌کرد. حتی شب گذشته، هنگامی که هنرمندان وارد سالن نمایش می‌شدند، مریم توزانی کارگردان مراکشی و همسرش نبیل عیوش که او نیز سینماگر است، نوشته‌ای را دست گرفتند که شعار «نسلکشی در غزه باید متوقف شود» بر آن دیده می‌شد. یورگوس لانتیموس، سینماگر یونانی نیز هنگام نشست مطبوعاتی‌اش نشان پرچم فلسطین را به سینه زد.

ده سینماگر ایتالیایی که گروه خود را V4P (Venice for Palestine) نامیده‌اند، در نامه‌ای سرگشاده از مسئولان جشنواره خواسته‌اند که در قبال جنگ غزه «موضعی روشن و بدون ابهام» اتخاذ کنند و اجازه ندهند این فستیوال به یک «تریبون خالی و غمگین» تبدیل شود.

گروه سینماگران ایتالیایی تاکنون دوهزار امضاء جمع کرده که برخی از آن‌ها به فیلم‌سازان شناخته‌شده‌ای چون گیرمو دل تورو، کن لوچ یا مایکل مور تعلق دارد. یکی از مسئولان گروه به خبرگزاری فرانسه گفت که هدف از نامه سرگشاده اینست که در ونیز، «غزه و فلسطین را در کانون توجه عموم قرار دهیم.»

اما آلبرتو باربرا، مدیر جشنواره ونیز در همان روز گشایش تاکید کرد که فستیوال «موضع مستقیم سیاسی» ندارد، هرچند «نسبت به وضعیت اسفبار در غزه بسیار حساس است.»



مردم در تظاهراتی در حمایت از مردم فلسطین و ناوگان جهانی سومود در

تورین ایتالیا. عکس: ایسا مارچینا/نورفتو/

**خشم جهانی؛ یورش اسرائیل به کاروان جهانی  
کمک‌رسانی به غزه**

ره‌گیری ناوگان توسط اسرائیل باعث اعتراضاتی در ایتالیا و کلمبیا شد، در حالی که اعتراضاتی نیز در یونان، ایرلند و ترکیه فراخوانده شد. اتحادیه‌های کارگری ایتالیا برای روز جمعه فراخوان اعتصاب عمومی دادند. بامداد پنج‌شنبه دوم اکتبر ۲۰۲۵، نیروی دریایی اسرائیل تعدادی از کشتی‌های کاروان جهانی کمک‌رسانی به غزه را در آب‌های بین‌المللی متوقف و شماری از فعالان سرشناس، از جمله گرتا تونبرگ فعال محیط زیست سوئدی و ماندلا ماندلا، نوه نلسون ماندلا، را بازداشت کرد.

«ناوگان جهانی صمود»، متشکل از بیش از ۴۰ قایق غیرنظامی با حدود ۵۰۰ نفر سرنشین، شامگاه چهارشنبه یکم سپتامبر، هنگام نزدیک شدن به غزه هدف حمله و یورش نیروهای دریایی اسرائیل قرار گرفت. برگزارکنندگان اعلام کردند چندین کشتی توسط نظامیان اسرائیلی در آب‌های بین‌المللی توقیف و ارتباطات بسیاری از قایق‌ها به‌طور کامل مختل شده است.

فیلم‌های منتشرشده از سوی وزارت خارجه اسرائیل، نشان می‌دهد تونبرگ در عرشه یکی از کشتی‌ها در میان سربازان نشسته است. وزارت خارجه اسرائیل، اعلام کرد تمام بازداشت‌شدگان به بندر اشدود منتقل می‌شوند تا روند اخراج آنان به اروپا آغاز شود.

با وجود این، سازمان‌دهندگان کاروان تاکید کردند ماموریت آن‌ها همچنان ادامه دارد. آنان اعلام کردند تا بامداد پنج‌شنبه دستکم ۳۰ قایق همچنان به سمت غزه در حرکت بوده و تنها ۴۶ مایل دریایی با ساحل فاصله دارند. یکی از کشتی‌ها با نام میکنو، حتی وارد آب‌های سرزمینی غزه شد؛ اتفاقی بی‌سابقه از زمان آغاز محاصره دریایی در سال ۲۰۰۹.

اقدام اسرائیل موجی از واکنش‌ها و اعتراض‌های جهانی را برانگیخته است: فرانسه خواستار تضمین امنیت فعالان و احترام به حقوق کنسولی شهروندان خود شد؛ اسپانیا اقدام اسرائیل را «جنایت علیه حقوق بین‌الملل» خواند و خواستار قطع روابط اتحادیه اروپا با تل‌آویو شد، پاکستان این عملیات را «حمله‌ای بزدلانه» دانست و آزادی فوری بازداشت‌شدگان را خواستار شد. برزیل نیز با محکوم‌کردن «نقض حقوق بشر»، اسرائیل را مسئول جان اتباع خود دانست. در ایتالیا، یونان، ترکیه، ایرلند، بروکسل، برلین و بوئنوس‌آیرس تظاهرات گسترده‌ای در همبستگی با فعالان برگزار شد. بزرگترین اتحادیه کارگری ایتالیا نیز برای جمعه اعتصاب عمومی اعلام کرده است و بالاخره کلمبیا همه دیپلمات‌های اسرائیلی را از این کشور اخراج کرد.

گزارش‌ها حاکی است ۹ شهروند ایرلندی از جمله یک سناتور حزب شین‌فین، دستکم سه تبعه لهستانی

از جمله یک نماینده پارلمان و همچنین فعالانی از کشورهای اسپانیا، ایتالیا، برزیل و بریتانیا در میان بازداشت‌شدگان قرار دارند. برخی از فعالان ویدئوهایی از پیش ضبط‌شده منتشر کرده‌اند که در آن خود را «ربوده‌شده توسط نیروهای اشغالگر اسرائیل در آب‌های بین‌المللی» معرفی می‌کنند.

تشدید عملیات نظامی در غزه

هم‌زمان با این رویداد، حملات اسرائیل به نوار غزه ادامه یافت. منابع پزشکی اعلام کردند تنها در روز چهارشنبه دستکم ۴۶ فلسطینی از جمله امدادگران در حملات هوایی اسرائیل کشته شدند. دو حمله متوالی به مدرسه‌ای در شهر غزه که محل اسکان آوارگان بود، هفت کشته و ده‌ها زخمی برجا گذاشت. حملات دیگری نیز در مرکز غزه، از جمله در اردوگاه نصیرات و بیمارستان شهدای اقصى، جان شماری دیگر را گرفت.

به گفته کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران، از آغاز جنگ تاکنون بیش از ۱۸۹ خبرنگار و فعال رسانه‌ای در غزه به دست نیروهای اسرائیلی کشته شده‌اند.

### تشدید فشارهای سیاسی

این وقایع در حالی رخ می‌دهد که هم‌زمان با ادامه کشتار غیرنظامیان در غزه، اسرائیل بار دیگر به ساکنان شهر غزه دستور داده است منطقه را ترک کنند. وزیر دفاع اسرائیل تهدید کرد هر کس در این شهر باقی بماند «تروریست» محسوب

خواهد شد. حدود ۴۰۰ هزار نفر تاکنون از شهر گریخته‌اند، اما صدها هزار نفر دیگر به دلیل فقر یا بیماری قادر به ترک خانه‌هایشان نیستند.

دوربین‌هایی که تصاویر زنده از قایق‌ها را پخش می‌کردند و توسط رویترز تایید شده بودند، سربازان اسرائیلی را نشان می‌دادند که کلاه ایمنی و دوربین دید در شب بر سر داشتند و سوار کشتی‌ها می‌شدند، در حالی که مسافران با جلیقه نجات و دستان بالا گرفته در کنار هم جمع شده بودند.

ویدئویی از وزارت امور خارجه اسرائیل، تونبرگ، برجسته‌ترین مسافر ناوگان را نشان می‌داد که روی عرشه‌ای که توسط سربازان احاطه شده بود، نشسته بود.

وزارت امور خارجه اسرائیل در X اعلام کرد: «چندین کشتی از ناوگان حماس-سومود به طور ایمن متوقف شده‌اند و مسافران آن‌ها به یک بندر اسرائیلی منتقل می‌شوند.» «گرتا و دوستانش سالم و سلامت هستند.»

این ناوگان که اواخر ماه اوت حرکت خود را آغاز کرد، دارو و غذا را به غزه منتقل می‌کند و شامل بیش از ۴۰ کشتی غیرنظامی با حدود ۵۰۰ نماینده مجلس، وکیل و فعال است. این ناوگان، برجسته‌ترین نماد مخالفت با محاصره غزه توسط اسرائیل است.

پیشروی این ناوگان در دریای مدیترانه توجه بین‌المللی را به خود جلب کرد، زیرا کشورهای از جمله ترکیه، اسپانیا و ایتالیا قایق یا پهپاد فرستادند تا در صورت نیاز شهروندانشان به کمک، حتی با وجود هشدارهای مکرر اسرائیل برای بازگشت، از آن استفاده کنند.

وزارت امور خارجه ترکیه «حمله»، اسرائیل به این ناوگان را «عملی تروریستی» خواند که جان غیرنظامیان بی‌گناه را به خطر می‌اندازد. خبرگزاری دولتی آناتولی ترکیه، گزارش داد که دفتر دادستانی کل استانبول اعلام کرده است که تحقیقاتی را در مورد بازداشت ۲۴ شهروند ترکیه در این کشتی‌ها به اتهاماتی از جمله سلب آزادی، توقیف وسایل نقلیه و خسارت به اموال آغاز کرده است.

گوستاوو پترو، رئیس جمهور کلمبیا، روز چهارشنبه پس از بازداشت دو کلمبیایی در این ناوگان، دستور اخراج کل هیات دیپلماتیک اسرائیل را صادر کرد و قرارداد تجارت آزاد کلمبیا با اسرائیل را فسخ کرد.

انور ابراهیم، نخست وزیر مالزی، اقدامات اسرائیل را محکوم کرد و گفت که نیروهای اسرائیلی ۲۳ مالزیایی را بازداشت کرده‌اند.

**ارتش اسرائیل ۲۵ فعال ترک را از ناوگان جهانی صمود بازداشت کرد**

در اقدامی که به تشدید تنش‌ها در شرق مدیترانه منجر شده، نیروی دریایی اسرائیل ۲۵ فعال تُرک را از کشتی‌های حامل کمک‌های بشردوستانه به مقصد غزه بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل کرد. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که برگزارکنندگان کاروان دریایی موسوم به «ناوگان جهانی صمود»، علی‌رغم توقیف ۱۵ فروند از کشتی‌های خود، بر ادامه مسیر تا رسیدن به سواحل غزه تاکید دارند.

برگزارکنندگان این حرکت اعتراضی، عملیات نیروی دریایی اسرائیل را نقض صریح قوانین بین‌المللی و تهدیدی جدی برای امنیت دریانوردی توصیف کرده‌اند. در بیانیه‌ای که از سوی این گروه منتشر شد، آمده است که ماهیت ماموریت این ناوگان کاملاً بشردوستانه بوده و هدف آن صرفاً شکستن محاصره و ارائه کمک‌های ضروری به ساکنان غزه است.

در اسپانیا، وزیر بهداشت این کشور یورش به کاروان را «نمونه دیگری از بی‌رحمی اسرائیل» دانست و خواستار آزادی فوری سرنشینان شد. در ایتالیا، بزرگترین اتحادیه کارگری اعلام کرد روز جمعه در اعتراض به رفتار با کاروان، اعتصاب عمومی برگزار خواهد کرد.

برگزارکنندگان گفته‌اند: «این حمله غیرقانونی جان صدها غیرنظامی از بیش از ۴۰ کشور را به خطر انداخته است.»

برخی منابع در کاروان اعلام کردند که هنوز شماری از قایق‌ها به مسیر خود ادامه می‌دهند. یک شرکت‌کننده تونس‌ی در پیامی ویدئویی گفت: «ما همچنان در حال حرکت به سوی غزه هستیم و تاکنون کسی ما را متوقف نکرده است.» محاصره دریایی غزه از سال ۲۰۰۷ برقرار است و طی سال‌های گذشته بارها کاروان‌های مشابه تلاش کرده‌اند آن را بشکنند. یادآور می‌شود که در سال ۲۰۱۰، حمله نیروهای اسرائیلی به یک کاروان دریایی مشابه به کشته شدن ۹ فعال ترک انجامید و موجی از اعتراضات جهانی را برانگیخت.

کاروان «سُمود جهانی» اکنون به نماد تازه‌ای از تلاش‌های بین‌المللی برای شکستن محاصره غزه بدل شده است. با وجود هشدارهای اسرائیل، فعالان تاکید دارند که ماموریتشان صرفاً رساندن کمک‌های حیاتی به غیرنظامیان است. سرنوشت این کاروان، آزمونی تازه برای جامعه جهانی است: آیا بار دیگر جهان شاهد سرکوب خونین تلاش‌های انسان‌دوستانه خواهد بود، یا فشار دیپلماتیک می‌تواند اسرائیل را به عقب‌نشینی وادارد؟

**آمریکا خواهان بازگرداندن پایگاه هوایی  
بگرام (افغانستان) است**

دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور سابق آمریکا طی روزهای اخیر درباره پایگاه هوایی بگرام در افغانستان در تازه‌ترین اظهارات خود در شبکه اجتماعی «ایکس» مدعی شد: «اگر افغانستان پایگاه هوایی بگرام را به کسانی که آن را ساخته‌اند، یعنی ایالات متحده آمریکا، بازگرداند، اتفاقات بدی خواهد افتاد!» او، همچنین در نشست خبری ۲۷ شهریورماه، موقعیت استراتژیک بگرام را عامل اصلی اهمیت آن برای آمریکا دانست و گفت: «ما قصد داشتیم بگرام را حفظ کنیم، نه به خاطر افغانستان، بلکه به خاطر چین؛ چون این پایگاه تنها یک ساعت با محل ساخت موشک‌های هسته‌ای چین فاصله دارد.»

هدف اصلی آمریکا از طرح بازگرداندن پاسگاه بگرام، احتمالاً تلاشی است برای محاصره چین؛ تا دکترین مهار را علیه این کشور اعمال کند. اگرچه نقشه جغرافیایی مراجعه کنیم، مهار آمریکا علیه چین، از خط مهار ژاپن آغاز می‌شود، سپس کره جنوبی، تایوان، برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی و بعد از آن هند را شامل می‌شود و در ادامه به افغانستان ختم می‌گردد. به عبارت دیگر، افغانستان یکی از حلقه‌های تکمیل‌کننده سیاست مهار آمریکا علیه چین محسوب می‌شود. چرا که رقابت بین آمریکا و چین به عنوان پارادایم اصلی سیاست بین‌الملل آینده شناخته می‌شود. آمریکا تلاش دارد استراتژی

مهار را با تکمیل حلقه افغانستان به سرانجام برساند. اهداف دیگر آن، احتمالا می‌تواند ورود به فاز فشار علیه روسیه و ایران است.

## ورود پهپادهای غول‌پیکر ناشناس به فرودگاه کپنهاگ دانمارک

نیروهای مسلح دانمارک از چند روز پیش به‌طور مرتب وضعیت هشدار پهپادی اعلام کرده‌اند. شب گذشته ۲۷ سپتامبر-۵ مهر نیز بار دیگر پهپادها بر فراز پایگاه‌های نظامی این کشور مشاهده شدند. پشت‌پرده ماجرا اما هنوز روشن نیست.

پلیس دانمارک نیز پیش‌تر به خبرگزاری «ریتساو» گفته بود که در طول شب چند گزارش درباره پهپادها دریافت شده، اما هیچ‌کدام به مسدود شدن حریم هوایی بر فراز فرودگاه‌های کشور منجر نشده است.

در روزهای اول و دوم اکتبر-۹ و ۱۰ مهر، رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای نشستی غیررسمی در کپنهاگ گرد هم می‌آیند. موضوعات این نشست شامل حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و تقویت آمادگی دفاعی مشترک اروپا خواهد بود. ارتش آلمان نیز برای تامین امنیت این اجلاس به دانمارک کمک می‌کند.

دولت دانمارک پس از رخدادهای اخیر، اواسط هفته جاری از «حملات ترکیبی» سخن گفته بود. به گفته ماموران تحقیقاتی، پای یک عامل

حرفه‌ای با توانایی‌های لازم در میان است که ایجاد ناآرامی در این کشور عضو ناتو را دنبال می‌کند. هنوز اما نشانه‌ای مبنی بر اینکه چه کسی مسئول این حوادث است، در دست نیست و روسیه نیز پنج‌شنبه گذشته طی بیانیه‌ای از سوی سفارتش در دانمارک، هرگونه ارتباط با این حوادث را رد کرد.

در این میان، به گزارش شبکه «دی‌آر»، پتر هوملگارد، وزیر دادگستری سوسیال‌دموکرات دانمارک، روی پیش‌نویس قانونی کار می‌کند تا هدف قرار دادن پهپادها تسهیل شود. مشخصا قرار است در آینده به اپراتورهای فرودگاه‌ها اجازه داده شود پهپادهایی را که بر فراز ترمینال‌ها و باندها به پرواز در می‌آیند، سرنگون کنند. همچنین قرار است پهپادهایی که بر فراز بنادر، سکوهای حفاری یا دیگر زیرساخت‌های مهم ظاهر می‌شوند، ساده‌تر از پیش خنثی شوند. نیروی دریایی دانمارک نیز از همین حالا تمرین هدفگیری پهپادها را آغاز کرده است.

به نوشته روزنامه «بیلد»، دولت ائتلافی آلمان نیز در حال بحث و گفت‌وگو بر سر سخت‌تر کردن مجازات ورود غیرقانونی به محوطه فرودگاه‌ها است. هدف از این اقدامات، افزایش توان عملیاتی نهادهای مسئول و ایجاد مبانی حقوقی روشن عنوان شده است.

اتحادیه اروپا نیز در واکنش به این رخدادها قصد دارد، ایجاد سامانه‌ای دفاعی علیه

پهپادها در مرزهای خارجی این اتحادیه را سرعت ببخشد.

علاوه بر پرواز پهپادها در آسمان دانمارک در روزهای گذشته، حدود دو هفته پیش نیز شمار زیادی پهپاد روسی وارد حریم هوایی لهستان شدند که پیمان دفاعی ناتو تعدادی از آنها را سرنگون کرد. از رومانی نیز گزارشهایی درباره ورود پهپادهای روسی به حریم هوایی این کشور منتشر شده بود.

وزارت دفاع آلمان اعلام کرده که دانمارک برای تأمین امنیت اجلاس اتحادیه اروپا، از کشورهای مختلف کمک خواسته است. دلیل این درخواست، افزایش گسترده رخدادهای مربوط به «هواپیماهای ناشناس بدون سرنشین، به ویژه در اطراف زیرساختهای غیرنظامی و نظامی در دانمارک» عنوان شده است. آلمان تصمیم گرفته است که در زمینه سامانه‌های مقابله با پهپادهای ناشناس مشارکت کند.

روسیه، هرگونه نقش روسیه را در پرواز پهپادها بر فراز فرودگاه کپنهاگ رد کرد. هم‌زمان مقامات نروژ از بررسی ارتباط رویداد مشابه در اسلو خبر می‌دهند.

پس از آن‌که پلیس کپنهاگ رخداد شامگاه دوشنبه را «حمله پهپادی» به «زیرساخت حیاتی» دانمارک توصیف کرد و فرودگاه کپنهاگ (کاستروپ) به مدت چهار ساعت بسته شد، کرم‌لین هرگونه نقش روسیه را در این ماجرا رد

کرد؛ سخنگوی دولت روسیه گفت: «روسیه هیچ ارتباطی با پهنادهای مشاهده شده بر فراز کپنهاگ ندارد.» تحقیقات درباره عامل احتمالی قادر به انجام چنین حملاتی و ارتباط این رخداد با موج اخیر اختلالات امنیتی در اروپا ادامه دارد.

دولت نروژ می‌گوید حریم هوایی کشور در سال ۲۰۲۵ سه بار (شامل: آوریل، ژوئیه، اوت) با ورود هواگردهای روسیه نقض شده است؛ با این حال هنوز مشخص نیست این موارد عمدی بوده یا ناشی از خطای ناوبری. یوناس گاهر استوره، نخست‌وزیر نروژ، گفت: «صرفنظر از علت، این قابل قبول نیست.»

حادثه فرودگاه کپنهاگ تنها یک اختلال پروازی نیست، بلکه بخشی از پازل جدیدی از تهدیدات امنیتی بین اروپا و ناتو و روسیه است. جنگ اوکراین و رقابت‌های ژئوپلیتیک روسیه و غرب می‌تواند به سرعت مرزهای جغرافیایی را پشت سر گذاشته و امنیت روسیه و اروپا را تحت تاثیر قرار دهد.

فرودگاه‌ها جزو زیرساخت‌های حیاتی به‌شمار می‌روند و هرگونه اختلال در فعالیت آن‌ها نه‌تنها خسارت اقتصادی، بلکه پیامدهای امنیتی و روانی جدی در پی دارد.

هرچند تاکنون هیچ سندی مبنی بر دخالت روسیه منتشر نشده است، اما قرار گرفتن حادثه در متن فضای متشنج اروپا سبب شده رسانه‌ها و

مقامات غربی به سرعت آن را در چارچوب رقابت و تهدیدات روسیه تفسیر کنند.

این حوادث، در شرایطی رخ داده که کشورهای اروپایی در پی جنگ اوکراین و تنش‌های گسترده با روسیه، نگرانی‌های امنیتی شدیدی نسبت به حملات سایبری و عملیات پهپادی دارند. ناتو نیز در واکنش به این رخداد، اعلام کرد که «به نقض‌های روسیه در زمان و شیوه‌ای که خودمان انتخاب کنیم پاسخ خواهیم داد.»

دانمارک به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک ویژه در دریای بالتیک و میزبانی زیرساخت‌های حساس، از جمله خط لوله‌های انتقال انرژی، یکی از نقاط آسیب‌پذیر در برابر چنین تهدیداتی محسوب می‌شود.

از نظر روانی، پرواز پهپادهای ناشناس بر فراز پایتخت، برای شهروندان اروپایی یادآور فضای جنگی است که در اوکراین جریان دارد. بسیاری از مردم دانمارک در شبکه‌های اجتماعی ابراز نگرانی کرده‌اند که جنگ، هرچند به شکل غیرمستقیم، به زندگی روزمره آن‌ها سرایت کرده است.

این نخستین‌بار نیست که پرواز پهپادها باعث اختلال در فعالیت یک فرودگاه بزرگ اروپایی می‌شود. در سال ۲۰۱۸، فرودگاه گتویک لندن نیز به مدت دو روز تعطیل شد و بیش از هزار پرواز لغو یا تغییر مسیر داد، آن هم به دلیل مشاهده پهپادهای ناشناس. در آلمان و فرانسه نیز در

سال‌های اخیر حوادث مشابهی گزارش شده است. با این حال، هم‌زمانی رخداد کپنهاگ با تنش‌های شدید ژئوپلیتیک، اهمیت آن را دوچندان کرده است.

کارشناسان امنیتی بر این باورند که پهبادهای به بخشی جدایی‌ناپذیر از جنگ‌های آینده تبدیل شده‌اند. از جنگ اسرائیل و ایران، یمن تا نبردهای اوکراین، پهبادهای نشان داده‌اند که می‌توانند موازنه‌های نظامی را تغییر دهند.

در سطح منطقه‌ای، اسکاندیناوی به‌عنوان جبهه‌ای حساس در دریای بالتیک در کانون توجه قرار گرفته است و در سطح فرامنطقه‌ای، ناتو بدون سند و ثبوت و تحقیق، بلافاصله این رخداد را بخشی از روند کلی تهدیدات روسیه تفسیر می‌کند و احتمالاً گام‌های بازدارنده تازه‌ای برخواهد داشت.

بنابراین، ماجرا تنها یک اختلال ساده در پروازها نیست؛ بلکه نمونه‌ای از چالش‌های جدید امنیتی است.

اسپن بارت آیده، وزیر خارجه نروژ، در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک به رویترز گفت: «ما هنوز هیچ ارتباطی میان این دو حادثه (پرواز پهبادهای برفراز فردوگاه‌های اسلو و دانمارک) پیدا نکرده‌ایم. همچنین آن را به هیچ کشور مشخصی نسبت نداده‌ایم.»

وزیر خارجه نروژ، همچنین فاش کرد که حملات سایبری از خارج از کشور که برخی زیرساخت‌های

حیاتی مانند سدها و نیروگاه‌های برق‌آبی را هدف قرار داده‌اند، در ماه‌های اخیر افزایش یافته‌اند. او گفت: «طیف تهدیدهای ترکیبی هم گسترده‌تر شده و هم به‌طور فعال مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

در همین حال، گزارش‌هایی از نفوذ پهپادهای مظنون روسی به حریم هوایی لهستان و رومانی، و ورود جنگنده‌های روسی به حریم هوایی استونی، نگرانی‌هایی را میان کشورهای عضو ناتو درباره ضعف‌های احتمالی در سامانه‌های دفاعی‌شان ایجاد کرده است.

نیروی هوایی آلمان، دو فروند جنگنده یوروفایتر را برای رهگیری یک هواپیمای نظامی روسی که بر فراز دریای بالتیک شده بود، اعزام کرده است. نیروی هوایی آلمان یکشنبه ۳۰ شهریور در بیانیه‌ای اعلام کرد: «بار دیگر، نیروی واکنش سریع ما، متشکل از دو یوروفایتر، به دستور ناتو موظف شد یک هواپیمای ناشناس را که فاقد طرح پرواز و تماس رادیویی بود در حریم هوایی بین‌المللی بررسی کند.»

مسکو، بارها ادعاهایی مبنی بر هدف حمله به ناتو یا کشورهای اتحادیه اروپا را رد کرده و رهبران اروپای غربی را به‌دنبال کردن «نظامی‌سازی کنترل نشده» برای آماده شدن برای جنگ با روسیه متهم کرده است.

وزیر امور خارجه مجارستان گفت که اظهارات مقامات اتحادیه اروپا مبنی بر این که از

سوی روسیه تهدیداتی وجود دارد، تحریک آمیز است.

به گزارش تاس، «پیتر سيجارتو» تصریح کرد که تهدید اصلی برای اتحادیه اروپا، سیاست‌جنگی بروکسل است و اظهارات این اتحادیه در مورد روسیه نادرست و بی‌اساس است.

وی خاطرنشان کرد که سران کشورهای قاره سبز سیاست تحریک‌آمیزی را دنبال کرده و به بهانه این که از سوی روسیه تهدیدی می‌شوند، به کمک‌های نظامی خود به اوکراین ادامه می‌دهند.

سیجارتو، همچنین در واکنش به پیشنهاد کمیسیون اروپا مبنی بر این که مردم این قاره باید نسبت به ذخیره آب و مواد غذایی برای سه روز در صورت بروز درگیری با روسیه، آماده باشند، گفت: «این غیرقابل قبول است که سیاست تشدید جنگ را دنبال کنیم.»

رییس دستگاه دیپلماسی مجارستان، تاکید کرد که در حال حاضر هیچ کشور و جامعه‌ای در اتحادیه اروپا از سوی روسیه تهدید نمی‌شود و بالعکس، بزرگترین تهدید برای اروپا «سیاست جنگی» بروکسل است.

این دیپلمات ارشد مجارستانی، همچنین با اشاره به بهبود روابط روسیه و آمریکا اذعان داشت که سران کشورهای اروپایی نمی‌توانند بپذیرند که روابط مسکو و واشنگتن از سر گرفته

شده و این امر ممکن است به پایان جنگ اوکراین کمک کند.

او افزود: اگر دستیابی به صلح اوکراین به سرعت محقق شود، بروکسل باید در خصوص کمک‌های صدها میلیارد یورویی به کی‌یف پاسخ‌گو باشد، چرا که این مبالغ از پول مردم اروپا هزینه شده است. سِجارتو در پایان یادآور شد که مجارستان از مذاکرات صلح بین روسیه و ایالات متحده برای حل مناقشه در اوکراین حمایت می‌کند.

ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، هر روز یک آهنگ تازه‌ای می‌زند. او یک روز در آلاسکا، زیر پای پوتین فرش قرمز پهن می‌کند و امروز در پی اظهاراتی بر سرنگونی هواپیماهای نظامی روسیه در صورت ورود به حریم هوایی کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، تاکید دارد.

به گزارش تارنمای خبری وایدومسی، رادوسلاو سیکورسکی وزیر خارجه لهستان در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) در واکنش به فایل صوتی پاسخ دونالد ترامپ به پرسشی درباره واکنش ناتو به نقض حریم هوایی‌اش توسط هواپیماهای روسی، نوشت: دریافت شد.

به نوشته تارنمای وایدومسی، سیکورسکی پیش‌تر نیز در نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل در نیویورک، خطاب به مسکو گفته بود: «اگر موشک یا هواپیمایی بدون اجازه عمداً یا سهواً وارد فضای ما شده و ساقط شود، لطفاً برای

شکایت به اینجا نیایید زیرا از قبل به شما هشدار داده شده است.»

او ضمن ادعای اینکه روسیه از همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان خود ناتوان و به حقوق بین‌المللی بی‌اعتنا است، افزود: «ملی‌گرایی افراطی شما با میل به سلطه‌طلبی همراه است و تا زمانی که نپذیرید دوران امپراتوری‌ها به پایان رسیده است، این میل فروکش نخواهد کرد.» در همین راستا دونالد تاسک نخست‌وزیر لهستان، پیش‌تر اعلام کرده بود که ورشو آماده است تا هرگونه پرنده‌ای را که وارد حریم هوایی این کشور شود، بی‌درنگ هدف قرار داده و ساقط کند. دونالد ترامپ پیش‌تر در سخنانی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد که اقتصاد روسیه در وضعیت دشواری قرار دارد و جنگی که کرملین قصد داشت ظرف چند روز به پایان برساند، اکنون سه سال و نیم ادامه پیدا کرده است.

ترامپ در سخنانی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و در دیدار با ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین، گفته است که کشورهای عضو ناتو باید در صورت ورود هواپیماهای روسی به حریم هوایی خود، آنها را سرنگون کنند. او در پاسخ به پرسشی درباره واکنش ناتو به تجاوزهای روسیه گفت: «بله، من معتقدم که باید این کار انجام شود.»

با این حال، ترامپ در ادامه تاکید کرد که تصمیم درباره مشارکت مستقیم ایالات متحده در چنین اقداماتی به شرایط بستگی دارد اما اضافه کرد: «شما می‌دانید ما در قبال ناتو بسیار قدرتمند هستیم.»

«کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بامداد پنج‌شنبه هفته گذشت، در بیانیه‌ای «از طرف ۲۷ عضو اتحادیه اروپا» نوشت: ما نقض عمدی حریم هوایی یک عضو اتحادیه اروپا توسط پهپادهای روسیه را به شدیدترین لحن محکوم می‌کنیم.

این بیانیه افزود: این اقدام تهاجمی و بی‌محابا بخشی از تشدید جدی تنش‌ها از سوی روسیه است که امنیت شهروندان اتحادیه اروپا، ثبات منطقه‌ای و صلح بین‌المللی را تهدید می‌کند.

کالاس تاکید کرد: این نقض جدی حریم هوایی اتحادیه اروپا فقط به تقویت عزم ما برای حمایت از دفاع اوکراین و مردمش در مقابل روسیه و تلاش آنها برای دستیابی به صلحی فراگیر، عادلانه و پایدار منجر می‌شود.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا تصریح کرد: ما با افزایش قابل توجه تحریم‌ها علیه روسیه و حامیان آن هزینه‌ها را برای مسکو بالا خواهیم برد. ما همچنین با شرکای بین‌المللی خود برای اعمال فشار بر روسیه به منظور پایان دادن به جنگ همکاری می‌کنیم.

کلاس افزود: ما همبستگی کامل خود را با لهستان اعلام کرده و به حمایت از لهستان به منظور حفاظت از مرزهای شرقی آن کشور ادامه می‌دهیم.

مقام‌های لهستانی اعلام کردند که این کشور و متحدانش در ناتو، پهنادهای روسی را که در جریان تهاجم به اوکراین حریم هوایی لهستان را نقض کرده بودند، سرنگون کردند.

«دونالد توسک» نخست وزیر لهستان مدعی شد که همه این پهنادها از بلاروس وارد کشورش شدند. اما وزارت دفاع روسیه، در بیانیه‌ای در این‌باره گفته است: «هیچ قصدی برای درگیری با هیچ هدفی در قلمرو لهستان وجود نداشت.»

## چه کسی لوله‌های گاز «نورد استریم» را منفجر کرد؟

انفجار نقاط مختلف لوله‌های گاز در عمق آب‌های بین چند کشور با حجمی انبوه از مواد منفجره، عملیاتی پیچیده نظامی می‌طلبد که فرضیه اقدام ناتو با حمایت آمریکا و هماهنگی با اروپا را تقویت می‌کند.

رخدادی که در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۲-۵ مهر ۱۴۰۱، در میانه بحران اوکراین به وقوع پیوست و با انفجار چند نقطه از آن به خطوط لوله‌ای که هدفشان انتقال سالانه ۱۱۰ میلیارد متر مکعب گاز روسیه به اروپا بود، آسیب جدی وارد شد.

از اولین ساعات افشای این خبر، گمانه‌زنی‌ها در خصوص تصادفی یا خرابکاری بودن این حادثه در جریان بود و هر بازیگر و رسانه تلاش می‌کرد تا انگشت اتهام را به سمت مقابل نشانه رود. در این میان انگشت اتهام به سمت بازیگرانی چون اوکراین، روسیه، آلمان، لهستان، دانمارک، سوئد، آمریکا و ناتو نشانه رفت.

پس از وقوع انفجار خط لوله‌نورد استریم ۱ و ۲، برخی از رسانه‌ها و مقامات سیاسی اروپا بلافاصله این گمانه را مطرح کردند که اوکراین یا گروه‌های حامی اوکراین پشت این حادثه قرار دارند.

مقامات و جریان‌های رسانه‌ای غربی، هم‌زمان با انگشت گذاشتن بر تئوری توطئه، تلاش کردند تا خود روسیه را عامل انفجار لوله‌های گازی خود جلوه دهند. آن‌ها با استناد به این‌که مسکو از ابتدا در پی ایجاد بحران انرژی در اروپا و باج‌گیری از این طریق بود، معتقد بودند با خرابکاری در خطوط لوله‌نورد استریم و تعطیلی جریان انتقال گاز به اروپا بار دیگر موج جدیدی از بحران انرژی در اروپا و افزایش شدید قیمت انرژی و تسریع تورم به بالاترین سطح چندساله خواهد شد که همگی مطلوب روسیه است.

اما با گذر زمان کشورهای اروپایی همچون انگلیس، آلمان، نروژ و سپس آمریکا یکی پس از دیگری به دام افتادند. حدود یک ماه از انفجار

در خط لوله نورد استریم گذشته بود که وزارت دفاع روسیه رسماً اعلام کرد انگلیس در این حمله تروریستی نقش داشته و نیروی دریای این کشور عامل منفجر کردن ماه گذشته خط لوله نورد استریم بوده است.

وزارت دفاع روسیه در بیانیه خود، تصریح کرد: «طبق اطلاعات موجود، نمایندگان یک واحد نیروی دریایی بریتانیا در طراحی، تدارکات و اجرای حمله تروریستی در دریای بالتیک در تاریخ ۲۶ سپتامبر امسال حضور داشتند که باعث منفجر کردن خطوط انتقال گاز نورد استریم ۱ و ۲ شد.» با وجود اینکه آلمان مقصد این خطوط لوله گاز روسیه بود و حدود ۸ ماه پس از این انفجار، رئیس سازمان اطلاعات فدرال آلمان بر مشخص نشدن مسئولان خرابکاری تاکید کرده، برلین خود متهم دیگر این پرونده است.

پیشتر «ریچارد بلاک» سناتور سابق آمریکایی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی «تی وی ۳۶۰» با بیان اینکه انفجار خط لوله نورد مزبور توسط سیا و با موافقت «اولاف شولتس» صدراعظم آلمان انجام شده است، تاکید کرد: تحت رهبری اولاف شولتس واردات گاز به آلمان قطع شده است، من صراحتاً نمیتوانم تصور کنم وی چگونه با طرح سیا (سرویس اطلاعات مرکزی آمریکا) در زمینه انفجار خط لوله نورد استریم که گاز مورد نیاز آلمان را تامین می‌کرد، موافقت کرده است!؟

ریچارد بلاک، در ادامه تصریح کرد: من معتقدم آمریکایی‌ها بدون موافقت صدر اعظم آلمان اقدام به انفجار خط لوله نورد استریم نکرده‌اند.



در برهه‌ای که کشورهای اروپایی انگشت اتهام را به سمت مسکو نشانه می‌رفتند و هم‌زمان کارشناسان از احتمال خرابکاری از سوی بازیگران اروپایی خبر می‌دادند، بعد گذشت حدود پنج ماه اسناد رسوایی آمریکا و ناتو به جهان مخابره شد.

یکی از کسانی که آمریکا را متهم به خرابکاری کرد «رادک سیکورسکی» نماینده لهستان در پارلمان اروپا و وزیر خارجه پیشین این کشور بود که در توثیتی مزین به تصویر نشست گاز از خطوط لوله نورد استریم، نوشت: «دست آمریکا درد نکند» با «تشکر از ایالات متحده آمریکا»

پس از آن، یک خبرنگار سرشناس آمریکایی در اظهاراتی فاش کرد که غواصان آمریکایی با دستور شخص جو بایدن مواد منفجره را زیر خطوط لوله نورد استریم جاگذاری کرده و عامل آن انفجار هستند.

این خبرنگار مطرح آمریکایی، «سیمور هرش» برنده جایزه پولیتزر بود که در تاریخ ۸ فوریه در مقاله‌ای به نقل از یک منبع اعلام کرد که در ژوئن ۲۰۲۲ غواصان نیروی دریایی آمریکا با حمایت نروژ تحت پوشش رزمایش «بالتاپس» (رزمایشی که هر ساله توسط اعضای ناتو انجام می‌گیرد)، مواد منفجره را در زیر خطوط لوله گاز نورد استریم یک و ۲ جاسازی کرده و نروژی‌ها نیز سه ماه بعد بمب‌ها را منفجر کردند.

به گفته هرش، تصمیم برای انجام این عملیات توسط «جو بایدن» رئیس‌جمهوری آمریکا پس از ۹ ماه گفتگو با مقامات دولت‌های درگیر در مسائل امنیت ملی گرفته شد.

هرش با بیان اینکه «هدف آمریکا در انفجار نورد استریم در مزیقه گذاشتن آلمان بود»، تاکید کرد: جو بایدن نگران بود آلمان تحریم‌ها را کنار گذاشته و دوباره شروع به دریافت گاز روسیه کند.

**عملیات نظامی پیچیده ناتو به سرکردگی  
آمریکا**

بعد از چند روز از اظهارات هرش، گزارش روزنامه «اشپیگل» آلمان ناخواسته بر گفته‌های وی مهر تایید زد. این روزنامه اروپایی اگرچه فرضیه انجام خرابکاری از سوی روسیه را پررنگ کرد اما از پیچیدگی و دشواری عملیات سخن به میان آورد؛ همان موضوعی که باعث شده نوک پیکان اتهام به سمت آمریکا و ناتو نشانه رود. اشپیگل به نقل از منابع نزدیک به تحقیق در مورد این حادثه، گزارش داد که خطوط لوله گاز نورد استریم ۱ و نورد استریم ۲ روسیه ممکن است با استفاده از زیردریایی یا غواصان کاملاً آموزش دیده ویژه مورد حمله قرار گرفته باشند. این اقدام عادی نیست و با توجه به اینکه لوله‌ها در عمق و کف دریا قرار دارند برای انجام عملیات خرابکاری نیاز به فناوری، تجهیزات و افراد کاملاً آموزش دیده بوده است.



بنابراین، این عملیات به نظر می‌رسید نظامی و پیچیده با همکاری هم‌زمان چند بازیگر طبق یک برنامه‌ریزی جامع صورت گرفته باشد. ضمن اینکه بر پایه برآورد زلزله‌شناسان سوئدی، قدرت این انفجارها به اندازه ۷۰۰ کیلوگرم تی‌ان‌تی تشخیص داده می‌شد تا لوله‌های گازی‌نورد استریم ۱ و ۲ را که تقریباً در این پهنه آبی در عمق ۶۰ متری قرار دارند، تخریب کند.

همه این مسائل مُهرتاییدی بر گفته‌های هِرش رونا مه‌نگار و برنده جایزه پولیتزر مبنی بر کار، کار آمریکا و ناتو است و این عملیات به دستوربایدن و با همکاری و هماهنگی اروپایی‌ها انجام گرفته است؛ موضوعی که ترامپ نیز اواخر فروردین امسال غیرمستقیم آن را تایید کرد.

ترامپ در آن زمان به‌عنوان رییس جمهور سابق آمریکا، گرچه درباره مسئول خرابکاری در خطوط لوله نورد استریم افشاگری نکرد اما اطمینان داد که به‌طور قطع روسیه مسئول انفجار نبوده است. ترامپ در پاسخ به این پرسش که چه کسی پشت پرده خرابکاری بوده، گفت: «نمی‌خواهم کشورمان را به دردسر بیندازم بنابراین به این سؤال جواب نمی‌دهم. اما می‌توانم بگویم چه کسی مقصر نبوده است؛ روسیه.»

هم‌چنین ترامپ ایده مقصر بودن روسیه را غیرمنطقی خواند و افزود: می‌دانید، وقتی آن‌ها

تقصیر را به گردن روسیه انداختند، یعنی به‌طور غیرمستقیم گفتند که روسیه خط لوله خودش را منفجر کرده! کار روسیه نبود.

سرانجام دادستانی فدرال آلمان، اعلام کرد که یک شهروند اوکراینی به اتهام مشارکت در انفجار خطوط لوله گازی نورد استریم ۱ و ۲ در سال ۲۰۲۲ در ایتالیا دستگیر شده است. این دستگیری پیشرفتی مهم در تحقیقات این پرونده تلقی می‌شود.

مقامات ایتالیا یک شهروند اوکراینی به نام «سرهی. ک» را روز پنج‌شنبه ۲۱ اوت ۲۰۲۵-۳۰ مرداد ۱۴۰۴، در استان ریمینی بازداشت کرد. به گفته دادستانی فدرال آلمان، این فرد مظنون به مشارکت در کارگذاری مواد منفجره در خطوط لوله نورد استریم ۱ و ۲ در نزدیکی جزیره بورنهورم دانمارک در ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲ است. بر اساس گزارش‌ها شناسایی این مظنون از طریق اطلاعات ثبت‌شده در اقامتگاه‌های ایتالیا امکان‌پذیر شد، که طبق قانون این کشور برای همه مسافران الزامی است.

مقامات ایتالیایی، همچنین در حال بررسی احتمال ارتباط او با حملات به کشتی‌های مرتبط با ناوگان سایه‌روسیه در دریای مدیترانه هستند، هرچند جزئیات بیشتری در این مورد ارائه نشده است.

استفانی هوبیگ، وزیر دادگستری فدرال آلمان، این دستگیری را یک «موفقیت تحقیقاتی قابل توجه» خواند و اظهار داشت که یکی از عوامل اصلی این عملیات خرابکارانه بازداشت شده است. او بر ضرورت روشن شدن کامل این پرونده، به ویژه از منظر کیفری تاکید کرد. پس از استرداد مظنون به آلمان، او به قاضی تحقیق در دادگاه عالی فدرال تحویل داده می شود تا درباره بازداشت موقت تصمیم گیری شود.

خرابکاری در آب های بین چند کشور، آن هم در عمق دریای بالتیک با حجمی انبوه از مواد منفجره بی تردید عملیاتی پیچیده نظامی است که با همکاری و هماهنگی بازیگران مختلف صورت گرفته است.

برنده بازی تخریب لوله های گازی نورد استریم، آمریکا بود چرا که این کشور از یکسو مانع ورود گاز روسیه به اروپا و بحران انرژی در قاره سبز شد و از سوی دیگر، در خلاء گاز روسیه، خود را به بزرگترین صادرکننده انرژی به اروپا تبدیل کرد.



## دانمارک میزبان نشست سران اتحادیه اروپا؛ «در خطرناکترین وضعیت از زمان جنگ جهانی دوم هستیم»

۲۷ رهبر اتحادیه اروپا روز چهارشنبه یکم و دوم سپتامبر ۲۰۲۵، در کپنهاگ در چهارچوب اجلاس غیررسمی شورای اروپا گرد آمدند و روز پنجشنبه نیز گردهمایی جامعه سیاسی اروپا با حضور بیش از ۴۰ رئیس دولت از سراسر اروپا برگزار خواهد شد.

دانمارک که هفته گذشته با نگرانی‌هایی به دلیل مشاهده پهپادهایی با منشاء ناشناس بر فراز سایت‌های حساس خود مواجه بود، برای دو روز میزبان ده‌ها رهبر اروپایی است تا درباره موضوعاتی هم‌چون ابتکار دفاعی «دیوار پهپادی» و حمایت از اوکراین در برابر حملات روسیه گفت‌وگو کنند.

مته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک در آستانه این نشست هشدار داد که اروپا هم اکنون «در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین وضعیت از زمان جنگ جهانی دوم» است و این وضعیت، از دوران جنگ سرد هم بدتر است.

او گفت: «به‌نظر من این وضعیت جدی است. به‌نظر من جنگ در اوکراین بسیار جدی است. وقتی به اروپای امروز نگاه می‌کنم، فکر می‌کنم ما در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین وضعیت از زمان پایان جنگ جهانی دوم هستیم، نه حتی از زمان جنگ سرد.» او در پاسخ به سئوالی درباره تجاوز پهبادهای به کشورش نیز گفت که عموماً طرفدار سرنگونی آنهاست، اما هشدار داد که «این کار باید به روش صحیح انجام شود».

مقامات دانمارک این هفته پرواز تمام پهبادهای غیرنظامی با هدف تسهیل فعالیت‌های امنیتی را ممنوع کرده‌اند. این تصمیم پس از آن گرفته شد که پهبادهای ناشناس هفته گذشته باعث تعطیلی موقت فرودگاه‌ها شدند و برخی نیز بر فراز چند پایگاه نظامی مشاهده شدند.

پیش از این گردهمایی، کمیسیون اروپا سندی به نام «گزارش چشم‌انداز» منتشر کرد. در چهارچوب این گزارش، ایده‌های متعددی مطرح شده است از جمله چهار پروژه شاخص که باید به‌صورت فوری تامین مالی و اجرا شوند. این پروژه‌ها عبارتند از دیوار پهبادی اروپایی، دیده‌بانی جناح شرقی، سپر دفاع هوایی و سپر دفاع فضایی.

چگونه یک دیوار پهبادی «پایدار» بسازیم؟ مذاکرات برای ایجاد یک دیوار پهبادی هفته گذشته آغاز شد، زمانی که مقامات ۱۰ کشور عضو از جناح شرقی، به همراه مارک روته، رئیس ناتو به عنوان ناظر، پس از نقض حریم هوایی در لهستان، استونی و رومانی که همگی به روسیه نسبت داده شدند، با یکدیگر ملاقات کردند. مشاهدات در دانمارک هنوز به کسی نسبت داده نشده است.

کاخ الیزه، مقر ریاست جمهوری فرانسه این هفته پیش از این اجلاس اعلام کرد که ایجاد چنین دیواری «موضوعی پیچیده» است، زیرا برای شناسایی و ردیابی هم‌چنین برای سرنگونی تهدیدها، به رویکردی چندلایه (با سامانه‌های پدافند هوایی برد بلند و کوتاه) نیاز دارد.

استفاده از جت‌های جنگنده برای خنثی‌سازی پهبادهای گاه بسیار ارزان را نمی‌توان یک استراتژی پایدار برای درازمدت دانست، بنابراین، سؤال رهبران این خواهد بود که «چگونه می‌توانیم سیستمی داشته باشیم که مؤثر و از نظر مالی مقرون به صرفه باشد» و از آنچه در اوکراین می‌بینیم درس بگیریم؟

برلین نیز انتظارات برای ایجاد سریع چنین دیواری را کاهش داده و بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آن، روز دوشنبه در مجمع امنیتی ورشو گفت که بعید است چنین چیزی «طی سه تا چهار سال آینده محقق شود.»

## نکات مورد اختلاف

در حوزه توانایی‌ها، رهبران باید برنامه وام دفاعی ۱۵۰ میلیارد یورویی SAFE را مورد بحث قرار دهند. این وام با هدف تقویت تدارکات مشترک، افزایش قابلیت همکاری بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا و تقویت پایگاه صنعتی دفاعی اروپا طراحی شده است.

کشورهای عضو در صورتی می‌توانند واجد شرایط دریافت بخشی از این پول شوند که حداقل دو کشور عضو، تجهیزاتی مشابه و ساخت اروپا را از فهرستی از ۹ حوزه اولویت‌دار از جمله پهپادها، فناوری ضد پهپاد و مهمات خریداری کنند و یک کشور نیز رهبری مذاکره برای قرارداد را بر عهده بگیرد.

دو سوم این پول به کشورهای شرقی این بلوک اختصاص داده شده که برخی از آن‌ها قبلاً درخواست خود را برای کمک‌های مالی با هدف تامین مالی پروژه‌های دفاعی ارائه کرده‌اند؛ درخواست‌هایی که می‌تواند آن‌ها را در تضاد با سایر کشورهای عضو قرار دهد.

یکی دیگر از موارد اختلاف احتمالی، پیشنهاد کمیسیون برای ایفای نقش بیشتر در دفاع توسط سرویس‌هایش است، به‌ویژه در موضوع بررسی سالانه خریدهای کشورهای عضو به منظور تسهیل هماهنگی و از بین بردن شکاف‌های توانایی.

کشورهای بزرگتر مانند آلمان، فرانسه و ایتالیا، احتمالاً با این ایده موافق نیستند،

در حالی که کشورهای کوچکتر و دارای ارتش‌های کوچکتر، احتمالاً از آن استقبال می‌کنند.

## تامین مالی اوکراین

اوکراین نیز از موضوعات اصلی مورد بحث در این نشست است و قرار است رهبران اتحادیه با ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور این کشور درباره تحولات در خطوط مقدم گفت‌وگو کنند.

رهبران اتحادیه اروپا با دو چالش کلیدی روبه‌رو هستند: چگونگی ادامه تامین مالی کشور جنگ‌زده اوکراین تا بتواند به دفاع از خود در برابر روسیه متجاوز ادامه دهد، و چگونگی حفظ روند الحاق آن به اتحادیه اروپا.

یک مقام ارشد اتحادیه اروپا که نخواست نامش فاش شود به یورونیوز گفت: «با توجه به اینکه چشم‌انداز مذاکرات صلح به دلیل امتناع ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از دیدار دوجانبه با زلنسکی ضعیف به‌نظر می‌رسد، باید از سال آینده امکان تامین مالی اوکراین را سازماندهی کنیم.» این مقام افزود: «طرح استفاده از حدود ۲۰۰ میلیارد یورو پول روسیه که از زمان آغاز این تهاجم در اتحادیه اروپا مسدود شده، طبیعتاً روی میز است.» با این حال او تأکید کرد که «این یک مسئله بسیار پیچیده با پیامدهای مالی و حقوقی فراوان است» و رهبران باید در مورد نحوه پیشبرد امور، راهنمایی سیاسی ارائه دهند.

آنتونیو کوستا، رئیس شورای اروپا نیز قرار است در جریان این نشست در این باره بحث کند که شرایط الحاق عضو جدید به اتحادیه اروپا، از اجماع تمام اعضاء به رای اکثریت مطلق تغییر کند.

در حال حاضر، هر مرحله از فرآیند الحاق نیاز به اتفاق آرای همه کشورهای عضو دارد؛ اما درخواست عضویت اوکراین توسط مجارستان متوقف شده است؛ آن هم با استدلالی هم چون امنیت انرژی، نگرانی ها درباره کشاورزی یا اقلیت مجارستانی حاضر در اوکراین.

اگرچه حتی اصلاح این قانون نیز نیاز به اتفاق آرا دارد، اما به گفته این مقام ارشد، «رئیس شورای اروپا معتقد است چه چنین چیزی کاملاً غیرممکن نیست.»



شرکت کنندگان در نشست کپنهاگ، ۱ اکتبر

AP - Sebastian Elias Uth-۲۰۲۵

## نشستی بزرگتر به موازات نشست سران اتحادیه

اوکراین و وضعیت امنیتی عمومی اروپا همچنین روز پنجشنبه دوم سپتامبر در مرکز گفت‌وگوهای نشست جامعه سیاسی اروپا (EPC) قرار گرفت. در این نشست، رهبران اتحادیه اروپا به همراه بیش از دوازده رییس دولت از سراسر قاره اروپا حضور داشتند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از کپنهاگ، رهبران اروپا در حال بررسی طرح ایجاد یک «دیوار پهلادی» به هدف دفاع از قلمرو کشورهای عضو این اتحادیه‌اند که پس از ورود چندین مرتبه‌ای پهلادهای روسی به حریم هوایی کشورهای عضو اتحادیه اروپا مطرح شده است. این طرح اما هنوز مورد تایید همه‌گان قرار نگرفته است و از همه مهم‌تر، سؤال هزینه‌اش هنوز پاسخ نیافته است. اورزلا فن درلاین، رییس کمیسیون اروپا می‌گوید که «در اصل این طرح، یک سیستم ضدپهلادی است که بتواند پهلادها را به سرعت شناسایی، رهگیری و در صورت لزوم آنها را خنثی کند.» او که خود پس از ورود گروهی از پهلادهای روسی به حریم هوایی لهستان این ایده را مطرح کرد، هدف اولیه «دیوار پهلادی» را تقویت مرزهای شرقی اتحادیه اروپا در برابر تهدید مسکو خوانده است. پیش از این نیز کشورهای بالتیک که خود را در خط مقدم حملات روسیه می‌بینند،

بارها خواسته اند سیستم های دفاع ضدپهادی آنان تقویت شوند.

این طرح زمانی مورد توجه بیشتر قرار گرفت که پرواز پهادی های ناشناس بر فراز آسمان دانمارک، منجر به بسته شدن فرودگاه های این کشور شد. این رویداد، آسیب پذیری اروپا را حتی در مرزهای دورتر از مرزهای شرقی آشکار کرد.

نخست وزیر دانمارک، مته فردریکسن گفت که باید یک «اکوسیستم دفاعی گسترده» ایجاد شود که بتواند تهدیدهای سایر مناطق را نیز پوشش بدهد. این یعنی چیزی بیشتر از یک دیوار پهادی که در وهله اول مطرح شده بود.

رهبران اروپایی اما متوجه اند که «راه حل معجزه آسایی» وجود ندارد. امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه گفت: «آیا چیزی شبیه گنبد آهنین یا دیوار دفاعی برای اروپا وجود دارد؟ واقعیت پیچیده تر از آن است.»

با این حال، یکی از مهم ترین سئوال ها این است که چه کشورهایی باید هزینه این طرح را بپردازند. کشورهایی مثل آلمان که توانایی مالی آن را دارند، مایل به پرداخت هزینه دیگران نیستند. چون این کشورها اکنون در پی تقویت نیروی نظامی خویشاند. با آن که اروپا در چارچوب سازمان ناتو الزامی ندارد، تماماً ابتکار عمل را در دست گیرد اما تردیدها درباره تعهد آمریکای تحت اداره دونالد ترامپ

نیز وجود دارد که اروپا را ناچار می‌کند تا نقش پررنگتری داشته باشد.

کریستن میشل، نخست‌وزیر استونی به خبرگزاری فرانسه گفت که «باید سازوکارهایی برای خرید مشترک یا تقسیم بار مالی با کشورهای شرقی وجود داشته باشد.»

با این‌همه، رهبران اروپا در نشست کپنهاگ چراغ سبز نشان دادند تا کار روی جزئیات ادامه یابد. کمیسیون اروپا مامور شد که در سه هفته آینده، پیش از نشست بعدی این رهبران در بروکسل یک پیشنهاد مشخص ارائه دهد و سپس تصمیم گرفته شود.

## **بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران**

روزنامه واشنگتن پست نوشت، ایران در حال بررسی چگونگی واکنش به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه برنامه هسته‌ای خود است؛ و یک نماینده مجلس پیشنهاد داد مجلس احتمالاً خروج از «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (NPT) را بررسی کند.

بامداد روز یکشنبه، پس از شکست گفت‌وگوهای لحظه آخری تهران با سه کشور اروپایی - بریتانیا، فرانسه و آلمان - سازمان ملل تحریم‌های خود علیه ایران را بازگرداند؛

تازه‌ترین فصل از دهه‌ها مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران.

این تحریم‌ها شامل مسدود شدن دوباره دارایی‌های ایران در خارج، توقف معاملات تسلیحاتی با تهران و مجازات هرگونه تلاش برای توسعه برنامه موشکی بالستیک ایران است. این اقدامات از طریق سازوکار موسوم به «ماشه» در برجام سال ۲۰۱۵ فعال می‌شود و در شرایطی صورت می‌گیرد که اقتصاد ایران از پیش تحت فشار شدید قرار دارد.

به نوشته واشنگتن‌پست، ارزش دلار به پایین‌ترین سطح خود رسیده و فشار بر قیمت‌ها را تشدید کرده است. هم‌زمان، نگرانی‌ها از دور تازه‌ای از درگیری میان ایران و اسرائیل - و احتمالاً ایالات متحده - افزایش یافته است و ظاهراً سایت‌های موشکی که در جنگ ۱۲ روزه ماه ژوئن هدف قرار گرفتند، اکنون در حال بازسازی هستند.

اسماعیل کوثری، نماینده مجلس، در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان گفت: «مجلس موضوع خروج از ان‌پی‌تی را بررسی خواهد کرد و درباره آن تصمیم می‌گیرد.» محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس نیز در آغاز جلسه روز یکشنبه هشدار داد: «اعلام می‌کنیم اگر هر کشوری بخواهد براساس این قطع‌نامه‌های غیرقانونی علیه ایران اقدامی انجام دهد، با واکنش جدی متقابل ایران مواجه خواهد شد. سه کشور اروپایی که آغازگر این

اقدام غیرقانونی بوده اند نیز با پاسخ ایران روبه رو خواهند شد.»

سه کشور اروپایی روز یکشنبه ادعا کردن «همواره تلاش کرده اند از فعال سازی ماشه اجتناب کنند، اما ایران به بازرسان آژانس اجازه بازگشت به سایت های هسته ای را نداده و گزارشی درباره ذخایر اورانیوم غنی شده ارائه نکرده است. هیچ برنامه صلح آمیزی در جهان اورانیوم را در این سطح غنی سازی نمی کند.»

در پاسخ به این پرسش که آیا خروج ایران از ان پی تی به معنای حرکت به سمت ساخت بمب است، کوثری گفت: «خیر، این موضوع به آن معنا نیست. این مسئله به طور جداگانه در آینده بررسی خواهد شد و در صورت لزوم می تواند در دستور کار قرار گیرد.»

جمهوری اسلامی، استدلال می کند سه کشور اروپایی نباید مجاز به اجرای مکانیسم ماشه باشند، چراکه آمریکا در سال ۲۰۱۸ به طور یکجانبه از برجام خارج شد. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، پیش از اعمال تحریم ها در گفت و گو با تلویزیون دولتی تاکید کرد: «این تحریم ها برای ما خسارت هایی خواهد داشت، اما رسانه های غربی آن را بسیار بزرگتر از واقعیت جلوه داده اند. آن ها تلاش می کنند هیولایی بسازند تا مردم ایران را بترسانند و دولت و سیاست خارجی ما را وادار به امتیازدهی کنند.»

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، از اقدام سه کشور اروپایی تمجید کرد و آن را «نمونه‌ای از رهبری قاطع جهانی» دانست و تاکید کرد «دیپلماسی همچنان گزینه‌ای روی میز است. برای تحقق این امر، ایران باید مذاکرات مستقیم را بپذیرد.»

با این حال، کیلی داونپورت، کارشناس کنترل تسلیحات هشدار داد: «دولت ترامپ تصور می‌کند پس از حملات اخیر دست بالاتری دارد و می‌تواند منتظر بازگشت ایران به میز مذاکره باشد. اما با توجه به دانش هسته‌ای ایران و مواد موجود در این کشور، این یک فرض بسیار خطرناک است. در کوتاه‌مدت، اخراج آژانس خطر محاسبات اشتباه را افزایش می‌دهد. آمریکا یا اسرائیل می‌توانند نبود بازرسی‌ها را بهانه‌ای برای حملات بیشتر قرار دهند.»

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل هشدار داده‌اند اگر ایران بار دیگر غنی‌سازی اورانیوم را از سر بگیرد، در هدف قرار دادن تاسیسات ایران تردید نخواهند کرد. غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده پیشین مجلس، پنج‌شنبه به رسانه‌های داخلی گفت: «با توجه به رویکرد تهاجمی اسرائیل و حمایت قوی آمریکا از آن، احتمال وقوع جنگ بالاست.»

رسانه آمریکایی سی‌ان‌ان در گزارشی به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، پرداخته

است. این رسانه در گزارش خود آورده است: ایران روز یکشنبه ۲۸ سپتامبر به وقت محلی، هدف تحریم‌هایی موسوم به «اسنپک» قرار گرفته، آن‌هم در زمانی که تنش‌ها در خاورمیانه بسیار بالاست.

### **سخنگوی جمهوری اسلامی ایران: درخواست ما برای نشست با سه کشور اروپایی و ویتکاف در نیویورک رد شد**

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت مسعود پزشکیان، گفت که جمهوری اسلامی اعلام آمادگی کرد تا با حضور سه کشور اروپایی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رییس‌جمهوری آمریکا در امور خاورمیانه، جلسه‌ای در نیویورک برگزار شود اما «از طرف آن‌ها مورد پذیرش قرار نگرفت» یا اینکه «در جلسات حضور پیدا نکردند».

مهاجرانی همچنین گفت که حکومت برای شرایط جنگی پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، موضوع «کالابری» را پیگیری می‌کند.

سخنگوی دولت تاکید کرد که در شرایط فعلی برای جمهوری اسلامی، «حفظ ثبات» و «تاب‌آوری اجتماعی مردم» مهم است.

**التهاب در اقتصاد ایران؛ قیمت دلار از ۱۱۵ هزار تومان گذشت**

با تداوم روند افزایشی نرخ ارز و طلا در ایران پس از فعال شدن مکانیسم ماشه، قیمت دلار آمریکا در بازار آزاد از ۱۱۵ هزار تومان گذر کرد. بر اساس گزارش سایت‌های اطلاع‌رسانی قیمت ارز و طلا، هر دلار آمریکا چهارشنبه نهم مهر در بازار آزاد با افزایش قیمتی حدود یک درصد نسبت به روز گذشته، تا ۱۱۵ هزار و ۱۰۰ تومان به فروش رفت.

## پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تحولات جدید

درباره مسئله هسته‌ای ایران، امروز تروئیکا با فعال کردن مکانیسم ماشه، فشار بر جمهوری اسلامی ایران را افزایش داده است. این مکانیسم، تحریم‌های پیش‌بینی‌شده در قطع‌نامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) سازمان ملل را که از زمان توافق هسته‌ای اکتبر ۲۰۱۵ به حالت تعلیق درآمده بودند، دوباره به کار انداخته است.

جمهوری اسلامی ایران، با تهدید اسرائیل، اروپا و ایالات متحده، ممکن است به‌عنوان خطری برای صلح و امنیت جهانی تلقی شود و در نتیجه مشمول فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل گردد؛ فصلی که می‌تواند بر اساس ماده ۴۱ تحریم‌های

اقتصادی و بر اساس ماده ۴۲ توسل به نیروی نظامی را به همراه داشته باشد. زنجیره تحریم‌ها علیه ایران؛ تهران می‌گوید «صبر استراتژیک» می‌کنیم ولی جنگ هم محتمل است

با فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران، روندی تازه در فضای بین‌المللی آغاز شده است. کشورهای مختلف یکی پس از دیگری اطلاعیه صادر می‌کنند و فهرست‌های تحریمی به‌روز شده خود را علیه نهادها، شرکت‌ها و اشخاص حقیقی ایرانی منتشر می‌کنند.

صبح پنج‌شنبه ۱۰ مهر، در حالی که اعلامیه بازگشت تحریم‌های سازمان ملل یکی یکی از سوی کشورهای دوست و دشمن جمهوری اسلامی اعلام می‌شد، خبرگزاری دولت (ایرنا) در مطلبی تحلیلی، تلاش کرده است تا نشان دهد که وضع کنونی نه ناشی از کم‌کاری تهران برای حل پرونده هسته‌ای که نتیجه فشار آمریکا بوده است. در این مطلب تاکید شده، ایران وقوع جنگ جدید را محتمل می‌داند ولی فعلا سیاست «صبر استراتژیک» را دنبال می‌کند:

«مجموع اظهار نظرهای صورت گرفته درباره واکنش‌های تهران به سیاست فشار حداکثری اروپا و آمریکا نشان می‌دهد که تهران فعلا راه چاره را در اتخاذ رویکرد «صبر استراتژیک» تا تغییر روش از سوی غرب و یا تغییر زمین بازی در

نتیجه برخی تحولات می‌بینند. طبیعتاً ریسک این رویکرد با توجه به بهانه‌جویی‌های رژیم اسرائیل و تلاش بی‌وقفه واشنگتن برای تطمیع تل‌آویو، اندک نخواهد بود اما تهران بازی در زمین مطالبه‌های حداکثری تیم ترامپ را هم بی‌پایان و هم بی‌اثر در تامین منافع ملی خود می‌داند...»

جمهوری اسلامی ایران، ناچار است به زودی تصمیم بگیرد که بازسازی تاسیسات هسته‌ای و ازسرگیری غنی‌سازی اورانیوم هم جزو این سیاست «صبوری و مشکوری» است یا نه.

آمریکا و بسیاری از کشورها، تنها به صدور اعلامیه بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بسنده نکردند. وزارت خزانه‌داری آمریکا روز چهارشنبه ۱ اکتبر- ۹ مهر اعلام کرد که ۲۱ نهاد و ۱۷ فرد حقیقی را به اتهام همکاری با وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران تحریم کرده است. این افراد و شرکت‌ها به‌طور خاص متهم به مشارکت در تامین قطعات و فناوری‌های حساس در حوزه‌های موشکی و هوافضا شده‌اند. حتی ادعا شده است که یک هلی‌کوپتر ساخت آمریکا نیز از طریق شبکه‌های واسطه به ایران منتقل شده است.

این فهرست گسترده شامل شرکت‌ها و افرادی در ایران، هنگ‌کنگ، چین، آلمان، ترکیه، پرتغال و اروگوئه می‌شود. وزارت خزانه‌داری آمریکا این اقدامات را نخستین گام اجرایی پس از بازگشت

رسمی تحریم‌های شورای امنیت خوانده و آن را بخشی از تلاش واشنگتن برای مهار برنامه موشکی و هسته‌ای ایران دانسته است. تحریم‌ها ذیل فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ صادر شده‌اند؛ فرمانی که سال‌هاست به‌عنوان ابزار اصلی آمریکا برای اعمال فشار بر نهادهای دفاعی و هسته‌ای ایران استفاده می‌شود.

وزارت خزانهداری بریتانیا نیز لیست تحریمی خود را به‌روز کرد. در این فهرست، ۱۲۱ فرد و نهاد ایرانی به اتهام ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران مورد تحریم قرار گرفتند. این تحریم‌ها شامل مسدود شدن دارایی‌ها، انسداد حساب‌های بانکی و ممنوعیت هرگونه معامله مالی است.

از جمله نهادهای درج‌شده در فهرست بریتانیا می‌توان به سازمان انرژی اتمی ایران و تاسیسات آن در اصفهان، نطنز و کرج اشاره کرد. همچنین بانک سپه، چند شرکت حمل‌ونقل و انرژی، و مراکز تحقیقاتی مانند «نوین انرژی» و «مصباح انرژی» نیز هدف قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، نام چندین فرمانده ارشد سپاه پاسداران و کارشناسان هسته‌ای ایرانی نیز در این فهرست دیده می‌شود.

کانادا هم اطلاعیه مشابهی صادر و فهرستی از اشخاص و شرکت‌های تحریم‌شده را اعلام کرد. آلمان هم در اطلاعیه‌ای رسمی، نام شرکت‌ها و اشخاص تحریم شده را در وبسایت وزارت خارجه قرار

داد. در آن فهرست نام چهره‌هایی که در ۱۰ سال گذشته کشته شده‌اند از جمله قاسم سلیمانی، محسن فخری‌زاده و چند سردار و دانشمند هسته‌ای هم دیده می‌شود.

ترکیه نیز به فاصله کوتاهی اقدام به مسدودسازی دارایی‌ها و منابع مالی افراد و شرکت‌های مرتبط با برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران کرد. بر اساس فرمان ریاست‌جمهوری ترکیه، فهرست جدید شامل نهادهایی است که در تامین سوخت هسته‌ای و فرآیند غنی‌سازی اورانیوم فعالیت دارند. این تصمیم در قالب اصلاحیه‌ای بر مصوبات سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۱۵ و ۲۰۲۱ اتخاذ شده و در روزنامه رسمی ترکیه منتشر شد.

مقام‌های آنکارا اعلام کرده‌اند که این تصمیم بخشی از تعهد ترکیه برای اجرای کامل قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد است. چنین رویکردی نشان می‌دهد که حتی کشورهای همسایه و دارای روابط تجاری با ایران نیز خود را ملزم به هماهنگی با نظام تحریم‌های بین‌المللی می‌دانند.

اتحادیه اروپا نیز مجموعه‌ای از تحریم‌های تعلیق‌شده پس از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را دوباره فعال کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت صادرات نفت ایران، فروش تجهیزات صنعتی و انرژی، مبادلات فلزات گران‌بها، و محدودیت در فروش نرم‌افزارها و تجهیزات دریایی است. همچنین

بانک مرکزی ایران و بانکهای تجاری بزرگ ایرانی بار دیگر هدف انسداد دارایی‌ها و محدودیت‌های مالی قرار گرفته‌اند.

اتحادیه اروپا، اعلام کرده است که تصمیم به بازگشت تحریم‌ها به دلیل «عدم پایبندی گسترده ایران به تعهدات برجامی» اتخاذ شده است. در بیانیه شورای اتحادیه اروپا آمده است که ایران نه تنها شفافیت لازم را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نداشته بلکه با گسترش غنی‌سازی ۶۰ درصدی، در عمل زمینه دستیابی به اورانیوم با درجه تسلیحاتی را فراهم کرده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش‌های فصلی خود طی سال‌های اخیر بارها از افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران خبر داده بود. در خرداد ۱۴۰۴-ژوئن ۲۰۲۵، هیات حکام آژانس برای نخستین بار به‌طور رسمی ایران را به نقض تعهدات نظارتی متهم کرد. این قطع‌نامه با حمایت آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان به تصویب رسید. در پی این رای، کشورهای اروپایی و آمریکا تهدید کردند که مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد؛ اقدامی که نهایتاً در روز ۴ مهر عملی شد و تمامی تحریم‌های شورای امنیت بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ دوباره برقرار شد. در چند روز گذشته، بازگشت تحریم‌های شورای امنیت و همراهی آمریکا، اروپا و کشورهای همسایه، تأثیرات فوری بر اقتصاد ایران

گذاشته است. ارزش پول پس از اعلام رسمی بازگشت تحریم‌ها سقوط بی‌سابقه‌ای تجربه کرد و بهای کالاهای اساسی افزایش یافت. محدودیت‌های بانکی و مالی، دسترسی ایران به منابع ارزی در خارج از کشور را سخت‌تر از قبل کرده و بار دیگر اقتصاد را در مسیر رکود تورمی قرار داده است.

اما روسیه، اعلام کرده است که بازگشت تحریم‌های سازمان ملل ذیل مکانیسم ماشه را به‌عنوان یک اقدام غیرقانونی نمی‌پذیرد. واسیلی نبنزیا، نماینده روسیه در سازمان ملل، گفت که مسکو «بازگشت تحریم‌ها» را به رسمیت نمی‌شناسد و از منظر روسیه این تحریم‌ها وارد مرحله اجرا نشده‌اند.

در بیانیه‌ای که هم‌زمان با آغاز ریاست دوره‌ای روسیه بر شورای امنیت منتشر شد، آمده است که اکنون «دو واقعیت موازی» وجود خواهد داشت: برای برخی کشورها مکانیسم ماشه اجرا شده و برای روسیه خیر.

چین نیز ضمن مخالفت با اقدام کشورهای اروپایی در فعال کردن مکانیسم ماشه، تاکید کرده است که چنین روندی «زورآزمایی یکجانبه» است و به روندهای دیپلماتیک آسیب می‌زند.

فو کونگ، سفیر چین در سازمان ملل، به‌طور رسمی گفت که چین با فشار برای بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران مخالف است و بر لزوم حفظ وضعیت تعلیق تحریم‌ها تاکید دارد. او همچنین گفت که

چنین اقداماتی باعث تضعیف روند گفت‌وگو و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های سیاسی خواهد شد و توسل به راه‌حل دیپلماتیک را دشوارتر می‌کند.

## کشورهای عضو گروه هفت با صدور بیانیه‌ای از فعال شدن مکانیسم ماشه حمایت کردند.

این بیانیه که توسط وزیران خارجه هفت کشور آمریکا، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن به علاوه نماینده اتحادیه اروپا امضاء شده بر «نقض تعهدات» از سوی ایران تأکید می‌کند و سپس از همه کشورهای عضو سازمان ملل می‌خواهد که تحریم‌های وضع شده به واسطه قطع‌نامه‌های پیشین را به‌طور کامل اجرا کنند. با اجرای مکانیسم ماشه، قطع‌نامه‌های قبلی شورای امنیت از جمله ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ از روز ۵ مهر ۱۴۰۴ دوباره اعمال شده‌اند.

در بیانیه گروه ۷، تأکید شده است که «ایران باید به‌طور کامل و فوری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند، اجازه ازسرگیری بازرسی‌ها را در تمامی تاسیسات هسته‌ای خود بدهد و همچنین گزارشی از تمام مواد هسته‌ای به‌ویژه ذخایر اورانیوم با غنای بالا ارائه کند، چرا که (نگهداری این مواد) هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد.»



## ترکیه به تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران پیوست

دولت ترکیه روز چهارشنبه، اول اکتبر، در اقدامی هماهنگ با سیاست‌های بین‌المللی، دستور مسدود کردن دارایی‌های تعداد قابل‌توجهی از افراد و نهادهای ایرانی مرتبط با فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را صادر کرد.

این تصمیم که با فرمان مستقیم رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، به اجرا درآمد و در روزنامه رسمی این کشور منتشر شد، آنکارا را در مسیری همسو با اقدامات مشابه ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای افزایش فشار بر تهران قرار می‌دهد. هدف از این اقدام، محدود کردن دسترسی ایران به منابع مالی برای توسعه برنامه هسته‌ای خود عنوان شده است.

بر اساس این فرمان، طیف گسترده‌ای از شرکت‌ها و افراد در بخش‌های کلیدی هدف قرار گرفته‌اند. در میان نهادهایی که دارایی‌های آن‌ها در ترکیه مسدود می‌شود، نام سازمان انرژی اتمی ایران به‌عنوان نهاد اصلی ناظر بر فعالیتهای هسته‌ای کشور، و همچنین چندین بانک، شرکت‌های کشتیرانی، شرکت‌های فعال در حوزه انرژی و مراکز تحقیقاتی دیده می‌شود. شرکت‌های درگیر در فرآیند تبدیل اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای نیز مشمول این دستور شده‌اند

این اقدام از سوی ترکیه، که روابط اقتصادی و سیاسی پیچیده‌ای با ایران دارد، به‌عنوان یک گام مهم در جهت اجرای قطع‌نامه‌های بین‌المللی و افزایش فشار دیپلماتیک بر تهران تلقی می‌شود. تحلیل‌گران معتقدند این تصمیم نشان‌دهنده تعهد بیشتر آنکارا به همسویی با متحدان غربی خود در قبال پرونده هسته‌ای ایران است

فهرست برخی شرکت‌های ایرانی که دارایی آن‌ها مسدود شده:

- سازمان انرژی اتمی ایران
- بانک سپه و بانک سپه بین‌المللی
- مرکز تحقیقات و تولید سوخت هسته‌ای اصفهان و مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان
- شرکت کشتیرانی ایران و هند

- شرکت جابر ابن حیان
- مرکز تحقیقات هسته ای کرج
- شرکت کاوشیار
- شرکت انرژی مصباح
- شرکت تکنیک صنایع مدرن
- شرکت انرژی نوین
- مرکز تحقیقات هسته ای کشاورزی و پزشکی
- شرکت پارس تراش
- صنایع انرژی پیشگام
- خطوط کشتیرانی جنوب



سه وزیر مستعفی کابینه ترکیه - عکس:

Reuters

در تحریم‌های قبلی ایران، برخی وزرای دولت  
اردوغان با عوامل پولشویی ایران همکاری  
کرده بودند!

رضا ضراب، بابک زنجانی و کاملیا جمشیدی سه ایرانی بودند که در ترکیه در جهت دور زدن تحریم‌های ایران فعال بوده‌اند. آن‌ها با رشوه‌دهی به وزیران کابینه ترکیه بزرگترین رسوایی و فساد مالی را در این کشور باعث شدند.

در پرونده فساد مالی ترکیه نام سه ایرانی زبانزد شده است: رضا ضراب، بابک زنجانی و کاملیا جمشیدی. اولی را مقام‌های ترکیه دستگیر کرده‌اند، دومی تاجری است که در ایران به سر می‌برد، و سومی کوتاه پیش از آن‌که دستگیر شود از ترکیه به دوبی گریخته است. معرفی هر یک از این سه ایرانی در این گزارش آمده است.

### **استعفای سه وزیر کابینه اردوغان**

یک هفته پس از بروز رسوایی مالی بزرگ در ترکیه، سه وزیر این کشور استعفا کردند. معمر گولر، وزیر کشور ترکیه، روز چهارشنبه ۴ آذر ۱۳۹۲ به خبرنگار آنادولو، خبرگزاری نیمه‌دولتی ترکیه گفت که استعفایش را به رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، تحویل داده است.

به گزارش نشریه آلمانی اشپیگل، ظفر چاغلایان، وزیر اقتصاد ترکیه نیز در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری آنادولو گفته است که او برای فاش شدن حقیقت استعفا می‌کند و ادامه داده که طرح

رسوایی مالی در ترکیه «توطئه‌ای کثیف است علیه دولت ما، حزب ما و کشور ما.»

اردوغان بایراکتار، وزیر شهرسازی و محیط زیست ترکیه نیز با استعفا از پست وزارت، پست نمایندگی مجلس را نیز واگذار کرد. او همچنین از رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه نیز خواست که استعفا بدهد.

علیه سلیمان آصلان، مدیرعامل بانک دولتی هالک(بانک خلق) نیز پرونده‌ای کیفری گشوده شده است. پلیس ترکیه در خانه‌ی سلیمان آصلان چهارونیم میلیون دلار، که در جعبه‌های کفش مخفی شده بودند، یافته است.

رسوایی مالی بزرگ ترکیه بیش از یک هفته است ساختار سیاسی این کشور را به شدت ناآرام کرده است. این در حالی است که دامنه بحران هر روز گسترده‌تر می‌شود.

به گزارش خبرگزاری‌ها، «با بازداشت سلیمان اصلان مدیرعامل هالک بانک و رضا صراف تاجر ایرانی طلا(که نام اصلی‌اش رضا ضراب است) تمرکز بر روی مثلث ایران، هالک بانک و طلا است.» ضراب همسر «ابرو گوندش»، خواننده مشهور ترکیه است و از او یک فرزند دارد.

به گزارش رسانه‌های ترکیه، خانواده ضراب اصالتاً تبریزی هستند و علاوه بر طلا، در حوزه بورس و آهن هم فعالیت می‌کنند. کارخانه فولاد «تیکمه داش» در تبریز و کشتی‌سازی «رویال» در

استانبول از دیگر دارایی‌های این خانواده اعلام شده است.

رسانه‌های ترکیه گزارش داده‌اند که رضا ضراب در انتقال غیرقانونی حدود ۳۵ میلیارد یورو از ایران به آن کشور نقش داشته است و ظفر چاغلایان، وزیر اقتصاد ترکیه، ۵۰ میلیون دلار از رضا ضراب رشوه گرفته تا در پولشویی و قاچاق طلا به او کمک کند.

اتهام دیگر ضراب این است که با تاسیس ۱۱ شرکت صوری، عملیات پولشویی گسترده‌ای را به مقصد ایران مدیریت و هدایت کرده است.

پایگاه خبری «انتخاب» می‌نویسد، براساس یافته‌های پلیس ترکیه، ضراب ارتباط نزدیکی با ایران داشت. او پس از ایجاد شبکه‌ای از روابط با وزیران و پسرانشان سیستمی برای انتقال میلیاردها دلار راه‌اندازی کرد.

گفته می‌شود، چاغلایان، وزیر اقتصاد ترکیه که به دنبال افزایش آمار صادرات بود، از ضراب خواست که نقل و انتقالات خود را با طلا انجام دهد. به نوشته «انتخاب»، در جلسه اکتبر سال جاری بین این دو، چاغلایان به ضراب گفته است: «شما حداقل باید تا پایان سال ۴ میلیارد دلار طلا صادر کنید.»

براساس تحقیقات پلیس، ضراب به دنبال افزایش آمار صادرات بود که براساس درخواست‌های رجب طیب اردوغان، ظفر چاغلایان و سلیمان اصلان بوده است.

به گزارش «انتخاب»، اوکتای ازودبگلو، کارشناس مسائل اقتصادی روزنامه «رادیكال» در این رابطه می‌گوید: «در مركز این ماجرا مالی ضراب قرار دارد. ادعا شده كه ضراب و تیمش در سیستمی كه به منظور انتقال پول راه‌اندازی شده بود، پول‌ها را از افرادی ایرانی از بانك‌های ایرانی منتقل می‌کردند و سپس به صورت طلا به ایران بازمی‌گرداندند.»

### **بابك زنجانی**

روزنامه «تودی زمان» چاپ تركیه، روز چهارشنبه ۴ دی ۱۳۹۲، نوشته بود، رضا ضراب در اعترافات خود از بابك زنجانی، میلیاردر ایرانی، به‌عنوان «رییس» خود نام برده است. او از تاجران نزدیک به دولت محمود احمدی‌نژاد بود و با ایجاد شبکه پنهانی تجارت نفت و طلا از طریق بانك هالك تركیه مبالغ هنگفتی را برای ایران پول‌شویی كرد.

گفته می‌شود گروهی ویژه در اداره قاجاق و جرایم پلیس آنکارا فعالیت‌های ضراب و عواملش را به مدت يك سال زیرنظر داشتند و نتیجه تحقیقات نشان داد كه زنجانی رهبر این فساد مالی بوده است.

به گزارش روزنامه اعتماد و سایت خبری افکارنیوز به نقل رسانه‌های تركیه، زنجانی قرار بوده كه با استفاده از يك پاسپورت جعلی از طریق بیروت وارد آنتالیا شود، اما او سفر

خود را بعد از عملیات پلیس در ترکیه لغو می‌کند.

پایگاه خبری ترکیه‌ای «هابردر» در گزارشی با تیتراژ «کاملیا جمشیدی کیست؟» می‌نویسد: «رسوایی فساد و رشوه‌خواری در ترکیه در حالی به اسم رضا ضراب تمام شده است که از کاملیا جمشیدی به عنوان دست دیگر این ماجرا نام برده می‌شود. کاملیا جمشیدی پس از اطلاع از عملیات پلیس برای دستگیری‌ها از ترکیه فرار می‌کند.» این سایت خبری ترکیه‌ای ادعا کرده، اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد این زن ایرانی نیز یکی از متهمان اصلی، و از چهره‌های کلیدی و همدست رضا ضراب در این پرونده به شمار می‌رود. پس از مشخص شدن این موضوع، دادستانی وارد تحقیقات می‌شود و با همکاری پلیس امنیت استانبول آدرس و محل زندگی را او به دست می‌آورد. اما این زن ایرانی، شب پیش از آن، با اطلاع و آگاهی از دستگیری‌ها، از فرودگاه آتاتورک راهی دوبی می‌شود. طبق گزارش رسانه‌های ترکیه، پلیس این کشور ردپای این زن را در دوبی یافته است.

به گزارش رسانه‌های ترکیه‌ای، رضا ضراب از طریق ایمیل با کاملیا جمشیدی و به همین طریق با بابک زنجانی در تماس بوده است. گفته می‌شود رضا ضراب بسیاری از اطلاعات و اسناد از این طریق ایمیل با او به اشتراک می‌گذاشته است.

در ترکیه تاکنون پرونده‌های کیفری علیه ۲۴ نفر گشوده شده‌اند. اتهام این افراد نقض تحریم‌های جهانی علیه ایران و ارسال طلا به این کشور در مقابل دریافت نفت است.

گفته می‌شود شماری از افراد بسیار پرنفوذ ترکیه در این رابطه معاملاتی میلیاردی با ایران انجام داده‌اند و برای تحقق برنامه‌های خود به مقامات دولتی ترکیه رشوه داده‌اند.

رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، طرح رسوایی بزرگ مالی را «توطئه‌ای کثیف» علیه دولت و حزب حاکم عدالت و توسعه معرفی کرده و گفته است سر نخ این توطئه را افرادی در داخل و خارج کشور در دست دارند.

اردوغان که در ابتدا هرگونه فساد را در دولت خود رد می‌کرد در پی فشارهای همه‌جانبه پس از بازگشت از پاکستان در مقابل صدها هوادار خود موضعی جدید اتخاذ کرد. او در فرودگاه آنکارا گفت متخلفان باید به سزای اعمال خود برسند و دولت و قوه قضائیه ترکیه برای روشن شدن این موضوع پیگیری خواهند کرد.

روزنامه ترکی «تودی زمان» که دیدگاهی انتقادی نسبت به مواضع اردوغان دارد، نوشته است پس از دستگیری‌های اخیر در ارتباط با فساد مالی بزرگ در ترکیه دولت این کشور بسیاری از مقامات بلندپایه پلیس را برکنار کرده است.

گفته می‌شود در مجموع ۵۰۰ مامور پلیس شامل این تصفیه شده‌اند. روزنامه ترکی «تودی زمان»

در ادامه می‌نویسد یکی از این افراد پلیس برکنار شده رئیس پلیس شهر استانبول است. عبدالله گل، رئیس جمهوری وقت ترکیه، برای نخستین بار در رابطه با فساد مالی بزرگ در ترکیه موضع‌گیری کرد. گل در این باره گفت ترکیه کشوری نیست که بتوان در آن «اشتباهاتی چون فساد مالی» را پنهان نگاه داشت. عبدالله گل در ادامه گفت در گذشته اصلاحات بسیاری در ترکیه انجام شده‌اند و اکنون وظیفه قوه قضائیه این کشور است که این موضوع را بررسی و به اتهامات رسیدگی کند. به این ترتیب رئیس جمهوری ترکیه، که او را یکی از رقبای درون حزبی رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه می‌شناسند، در مقابل او موضع‌گیری کرده بود. بعدها رضا ضراب در آمریکا دستگیر شد. بابک زنجانی در ایران. اما اخیراً بابک زنجانی از زندان آزاده شده و دوباره به صحنه اقتصادی دولت پزشکیان برگشته است. تحریم‌های ایران در زمستان ۱۳۹۰ آغاز شد و در ماه‌های بعد از آن، تحریم‌های بانکی، دولت ایران را برای آوردن پول نفت به کشور با مشکلات جدی روبه‌رو کرد. احتمالاً آغاز کار رضا ضراب هم به همان زمان برمی‌گردد. او که تاجر طلا و ارز بود با استفاده از طلا، برای ایران «پولشویی» می‌کرد، یعنی رد پول‌ها را با مبادله‌های مکرر گم می‌کرد تا مبداء و مقصد پول قابل ردگیری نباشد.

رضا ضراب در اسفند سال ۱۳۹۴ هنگام سفر به آمریکا بازداشت شد. اما نام او یک سال و نیم قبل از آن، در آذر ۱۳۹۲ در ترکیه مطرح شده بود. او در جریان یک پرونده فساد مالی گسترده میان مقام‌های دولتی ترکیه در ارتباط با کمک به دور زدن تحریم‌های ایران و موارد فساد دیگر بازداشت، اما بعد آزاد شد.

بابک زنجانی ۹ دی ماه سال ۹۲ بازداشت و غلامحسین محسنی اژه‌ای سخنگوی وقت قوه قضاییه در تاریخ ۱۶ اسفند سال ۱۳۹۴، به‌طور رسمی اعلام کرد که دادگاه بدوی، وی را به همراه دو متهم دیگر این پرونده به اعدام محکوم کرده است. این حکم نهایتاً در آذرماه ۱۳۹۵ از سوی دیوان عالی کشور تایید شد، البته با این قید که اگر بابک زنجانی کلیه اموال را مسترد و خسارات را جبران کند، می‌تواند از ارفاقات قانونی ذیل ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی بهره‌مند شود.

بابک زنجانی در دی ماه سال گذشته، از زندان آزاد شد. در حالی که بانک مرکزی از بدهی سنگین بابک زنجانی به سیستم مالی کشور خبر می‌دهد، او نه‌تنها از مجازات اعدام گریخت، بلکه امروز خود را سرمایه‌گذار بزرگ معرفی کرده و با تشریفات رسمی در محافل اقتصادی حاضر می‌شود؛ روندی که افکار عمومی را با موجی از سئوال و بی‌اعتمادی مواجه کرده است.

اخیرا روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: درباره این شخص، ذهن مردم پر است از انواع سئوال‌های بدون جواب که سکوت مسئولین مربوطه و یا توجیهات غیرموجه آنان نگرانی‌ها را بیشتر می‌کند.

یک سئوال اینست که چرا یک مفسد اقتصادی که به اعدام و رد مال محکوم شده بود، فقط با پذیرفتن رد مال از اعدام رهایی یافته است؟ حکم این بود که علاوه بر رد مال، اعدام هم بشود ولی با این توجیه عجیب که چون پذیرفته اموال به غارت برده را پس بدهد، حکم اعدام لغو شده است!

سئوال دیگر اینست که برخلاف ادعای برگرداندن اموال، بانک مرکزی می‌گوید بابک زنجانی یک میلیارد و ۹۶۷ میلیون یورو به سیستم مالی کشور بدهکار است و غیر از ۱۵ میلیون دلار هیچ پرداختی نداشته است. با این‌حال چگونه او توانسته از حکم اعدام خلاصی یابد و از زندان نیز خارج شود؟

مهم‌تر اینکه یک مفسد اقتصادی با این‌همه بدهی به سیستم مالی کشور می‌گوید من آماده‌ام ۵۰ میلیارد دلار پشت دست کشور بگذارم و خود را صاحب بزرگترین شرکت تاکسیرانی و ریلی و باربری می‌دانم.

او در حالی که محکوم و صاحب سنگین‌ترین پرونده فساد اقتصادی است چگونه توانسته به سرعت این‌همه ثروت به دست بیاورد؟ سئوال اساسی‌تر

اینست که در کشوری که دچار بحران اقتصادی است و در آن ده‌ها میلیون نفر زیر خط فقر بسر می‌برند، چگونه یک مفسد اقتصادی که در مسیر زندان و تجارتخانه در رفت و آمد است می‌تواند به این‌همه امکانات دست یابد، با محافظان و اطرافیان و تشریفات وارد نمایشگاه شود و مورد استقبال رسمی قرار گیرد و در مصاحبه‌ها خود را طلبکار نشان دهد؟

حضرات مسئولان برای عبور از این سؤال‌ها به هر توجیهی متوسل شوند نمی‌توانند افکار عمومی را قانع کنند. این مانورهای قدرت یک مفسد بزرگ اقتصادی به معنای ادامه جریان فساد در جامعه‌ایست که مردم آن بشدت فساد گزیده‌اند و در آرزوی مبارزه بی‌امان با فساد هستند.



اخراج ۱۲۰ ایرانی از آمریکا پس از توافق با تهران

منابع ایرانی، گفته‌اند این افراد دوشنبه‌شب، هفتم مهر، با یک فروند هواپیمای چارتر از ایالت لوئیزیانا پرواز کرده و هواپیمای حامل آن‌ها قرار است روز سه‌شنبه هشتم مهر از طریق قطر به ایران برسد.

یک مقام آمریکایی مطلع از این اقدام نیز به نیویورکتایمز گفت برنامه‌های این پرواز در حال نهایی‌شدن است.

با این حال، هویت و دلایل مهاجرت این افراد که در این اخراج جمعی از آمریکا به‌سوی ایران رانده شده‌اند، هنوز مشخص نیست.

در همین حال، تلویزیون دولتی ایران به نقل از حسین نوش‌آبادی، مدیرکل امور پارلمانی وزارت خارجه ایران، اعلام کرد که بخشی از این افراد دارای مجوز اقامت بودند اما اداره مهاجرت آمریکا تصمیم به اخراج آن‌ها گرفته است.

جمهوری اسلامی در گزارش‌های متعدد سازمان‌های حقوق بشری به پایمال کردن سیستماتیک حقوق زنان، مخالفان سیاسی، روزنامه‌نگاران، وکلا، اقلیت‌های مذهبی و دگرباشان جنسی متهم است.

مقام‌های ایرانی گفتند این هواپیما، که پروازی چارتر از سوی آمریکا بود، دوشنبه شب از ایالت لوئیزیانا پرواز کرد و قرار بود سه‌شنبه از طریق قطر به ایران برسد. مقام آمریکایی نیز تایید کرد که برنامه‌های مربوط به این پرواز در مراحل نهایی قرار دارد. همه

مقام‌ها به شرط ناشناس ماندن با «نیویورک تایمز» گفت‌وگو کردند، چرا که مجاز به اعلام عمومی جزئیات نبودند.

این اخراج، یکی از آشکارترین تلاش‌های دولت ترامپ تاکنون برای بازگرداندن مهاجران است، بی‌توجه به شرایط حقوق بشری‌ای که در مقصد انتظار آنان را می‌کشد. اوایل امسال، آمریکا گروهی از ایرانیان را -که بسیاری از آنان نوکیش مسیحی و در معرض آزار در کشورشان بودند- به کاستاریکا و پاناما اخراج کرده بود. گسترش این کمپین اخراج، باعث طرح دعاوی حقوقی از سوی مدافعان حقوق مهاجران شد که نسبت به چنین پروازهایی انتقاد کرده‌اند.

آمریکا، طی چند دهه به ایرانیانی که از سرکوب در کشور خود می‌گریختند پناه داده بود. ایران یکی از بدترین کارنامه‌های حقوق بشری در جهان را دارد و فعالان سیاسی، کارگری، آزادی‌خواه، حقوق زنان، مخالفان سیاسی، روزنامه‌نگاران، وکلا، اقلیت‌های مذهبی و اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کیو را تحت تعقیب قرار می‌دهد.

هویت ایرانیان اخراج‌شده و دلایل مهاجرت آنان به آمریکا فوراً روشن نشد. اما در چند سال اخیر شمار ایرانیانی که از مرز جنوبی ایالات متحده وارد شده و به‌طور غیرقانونی عبور می‌کنند، افزایش یافته است؛ بسیاری از آنان به دلیل ترس از آزار سیاسی و مذهبی در کشورشان درخواست پناهندگی داده‌اند.

دو مقام ایرانی گفتند در میان اخراج‌شدگان، مردان و زنان و حتی چند زوج حضور دارند. برخی پس از ماه‌ها ماندن در مراکز بازداشت، داوطلبانه بازگشتند و برخی دیگر نه. به گفته آنان، تقریباً در تمام موارد یا درخواست‌های پناهندگی رد شده بود یا افراد هنوز در برابر قاضی برای رسیدگی به پرونده پناهندگی حاضر نشده بودند.

این اخراج، اقدامی نادر از همکاری میان ایالات متحده و دولت ایران محسوب می‌شود و نتیجه ماه‌ها گفت‌وگو میان دو کشور بوده است. یکی از مقام‌ها گفت وزارت خارجه ایران بازگشت این افراد را هماهنگ کرده و به آنان تضمین داده شده که در امنیت خواهند بود و با مشکلی روبه‌رو نمی‌شوند. با این حال او افزود که بسیاری از اخراج‌شدگان ناامید و حتی برخی بیمناک هستند.

علاوه بر سرکوب سیاسی، ایران با بحرانی شدید در اقتصاد و انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند: سقوط ارزش پول ملی، تورم افسارگسیخته، بیکاری گسترده و قطعی‌های آب و برق. این وضعیت اقتصادی با بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل -که از روز شنبه دوباره به اجرا گذاشته شد- باز هم وخیم‌تر خواهد شد.

همین معامله دولت آمریکا و جمهوری اسلامی، آن‌هم در شرایطی که ظاهراً روابطشان بسیار تیره است نشان‌دهنده این واقعیت است که چه دولت

آمریکا و چه جمهوری اسلامی در راستایی منافع سرمایه‌داری خود حاضرند انسان‌های بی‌گناه بی‌شماری را قربانی کنند.

به‌علاوه، به احتمال قوی برخی از این پناهجویان، توسط جمهوری اسلامی دستگیر و زندانی، شکنجه و حتی اعدام خواهند شد.

اخراج از پناهجویان از آمریکا و تحویل مسقیم آن‌ها به جمهوری اسلامی ایران، در شرایطی انجام می‌گیرد که به گفته نهادهای بین‌المللی و حقوق بشر، سانسور و اختناق و اعدام در ایران غوغا می‌کند.

کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته‌اند از بیش از یک هزار اعدام در ۹ ماه اول سال ۲۰۲۵، که نشانگر «افزایش چشم‌گیر» تعداد اعدام‌ها در ایران است، وحشت‌زده شده‌اند.

به گزارش بی‌بی‌سی روز دوشنبه ۲۹ سپتامبر-هفتم مهر، پنج گزارشگر ویژه در بیانیه‌ای مشترک هشدار دادند: «گستره اعدام‌ها در ایران سرسام‌آور است و نقض جدی حق حیات را نشان می‌دهد.» آن‌ها خاطرنشان کردند که نیمی از اعدام‌های ثبت شده مربوط به جرائم مربوط به مواد مخدر بوده و به‌طور متوسط ۹ اعدام در روز در هفته‌های اخیر ثبت شده است.

این ابراز نگرانی از رشد اعدام‌ها در ایران، هم‌زمان با اعلام خبر یک اعدام دیگر در بامداد روز دوشنبه همراه بود که طی آن قوه قضاییه

ایران از اعدام یک مرد به اتهام «جاسوسی برای موساد» خبر داد.

خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه، روز دوشنبه نام این مرد را بهمن چوبی اصل اعلام کرد و بدون ارائه مستندات گزارشی داد که او یک «متخصص پایگاه داده» بوده که در «پروژه‌های حساس مخابراتی» کار می‌کرده و «جاسوس مورد اعتماد» سازمان اطلاعات اسرائیل، موساد، بوده است.

او یازدهمین فردی بود که امسال به جرم جاسوسی برای اسرائیل در ایران اعدام شد؛ ۱۰ مورد از این اعدام‌ها از زمان جنگ ۱۲ روزه بین دو کشور در ماه ژوئن انجام شده است.

هفته گذشته، عفو بین‌الملل و گروه حقوق بشر ایران مستقر در نیروژ اعلام کردند که از ژانویه/ دی ماه گذشته تا انتهای سپتامبر/ مهر ماه جاری، یک هزار اعدام در ایران را ثبت کرده‌اند. این رقم همین حالا هم از مجموع ۹۷۵ مورد گزارش شده در کل سال ۱۴۰۳، بیشتر است.

## سازمان ملل متحد و ترامپ رییس جمهور آمریکا

هفت هکتار زمینی که جان راکفلر، ثروتمندترین فرد تاریخ آمریکا، پس از جنگ جهانی دوم در منهن نیویورک خرید و برای استقرار سازمان نوپای ملل متحد اهدا کرد، آمریکا را به یکی

از حساس‌ترین کانون‌های قدرت و دیپلماسی جهان پس از این جنگ بدل کرد.

حالا سازمان ملل متحد در حالی هشتاد ساله می‌شود که آمریکای امروز به رهبری دونالد ترامپ استراتژی مبتنی بر عقب‌نشینی از همکاری‌های بین‌المللی را پی گرفته است و کنار کشیدن تدریجی آمریکا از پشت این دستگاه عظیم و درهم‌تنیده جهانی از نهادها و برنامه‌های دیپلماتیک، سازمان ملل را بیش از هر زمان دیگری در خطر قرار داده و دारبستی که با تشکیل سازمان ملل متحد به ایجاد نظم جهانی کمک کرده، بیش از هر زمان دیگری متزلزل به نظر می‌رسد.

ترامپ که بیست سال پیش خود را «طرفدار پروپاقرص سازمان ملل و همه آنچه که نمایندگی می‌کند» معرفی کرده بود، پس از رسیدن به قدرت، بسیاری از توافقات بین‌المللی را یکی پس از دیگری کنار گذاشته و نهادهای معتبر سازمان ملل را یک به یک زیر سؤال برده است.

او چه در آستانه اولین پیروزی خود در سال ۲۰۱۶ که در جمع ایپک، لابی پرنفوذ اسرائیل در آمریکا، سازمان ملل را «ضعیف و بی‌کفایت» خواند و گفت که این نهاد «دوست دموکراسی، آزادی، ایالات متحده و اسرائیل» نیست و چه بعدها برکرسی قدرت در کاخ سفید، از انتقاد و زیرسوال بردن این نهاد بین‌المللی ابایی نداشته است.

ایران اولین کشوری بود که در سال ۲۰۱۸ با خروج آمریکا از توافق برجام، طعم تلخ این تغییر در رویکرد واشنگتن را چشید. این تغییر رویکرد واشنگتن، به ایران محدود نماند و به ویژه در دور دوم ریاست جمهوری ترامپ به شکلی بی‌محابت‌تر در روابط بین‌المللی آمریکا ادامه پیدا کرد.

ترامپ در اولین روز بازگشت به کاخ سفید با یک امضا پایان عضویت و کمک مالی به سازمان بهداشت جهانی را اعلام کرد. از توافق اقلیمی پاریس یک بار دیگر خارج شد. سازمان تجارت جهانی را «بی‌دندان» خواند و به قطع کمک‌های مالی خود تهدید کرد. ترامپ یونسکو، آژانس آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل، را متهم به پیش‌برد برنامه‌های ضد اسرائیلی کرد و از آن کنار کشید، از شورای حقوق بشر سازمان ملل کناره‌گیری کرد و کمک به تامین بودجه این شورا را قطع کرد.

تخصیص چهار میلیارد دلار بودجه مصوب کنگره آمریکا، که ظاهراً قرار بود صرف کمک‌های خارجی و مأموریت حفاظت از صلح سازمان ملل و پیش‌برد دموکراسی در جهان شود، توسط کاخ سفید متوقف شد. دولت ترامپ حتی دیوان کیفری بین‌المللی را که در پی توافقی در سازمان ملل متحد ایجاد شد، به اتهام ضدیت با اسرائیل تحریم کرده است. دولت آمریکا رسماً اعلام کرده که ادامه رابطه آمریکا با نهادهای بین‌المللی تنها در

جهت و مواردی خواهد بود که سیاست «اول آمریکا» را پیش ببرد.

سال ۲۰۱۸، وقتی که دونالد ترامپ در جریان سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد دولت خود را «بهترین» دولت تاریخ آمریکا خواند بعضی از رهبران کشورهای حاضر در اجلاس به او خندیدند. خنده‌ای که از چشم او دور نماند. او حالا با پیروزی چشم‌گیر خود در انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا و زلزله‌ای که در سیاست‌های این کشور ایجاد کرده نشان داده است که دیگر کسی نمی‌تواند او را شوخی بگیرد.

کم‌تر از یک ماه پس از بازگشت ترامپ به کاخ سفید، وقتی دیپلمات‌های آمریکا در سازمان ملل برخلاف سنت معمول، به جای اوکراین از روسیه حمایت کردند، سفیر اسلوانی گفت: «اروپا در تلاش است تا خود را با تغییر ۱۸۰ درجه‌ای در موضع آمریکا - و سرعتی که واشنگتن با آن حرکت می‌کند - وفق دهد.»

اکنون حدود ۹ ماه از آغاز دومین دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ گذشته است و سرعت تغییرات در روابط خارجی این کشور نفس‌پر بوده است.

با وجود اختلاف‌های حزبی در مسائل داخلی آمریکا، سیاست خارجی واشنگتن پس از جنگ جهانی دوم عموماً دو حزبی بوده و این ثبات نسبی

شالوده رابطه آمریکا با متحدان و رقبایش را شکل داده است. اما در ۱۰ سال گذشته تغییرات پاندولی در دولت‌های ترامپ (جمهوری‌خواه) و دموکرات (جو بایدن) رویه‌ای جدید را بنا گذاشته که به نظر می‌رسد واقعیتی تازه در سیاست آمریکا باشد.

ترامپ از سازمان بهداشت جهانی خارج شد، بایدن دوباره به این سازمان بازگشت و حالا یکبار دیگر از این سازمان خارج شده است؛ روندی که در حوزه‌های تصمیم‌گیری دیگر نیز کم و بیش یکسان بوده است.

اگر قرار باشد مسیر سیاست خارجی آمریکا هر چهار سال یک بار دستخوش تغییر شود و میان مشارکت فعال یا انزوای نسبی، میان همکاری یا اعمال فشار، نوسان داشته باشد، هم رقبا و متحدان و شرکای واشنگتن با وضعیتی پیچیده روبه‌رو خواهند بود. حتی اگر این بی‌ثباتی قطعی نباشد، خطر وجود آن کافی است تا دیگر دولت‌ها در رفتار خود تجدیدنظر کنند.

مایکل جیکوبز، استاد دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه شفیلد، به بی‌بی‌سی فارسی، گفته است: «اگر کشورها و به تبع آن سازمان ملل متحد و نهادهای آن ندانند که دولت آینده آمریکا چه سیاستی در پیش خواهد گرفت طبیعی است که کمتر به راه‌حل‌های بلندمدت متعهد شوند.»

به گفته او، حتی اگر رییس جمهوری بعدی آمریکا دموکرات هم باشد بخش‌هایی از رابطه از هم‌گسسته با سازمان ملل متحد باز نخواهد گشت:

«هیچ‌کس نمی‌تواند با قطعیت بگوید که بعد از ترامپ چه کسی رییس‌جمهور آمریکا خواهد بود. بدیهی است که یک دولت جمهوری‌خواه احتمالا هم‌چنان در مسیر ترامپ باقی می‌ماند. اما اگر یک دموکرات رئیس‌جمهور آمریکا شود احتمالا به ایفای نقشی عادی‌تر در جهان بازخواهد گشت. البته نه به‌طور کامل، چون فکر می‌کنم برخی از کارهایی که ترامپ انجام می‌دهد بازتاب‌دهنده جریان‌های نیرومند در افکار عمومی آمریکا است که فراتر از جمهوری‌خواهان می‌رود. به‌عنوان مثال، فکر نمی‌کنم بودجه کمک‌های خارجی به سطح قبلی برگردد.»

بررسی تاثیر بلندمدت اقدامات ترامپ در روابط بین‌الملل آمریکا و دورشدن آن از چندجانبه‌گرایی به گذشت زمان نیاز دارد. پیش‌بینی‌های اولیه نشان می‌دهد که حاصل آن در حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل متفاوت خواهد بود.

به‌عنوان نمونه، سازمان بهداشت جهانی پس از خروج آمریکا ناچار شد ۲۰ درصد از بودجه سالانه‌اش را کاهش دهد. هم‌زمان دیگر اهداءکنندگان کوشیده‌اند جای خالی آمریکا را پر کنند؛ بنیاد دانمارکی نوو نوردیسک بیش از

۵۷ میلیون دلار تعهد کرده و چین وعده داده طی پنج سال ۵۰۰ میلیون دلار پرداخت کند.

جیکوبز می‌گوید نمونه توافق اقلیمی پاریس کمی متفاوت است: «حتی در غیاب آمریکا که ۲۰ درصد آلاینده‌ها را منتشر می‌کند، چه چین چه هند یا اتحادیه اروپا، می‌دانند که اگر اقدامی نکنند، تغییرات اقلیمی به‌مراتب بدتر خواهد شد. وقتی آمریکا در توافق نیست یعنی نمی‌تواند جلوی اقدام دیگران را بگیرد. خروج آمریکا اگرچه دلسردکننده بوده هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد به دنبال آن، کشوری که در گذشته موافق اقدام در راستای توافق پاریس بوده حالا دیگر کنار کشیده است. بنابراین این‌جا، خروج آمریکا اگرچه میزان نتیجه‌بخشی همکاری‌های بین‌المللی را کاهش می‌دهد، اما مانع ادامه تلاش‌های جهانی و ادامه مسیر آن نمی‌شود.»

قطع ناگهانی کمک‌های خارجی آمریکا به سازمان ملل متحد که دهه‌ها ادامه داشته فقط یک جدال بوروکراتیک نیست؛ از گرسنگی در افغانستان تا توقف پروژه‌های بهداشتی در آفریقا، جان میلیون‌ها انسان را مستقیماً تهدید می‌کند. بر اساس تحقیقات یونیسف، دستکم ۱۴ میلیون کودک در سال ۲۰۲۵ به دلیل کاهش کمک‌های بین‌المللی و پیش‌بینی‌شده بودجه جهانی، با اختلال در حمایت و خدمات تغذیه‌ای در خطر سوءتغذیه شدید و مرگ قرار دارند و این تنها یک قلم است.

اما اگر آمریکا نخواهد در خط مقدم «کدخدایی جهان» باشد، آیا کشورهای دیگر می‌توانند جای خالی آن را پر کنند؟ مایکل جیکوبز می‌گوید آنچه در اجلاس یک ماه پیش تامین مالی سازمان ملل در سویل اسپانیا روی داد نشانه امیدواری است «وقتی آمریکا یک روز بعد از آغاز این اجلاس به دیگر کشورها پشت کرد و از این اجلاس خارج شد ۱۹۲ کشور جهان بی‌درنگ توافقی تازه برای توسعه امضاء کردند و بیش از ۱۳۰ طرح جدید به اجرا گذاشته شد. این روند در نشست‌های گروه ۲۰ و گروه هفت هم ادامه دارد. نشست تغییرات اقلیمی ۲۰۲۵ در برزیل نیز بدون حضور آمریکا برگزار خواهد شد.»

با این حال، اگر قرار باشد سازمان ملل متحد «عدم ثبات» در رویکرد آمریکا را به‌عنوان واقعیت موجود به رسمیت بشناسد احتمالا چاره‌ای جز بازنگری در شکل و روند اجرای ماموریت‌های خود نخواهد داشت. به ویژه این‌که کشورها و گروه‌های مختلف سال‌هاست از نیاز به اصلاحات جدی در سازمان ملل متحد صحبت می‌کنند به‌ویژه درباره حق وتوی چند کشور.

در سال‌های اخیر، جهان شاهد پیدایش و رشد اتحادهای جایگزین و گرایش به تکثرگرایی در نظام بین‌المللی بوده است. ائتلاف «بریکس» که ابتدا با حضور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی شکل گرفت، امروز با پیوستن اعضای جدید چون کشورهای حوزه خلیج فارس،

اتیوپی و اندونزی، به بلوکی مهم و غیرغربی بدل شده که سعی در ارائه الگوی متفاوت برای همکاری و اتحاد جهانی دارد. با این حال، اختلافات داخلی اعضا و تفاوت چشم‌گیر منافع آن‌ها ممکن است اثربخشی این ائتلاف را محدود کند.

چین نیز به دنبال پر کردن جای خالی آمریکا در حوزه‌های مختلف است. هرچند هنوز جایگزین کامل نقش‌آفرینی آمریکا نشده است. همه این تحولات گرچه پیش از ترامپ آغاز شده اما خروج و سیاست‌های دولت او روند آن‌ها را شتاب بخشیده است.

مسئله این‌جاست که آیا در غیاب آمریکا به‌عنوان یک متحد حامی، کشورهای دیگر چه در سازمان ملل متحد و چه در نهادهای تازه‌تاسیس به ائتلافی موثر و باثبات دست خواهند یافت؟

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، در آغاز هشتادمین نشست سالانه مجمع عمومی این نهاد بین‌المللی در نیویورک، تصویری تیره از اوضاع جهانی ارائه داد و به‌ویژه درباره وضعیت غزه هشدار داد. او گفت: «فجایع در غزه ادامه دارد و ابعاد کشتار از هر مرزی فراتر رفته است.»

گوترش، تاکید کرد که تنها راه حل واقعی برای پایان دادن به بحران خاورمیانه، تحقق راه حل دو کشوری است. به گفته او، پایه‌های صلح در

جهان یکی پس از دیگری فرو می‌ریزند چرا که برخی دولت‌ها با بی‌اعتنایی به قوانین بین‌المللی راه جنگ را هموار کرده‌اند.

او با اشاره به حملات ۷ اکتبر و جنگی که از آن زمان شعله‌ور مانده، تصریح کرد: «هیچ‌چیز حملات ۷ اکتبر را توجیه نمی‌کند و هیچ‌چیز هم نمی‌تواند مجازات جمعی مردم غزه را توجیه کند. ما به آتشبسی دائمی در غزه و آزادی فوری گروگان‌ها نیاز داریم.»

دبیرکل سازمان ملل، در ادامه سخنرانی خود به بحران‌های دیگر جهان نیز پرداخت و خواستار تلاش‌های تازه برای پایان دادن به جنگ در اوکراین شد. او همچنین هشدار داد که غیرنظامیان در سودان با قتل‌عام مواجه‌اند و تاکید کرد: «هیچ راه‌حل نظامی برای بحران سودان وجود ندارد.»

ترامپ با فرمان اجرایی، امنیت قطر را تضمین کرد

دونالد ترامپ، روز دوشنبه با امضای یک فرمان اجرایی به قطر تضمین امنیتی ایالات متحده اعطا کرد که شرایط آن مشابه ماده ۵ پیمان ناتو است. متن این فرمان از سوی کاخ سفید منتشر شد.

چرا مهم است: این توافق امنیتی میان آمریکا و یک کشور عربی بی‌سابقه است. در این فرمان آمده است که ایالات متحده هرگونه «حمله مسلحانه» علیه قطر را «تهدیدی برای صلح و

امنیت ایالات متحده» تلقی خواهد کرد و به آن پاسخ متناسب خواهد داد.

این تضمین امنیتی ارتقاء یافته بخشی از «جبران» آمریکا به قطر پس از حمله ناموفق سه هفته پیش اسرائیل به مقامات حماس در دوحه است.

با این حال، از آنجا که این تضمین امنیتی از طریق فرمان اجرایی صادر شده، الزام آوری آن کمتر از یک معاهده دفاع مشترک است که نیازمند تأیید سنا باشد.

پشت پرده: این فرمان روز دوشنبه، همزمان با سفر بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، به کاخ سفید امضا شد، اما انتشار عمومی آن دو روز بعد صورت گرفت.

مفاد فرمان: در متن فرمان آمده است: «با توجه به تهدیدات مستمر علیه کشور قطر از سوی تجاوزات خارجی، سیاست ایالات متحده این است که امنیت و تمامیت ارضی کشور قطر را در برابر هرگونه حمله خارجی تضمین کند.»

در صورت وقوع حمله ای علیه قطر، «ایالات متحده تمام اقدامات قانونی و مناسب - از جمله اقدامات دیپلماتیک، اقتصادی و در صورت لزوم نظامی- را برای دفاع از منافع ایالات متحده و کشور قطر و بازگرداندن صلح و ثبات به کار خواهد گرفت.»

هم‌چنین، فرمان تصریح می‌کند که رهبران نظامی و اطلاعاتی آمریکا «باید با دولت قطر برنامه‌ریزی مشترک اضطراری را حفظ کنند تا از واکنشی سریع و هماهنگ در برابر هرگونه تجاوز خارجی علیه قطر اطمینان حاصل شود.»

لایه‌های پنهان: اقدام آمریکا نشان می‌دهد که قطر توانسته است از این بحران برای منزوی کردن اسرائیل و دستیابی به یک موفقیت راهبردی بهره‌برداری کند؛ موفقیتی که هیچ کشور عربی دیگری به دست نیاورده است.

نتانیا هو تحت فشار ترامپ ناچار شد هم در خفا و هم علناً بابت حمله عذرخواهی کند - امری که یک تحقیر سیاسی بزرگ محسوب می‌شود.

مشاوران ترامپ نیز از بحران اسرائیل و قطر استفاده کردند تا نتانیا هو را برای نخستین بار پس از حملات حماس در ۷ اکتبر، به پذیرش طرحی برای پایان دادن به جنگ غزه وادار کنند.

تصویر بزرگتر: بسیاری از کشورهای عربی - به‌ویژه عربستان سعودی - طی سال‌های گذشته خواستار چنین تضمین امنیتی از سوی آمریکا بودند، اما این درخواست‌ها همواره رد شده است. یک مقام پیشین آمریکایی گفت: «عربستان سعودی فکر می‌کرد برای دستیابی به پیمان دفاعی با ایالات متحده باید روابط خود را با اسرائیل عادی کند. اما قطر توانست بخشی از یک پیمان

دفاعی با آمریکا را تنها به واسطه حمله اسرائیل به دست آورد.»

در همین حال، نتانیاهو و مشاور نزدیکش ران درمر سال‌ها برای دستیابی به یک معاهده دفاعی با واشنگتن تلاش کرده‌اند. اما حمله اسرائیل به دوحه نهایتاً به شکل‌گیری یک پیمان دفاعی میان آمریکا و قطر انجامید؛ کشوری که روابط آن با اسرائیل به شدت متشنج است.

یادآوری: در آغاز نخستین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، قطر تحت محاصره همسایگان خلیجی خود قرار گرفت و در آمریکا با اتهام‌های فزاینده‌ای درباره تامین مالی تروریسم روبه‌رو شد.

اما تا پایان دوره نخست ترامپ، قطری‌ها موفق شدند محاصره را لغو کنند و به نزدیکی قابل‌توجهی با کاخ سفید دست یابند.

در دوران بایدن و در ادامه در دولت دوم ترامپ، قطر پس از اسرائیل به نزدیکترین متحد آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد.

لازم به یادآوری است که نیروهای مسلح ایران غروب روز دوشنبه دوم تیر- ۲۳ ژوئن، در بیانیه‌ای اعلام کرد که سپاه پاسداران در عملیات «بشارت فتح» پایگاه عدید قطر را «هدف تهاجم ویرانگر و قدرتمند موشکی قرار داده است.» در این بیانیه آمده است این عملیات با «تدبیر شورای عالی امنیت ملی و راهبری قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا» انجام شده است.

صدای چند انفجار در دوحه پایتخت قطر و لوسیل در حومه آن شنیده شده است و پرتابه‌ها در آسمان دیده شدند.

شورای عالی امنیت ملی در بیانیه‌ای گفت تعداد موشک‌های به کار گرفته شده در این عملیات که آن را «موفق» خواند به تعداد بمب‌هایی بوده است که آمریکا در حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران استفاده کرده بود؛ و «پایگاهی هم که در حمله نیروهای مقتدر ایران مورد هدف قرار گرفته از تاسیسات شهری و مناطق مسکونی در قطر فاصله زیادی داشته است.»

آمریکا گفته بود با ۱۴ بمب تاسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار داده بود.

قطر بلافاصله «نقض فاحش حاکمیت ملی» خود را محکوم کرد و گفت حق پاسخ مستقیم را طبق قوانین بین‌المللی برای خود محفوظ می‌داند. قطر همچنین گفت تمام موشک‌های ایران را با موفقیت ره‌گیری کرده است.

نیویورک تایمز می‌گوید ایران از قبل مقام‌های قطر را از حمله مطلع کرده بود. در بیانیه وزارت دفاع قطر آمده است که در این حمله کسی کشته یا زخمی نشده است. این پایگاه پیش از حمله تخلیه شده بود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، این حمله ایران را «ضعیف» خوانده است اما هم‌زمان از ایران بابت اطلاع دادن پیش از پرتاب موشک‌ها «تشکر» کرد. او همچنین از امیر قطر برای

اقداماتش در جهت صلح در منطقه تشکر کرد و نوشت از امیر قطر برای «اقداماتش در جهت صلح در منطقه تشکر می‌کنم» و سپس افزود «تبریک به جهان، حالا هنگام صلح است.»

ترامپ در این پیام که در شبکه اجتماعی خود «تروث سوشال» منتشر کرد با اشاره به حمله امروز موشکی ایران به یک پایگاه آمریکایی در قطر نوشت: «خوشحالم که بگویم که علاوه بر اینکه هیچ آمریکایی کشته یا زخمی نشده است، نکته بسیار مهم این است که هیچ قطری نیز کشته یا زخمی نشده است.»

عربستان سعودی پس از حمله موشکی ایران به پایگاه نیروهای آمریکایی در قطر، آن را قویا محکوم کرد و گفت «تحت هیچ شرایطی توجیهی برای آن وجود ندارد.»

وزارت خارجه عربستان عصر دوشنبه در شبکه اجتماعی ایکس بیانیه شدیدالحنی علیه این حمله موشکی منتشر کرد که در آن آمده است: «این اقدام غیرقابل قبول است و تحت هیچ شرایطی توجیهی برای آن وجود ندارد.»

عربستان حمله موشکی ایران را «نقض فاحش قوانین بین‌المللی» خوانده و حمایت کامل ریاض از قطر را اعلام کرده است.

عربستان و ایران اگر چه به طور سنتی رقیب و مقابل یکدیگر بوده‌اند اما در دو سال گذشته پس از میانجی‌گیری چین، روابط دیپلماتیک دو کشور بهبود یافته است.

عربستان حمله دو روز پیش آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران را هم قویا محکوم کرده بود. با این حال، ریاض همچنین متحد اصلی آمریکا در منطقه است و در کنار اسرائیل، بزرگترین خریدار تسلیحات نظامی از آمریکا است. به دنبال حملات ایران امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه با قطر اعلام همبستگی کرد. مکرون گفت فرانسه با مقام‌های قطر و شرکای فرانسه در منطقه در تماس نزدیک است. او همچنین گفت: «من از همه طرف‌ها می‌خواهم که نهایت خویشتنداری را به خرج دهند، تنش‌زدایی کنند و به میز مذاکره بازگردند. این چرخه هرج و مرج باید پایان یابد.»

## روش مذاکره ترامپ

این گفته‌ها نشان‌دهنده نوعی فلسفه رهبری، تجارت و زندگی است که بر پشتکار، عملگرایی، انعطاف‌پذیری استراتژیک و برتری دادن شواهد و تجربه عملی بر ظواهر، متمرکز است. ترامپ با ذهنیت یک کارآفرین، رویکردی استراتژیک به موفقیت را در پیش می‌گیرد که هم‌زمان برای جاه‌طلبی، احتیاط و اهمیت گوش دادن به گزینه ارزش‌قائل است و در عین حال، انطباق‌پذیری و - در صورت لزوم - تاب‌آوری را در اولویت قرار می‌دهد. همچنین، کشاکشی میان جاه‌طلبی و پراگماتیسم او به چشم می‌خورد. پیچیدگی روش

مذاکره او در این حقیقت نهفته است که او استراتژی کاملاً تهاجمی یا کاملاً محافظه‌کارانه‌اش را با احتیاط و توانایی سازگاری ترکیب می‌کند. آیا این روش می‌تواند کلید ماندگاری موفقیت‌های بلندمدت او باشد؟ با توجه به اینکه درگیری‌ها رو به تشدید است، بهتر آن است که اروپایی‌ها، بجای تکرار ساده‌انگارانه اینکه «ترامپ پیش‌بینی‌ناپذیر و دیوانه است»، روش مذاکره او و روابط خارجی‌اش را تجزیه و تحلیل کنند تا بتوانند اقدامات او را درک و پیش‌بینی نموده و خود را برای واکنش‌نشان دادن در آینده آماده سازند. مسائلی که ایالات متحده آمریکا را به اروپا مرتبط می‌سازند، بسیارند.

روش مذاکره دونالد ترامپ بر چند استراتژی متفاوت و اغلب بحث‌برانگیز بنا شده که بدون شک می‌تواند موضوع تدریس در دوره‌های آموزش مذاکره در دانشگاه‌های معتبر باشد.

ترامپ برای پیشبرد اهداف خویش از اهرم‌های فشار گوناگون استفاده می‌کند:

اهرم رسانه: با اصرار بر رسانه‌ای کردن هرچه بیشتر مذاکراتش، او از دیده شدن برای ایجاد فشار عمومی بر طرف مقابل بهره می‌برد.

اهرم قدرت سیاسی: مقام وی به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده با اکثریت آرا در کنگره و سنا به او قدرتی انکارناپذیر می‌بخشد.

اهرم اقتصادی: با تهدید به وضع تعرفه یا تحریم، بر طرف مقابل اعمال قدرت می‌کند. اهرم روان‌شناسی: پیش‌بینی‌ناپذیری ترامپ قدرت پیش‌دستی و آماده‌شدن را از مذاکره‌کنندگان سلب می‌کند.

نادیده گرفتن پروتکل‌ها: سبک مذاکره ترامپ با رویکردهای دیپلماتیک سنتی که بر پایه اتفاق نظر و روابط بلندمدت بنا شده، متفاوت است. این روش، ملاقات‌های رسمی در حضور رسانه‌ها، اظهارات غیرمنتظره و موضع‌گیری‌های قدرتمندانه را ترجیح می‌دهد تا بدین ترتیب، حداکثر فشار را بر طرف مذاکره وارد کند. ترامپ بارها نشان داده که چگونه می‌توان از افکار عمومی به‌عنوان ابزار مذاکره استفاده کرد. او با علنی کردن گلایه‌های خود یا اظهار نظر در ملاء عام، فشار مضاعفی بر طرف مقابل ایجاد می‌کند که ناچار است هم‌زمان نه تنها با ترامپ، بلکه با افکار عمومی کشور خویش نیز کلنجار برود.

نمونه‌های متعددی وجود دارد، اما از تازه‌ترین‌ها می‌توان به آخرین ملاقات او با ولودیمیر زلینسکی در حضور شمار زیادی از خبرنگاران، نقض پروتکل و بی‌توجهی به ورود امانوئل ماکرون به کاخ سفید، و زدن به پشت محمد بن سلمان در ریاض اشاره کرد.

نکاتی درباره چارچوب و ابزارهای مذاکره مطلوب: هم‌زمان با اینکه بی‌ثباتی سیاسی و

اقتصادی رو به افزایش نهاده، تاکتیک‌های مذاکره نیز در حال تحول است. دوران ترامپ، نمایانگر تحول شیوه مذاکره به سبکی تهاجمی‌تر و رسانه‌ای‌تر است. این، زنگ خطری است که لزوم تکامل شیوه‌های مذاکره را گوشزد می‌کند. آموزش‌های سنتی مبتنی بر دانش نظری دیگر کافی نیستند. دولت‌ها و شرکت‌ها باید خود را با محیطی وفق دهند که نیازمند انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری و اراده برای تداوم ارتباط است. آن‌ها باید با این واقعیت کنار بیایند که به رویکردی تهاجمی‌تر نیاز دارند.

### برخی از مواضع و ادعاهای ترامپ

۱. «تجربه چیزهای زیادی به من آموخته است. اول اینکه آدم باید به غریزه‌اش اعتماد کند، فارغ از آنکه موضوع روی کاغذ چقدر جذاب به نظر برسد. دوم اینکه بهتر است آدم به چیزی بپردازد که آن را می‌شناسد. سوم اینکه گاه بهترین سرمایه‌گذاری‌های ما همان‌هاست که نکرده ایم.»

۲. «هیچ آرزویی آن‌قدر بزرگ نیست. هیچ چالشی آن‌قدر عظیم نیست. هرگز آینده مطلوب‌مان دور از دسترس نیست.»

۳. «گاه با باختن در یک نبرد، راه پیروزی در جنگ را یاد می‌گیریم.»

۴. «آنچه برندگان را از بازندگان متمایز می‌سازد، شیوه مواجهه افراد با پیچ و تاب‌های تازه‌ی سرنوشت است.»

۵. «وقتی کسی شما را به چالش می‌کشد، مقابله کنید. سرسخت باشید و بی‌رحم.»

۶. «برنده بودن یعنی اینکه بدانی کی کافی‌ست. گاه باید مبارزه را رها کرد و به‌سوی چیزی پرثمرتر شتافت.»

۷. «همیشه بهتر است آدم دستکم گرفته شود.»

۸. «هر تصمیمی در حوزه تجارت، مالیات، مهاجرت و امور خارجه، در جهت منافع کارگران و خانواده‌های آمریکایی اتخاذ خواهد شد. ما باید از مرزهای خود در برابر تاخت و تاز کشورهای که محصولات ما را تولید می‌کنند، شرکت‌هایمان را به سرقت می‌برند و مشاغل‌مان را از بین می‌برند، محافظت کنیم. این حمایت‌گرایی، رفاهی عظیم و قدرتی بزرگ به ارمغان خواهد آورد.»

۹. «بازندگان را دوست ندارم.»

۱۰. سرانجام با آنچه به انجام رسانده‌ای سنجیده خواهی شد، نه با آنچه بر عهده گرفته‌ای.»

۱۱. «هرکس که گمان می‌کند داستان من رو به پایان است، سخت در اشتباه است.»

۱۲. «من تمام عمر با سیاستمداران سر و کار داشته‌ام. تمام عمر. و همیشه آنان را به انجام کاری واداشته‌ام که می‌خواست‌ه‌ام انجام بدهند.»

۱۳. «ایران هیچک از تاسیسات هسته‌ای‌اش را از بین نخواهد برد. آن‌ها هیچ چیز را از بین نمی‌برند.»

۱۴. جریان‌های مهاجرتی از مکزیک و دیوار مرزی.

۱۵. بحران مهاجران کلمبیایی اخراج‌شده.

۱۶. مالیات عبور کشتی‌های آمریکایی از کانال پاناما (که از نظر ترامپ گزاف است، خاصه آن‌که ۴۰ درصد ترافیک کانال از صدقه‌سر آمریکایی‌هاست)

۱۷. عوارض گمرکی علیه مکزیک و کانادا.

۱۸. هم‌چنین، تنش با دانمارک بر سر پیشنهاد خرید گرینلند؛ پیشنهادی که با هدف تقویت توان نظامی آمریکا در برابر روسیه و چین و بهره‌برداری از معادن فلزات کمیاب صورت گرفته است.

...

## قطع کمک‌های امنیتی آمریکا به اروپا

«واشنگتن پست» نوشت: «دولت ترامپ در نظر دارد که کمک‌های امنیتی‌اش را به اروپایی که مقابل روسیه قرار گرفته، متوقف کند؛ اقدامی که متحدانش را نگران و قانونگذاران را ناخشنود کرده است. چنین تصمیمی می‌تواند صدها میلیون دلار کمک نظامی را که برخی از آسیب‌پذیرترین

اعضای ناتو به آن متکی‌اند، تحت تاثیر قرار دهد.»

ترامپ همچنین اعلام کرد که در چارچوب یک توافق‌نامه تجاری، بر اغلب کالاهای وارداتی از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا، مالیاتی ۱۵ درصدی اعمال کرده و بدین ترتیب، بر ماجرایی دنباله‌داری که ماه‌ها با بزرگترین شریک تجاری ایالات متحده ادامه داشت، نقطه پایان گذاشته است. او گفت: «ما با اتحادیه اروپا به توافقی رسیدیم که بر اساس آن نزدیک به یک تریلیون دلار به ما پرداخت خواهند کرد. و می‌دانید چیست؟ آن‌ها خوشحال‌اند! کار تمام است.»

امروز اروپا با ۲۷ کشور در اتحادیه‌اش به‌نظر می‌رسد که در برابر ترامپ و تاکتیک‌هایش با مشکل مواجه است.

با ناتویی که به علت عدم حمایت ایالات متحده تضعیف شده است، امنیت اروپا به‌شدت در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. اروپا فاقد یک نیروی دفاعی جدی است و ایجاد آن ضروری به‌نظر می‌رسد. جنگ در اوکراین ادامه دارد و کشورهای اروپای شرقی نگران‌اند. چندین کشور اروپایی گرفتار اسلام‌ایدئولوژیک و بنیادگرایی‌اند و «ملت» به نفع «فرقه‌گرایی» در حال تضعیف است.

**تعطیل شدن دولت آمریکا و پیامدهای آن**

گفت‌وگوها میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها بر سر بودجه موقت دولت ترامپ نتیجه نداد. در رای‌گیری شب سه‌شنبه ۹ مهر-۱ اکتبر، لایحه‌ای که تامین مالی دولت فدرال را برای هفت هفته تمدید می‌کرد با نتیجه ۵۵ رای موافق در برابر ۴۵ رای مخالف نتوانست به حدنصاب ۶۰ رای برسد.

بودجه موقت درخواستی کاخ سفید تصویب نشد و سنای آمریکا بدون تصویب لایحه تامین مالی به کار خود پایان داد.

در مرکز اختلافات خواسته‌های دموکرات‌ها برای اصلاحات گسترده در حوزه بهداشت و درمان قرار داشت؛ موضوعی که از سوی جمهوری‌خواهان با مخالفت شدید مواجه شد. دموکرات‌ها تهدیدهای خود را عملی کردند و به لایحه پیشنهادی جمهوری‌خواهان رای منفی دادند.

چاک شومر، رهبر اقلیت دمکرات در سنا در شبکه اکس(توییتر سابق) اعلام کرد که دموکرات‌ها به مبارزه خود ادامه خواهند داد. او گفت «تعطیلی دولت جمهوری‌خواهان همین‌الان تازه شروع شده، چون آن‌ها نمی‌خواستند از مراقبت‌های بهداشتی مردم آمریکا محافظت کنند».

دفتر مدیریت و بودجه کاخ سفید اعلام کرد که دولت آمریکا سه‌شنبه شب با ورود به بامداد چهارشنبه ۹ مهر-۱ اکتبر، تعطیل خواهد شد.

برخی فعالیت‌های دولتی مانند مأموریت‌های فضایی ناسا و فعالیت‌های بهداشت عمومی در سازمان غذا و دارو (FDA) در صورت تعطیلی ادامه خواهند یافت.

دفتر مدیریت و بودجه در کاخ سفید (OMB) به دلیل تعطیلی قریب‌الوقوع دولت در ایالات متحده به نهادهای فدرال مربوطه دستور داده است که طرح‌های خود برای «تعطیلی منظم» فعالیت‌های دولتی را اجرا کنند.

در یادداشتی که در شبکه اجتماعی اکس (توییتر سابق) منتشر شده، راسل وت، رئیس این اداره، دموکرات‌های سنا را مسئول شکست طرح جمهوری‌خواهان برای تصویب بودجه موقت دانست. وت درخواست‌های سیاسی دموکرات‌ها را «دیوانه‌وار» دانسته و گفته «آشکار است که دموکرات‌ها می‌خواهند با زور، تعطیلی دولت را تحمیل کنند.»

در ادامه این یادداشت، آمده است که هنوز مشخص نیست تعطیلی احتمالی دولت چه مدت طول خواهد کشید. با این حال، از کارمندان دولت خواسته شده است که در شیف‌کاری بعدی خود حاضر شوند تا زمانی که فرآیند تعطیلی آغاز شود.

رئیس دفتر مدیریت و بودجه در کاخ سفید، همچنین گفته است که دستورالعمل‌های بعدی پس از آن صادر خواهد شد که دونالد ترامپ رئیس جمهور لایحه تامین مالی جدید را امضاء کند.

با تعطیل شدن دولت ایالات متحده چه اتفاقی می‌افتد و پیامدهای آن برای این کشور چیست؟  
براساس قانون، از آنجا که وقفه در تامین مالی رخ داده، سازمان‌های دولتی باید کارکنان «غیرمستثنای» خود را به مرخصی اجباری بدون حقوق بفرستند. کارکنان مستثنا، شامل کسانی که برای حفاظت از جان و مال فعالیت می‌کنند، بر سر کار می‌مانند اما تا پس از پایان تعطیلی حقوقی دریافت نمی‌کنند.

دفتر مدیریت و بودجه کاخ سفید این روند را با ارسال دستورالعمل‌هایی به سازمان‌ها آغاز می‌کند مبنی بر این‌که وقفه در اعتبارات رخ داده و باید فعالیت‌های تعطیلی منظم را شروع کنند

براساس برآورد دفتر بودجه کنگره ایالات متحده، حدود ۷۵۰ هزار کارمند فدرال ممکن است هر روز تعطیلی به مرخصی اجباری فرستاده شوند و هزینه روزانه مجموع حقوق و مزایای آن‌ها حدود ۴۰۰ میلیون دلار است.

## کدام فعالیت‌های دولتی در جریان تعطیلی ادامه می‌یابد؟

در واقع بخش قابل‌توجهی از فعالیت‌ها ادامه می‌یابد. بازرسان افسی‌آی، افسران سیاه، مأموران کنترل ترافیک هوایی و مأمورانی که در ایست‌های بازرسی فرودگاه‌ها فعالیت می‌کنند،

به کار خود ادامه می‌دهند. اعضای نیروهای مسلح نیز همین‌طور.

برنامه‌هایی که بر هزینه‌های الزامی تکیه دارند، معمولاً در طول تعطیلی ادامه می‌یابند. پرداخت‌های تامین اجتماعی همچنان انجام می‌شود. سالمندانی که به پوشش بیمه «مدیکر» متکی‌اند، همچنان می‌توانند به پزشکان خود مراجعه کنند و ارائه‌دهندگان خدمات سلامت می‌توانند هزینه‌های خود را بازپرداخت بگیرند. خدمات درمانی کهنه‌سربازان نیز در تعطیلی ادامه می‌یابد. مراکز درمانی و درمانگاه‌های سرپایی وزارت امور کهنه‌سربازان باز خواهند بود و مزایای کهنه‌سربازان همچنان رسیدگی و پرداخت می‌شود.

آیا کارکنان فدرال مرخصی‌رفته حقوق می‌گیرند؟ بله. در سال ۲۰۱۹، کنگره قانونی را تصویب کرد که الزام پرداخت معوقه به کارکنان مرخصی‌رفته پس از ازسرگیری فعالیت‌ها را در قانون تثبیت می‌کند.

با این‌که آن‌ها در نهایت حقوق می‌گیرند، کارکنان مرخصی‌رفته و آن‌هایی که بر سر کار می‌مانند، ممکن است بسته به مدت تعطیلی، یک یا چند فیش حقوقی منظم خود را از دست بدهند که برای بسیاری از خانواده‌ها فشار مالی ایجاد می‌کند.

اعضای نیروهای مسلح نیز پس از ازسرگیری تامین مالی فدرال، معوقه هر فیش حقوقی ازدسترفته را دریافت خواهند کرد.

### چه چیزهایی در تعطیلی بسته می‌شود؟

دولت‌ها در آمریکا تا حدی اختیار دارند که انتخاب کنند کدام خدمات را در تعطیلی متوقف و کدام را حفظ کنند.

دولت اول ترامپ تلاش کرد تأثیر آنچه را به طولانی‌ترین تعطیلی جزئی دولت در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ تبدیل شد، کاهش دهد. اما ترامپ روز سه‌شنبه تهدید کرد که ممکن است درد ناشی از تعطیلی را افزایش دهد.

ترامپ در مورد دموکرات‌ها گفت: «ما می‌توانیم در طول تعطیلی کارهایی انجام دهیم که غیرقابل‌برگشت است، که برای آن‌ها بد است و توسط آن‌ها قابل خنثی‌سازی نیست. مثل کنار گذاشتن شمار زیادی از افراد، قطع چیزهایی که آن‌ها دوست دارند، قطع برنامه‌هایی که دوست دارند»

هر آژانس فدرال برنامه تعطیلی خود را تدوین می‌کند. این برنامه‌ها مشخص می‌کنند کدام

کارکنان در طول تعطیلی بر سر کار می‌مانند و کدامیک مرخصی اجباری می‌گیرند.

در عین حال، دفتر مدیریت و بودجه کاخ سفید تهدید به اخراج گسترده کارکنان فدرال در تعطیلی کرده است. در یادداشتی از سوی این دفتر آمده برنامه‌هایی که از طریق «لایحه عظیم» تابستان امسال ترامپ تأمین مالی نشده‌اند، بیشترین بار تعطیلی را به دوش خواهند کشید. این یادداشت می‌گوید آژانس‌ها باید صدور «اعلان کاهش نیرو» را برای آن دسته از برنامه‌هایی مدنظر قرار دهند که بودجه‌شان به پایان می‌رسد، منابع جایگزین تأمین مالی ندارند و با «اولویت‌های رئیس‌جمهور» هم‌خوان نیستند.

این اقدامی بسیار تهاجمی‌تر از تعطیلی‌های قبلی خواهد بود. «کاهش نیرو» نه‌تنها باعث اخراج کارکنان می‌شود بلکه پست‌های آن‌ها را هم حذف می‌کند که این خود موجب آشفته‌گی عظیم دیگری در نیروی کار فدرالی می‌شود که پیش‌تر نیز با دوره‌های عمده‌ای از کاهش‌ها به‌دلیل تلاش‌های «وزارت کارایی دولت» و دیگر بخش‌های دولت جمهوری‌خواه ترامپ مواجه بوده است.

## تأثیر تعطیلی دولت آمریکا بر اقتصاد

فیلیپ سواگل، مدیر دفتر بودجه کنگره، گفته است یک دوره تعطیلی کوتاه تأثیر بزرگی بر اقتصاد ندارد، به‌ویژه از آن‌جا که طبق قانون

به کارکنان فدرال معوقه پرداخت می‌شود. اما «اگر تعطیلی ادامه یابد، آنگاه می‌تواند باعث ایجاد عدم قطعیت‌هایی درباره نقش دولت در جامعه ما و تاثیر مالی بر همه برنامه‌هایی شود که دولت تامین مالی می‌کند.»

او افزود: «تاثیر فوری نیست، اما در طول زمان، تعطیلی تأثیر منفی بر اقتصاد دارد.» به گفته «پژوهش گلدمن ساکس»، بازارها به تعطیلی‌های گذشته واکنش شدیدی نشان نداده‌اند. در پایان سه تعطیلی طولانی از اوایل دهه ۱۹۹۰، بازارهای سهام پس از افت اولیه، یا ثابت ماندند یا رشد کردند.

الک فیلیپس، اقتصاددان سیاسی ارشد آمریکا در گلدمن ساکس می‌نویسد: یک تعطیلی سراسری دولت مستقیماً رشد را به ازای هر هفته حدود ۰/۱۵ واحد درصد کاهش می‌دهد - یا با احتساب اثرات بخش خصوصی، حدود ۰/۲ واحد درصد در هفته - و رشد در فصل پس از بازگشایی به همان میزان جمعی افزایش خواهد یافت.

دولت ترامپ توانست در ماه مارس ۲۰۲۰ به سختی از تعطیلی دولت جلوگیری کند. ایالات متحده از سال ۱۹۸۱ تا کنون چندین بار با تعطیلی دولت مواجه شده است که طولانی‌ترین تعطیلی دولت در تاریخ ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، در نخستین دوره ریاست جمهوری ترامپ رخ داد و ۳۹ روز طول کشید.

## به دنبال تعطیلی دولت آمریکا؛ ترامپ ۲۶ میلیارد دلار از بودجه ایالت‌های دموکرات را مسدود کرد

دولت ترامپ، روز چهارشنبه یکم اکتبر، در پی ادامه مخالفت نمایندگان دموکرات سنا با پیشنهاد تمدید تامین مالی دولت که منجر به تعطیلی نهادهای دولتی آمریکا شده است، اعلام کرد که ۲۶ میلیارد دلار از بودجه فدرال ایالت‌هایی که توسط دموکرات‌ها اداره می‌شوند را مسدود کرده است.

برنامه‌های هدف شامل ۱۸ میلیارد دلار برای پروژه‌های حمل‌ونقل عمومی در نیویورک، زادگاه دو چهره ارشد دموکرات در کنگره و ۸ میلیارد دلار برای پروژه‌های انرژی سبز در ۱۶ ایالت تحت اداره دموکرات‌ها از جمله کالیفرنیا و ایلینوی است.

در همین حال، جی دی ونس معاون رییس‌جمهوری آمریکا هشدار داد که اگر تعطیلی دولت بیش از چند روز ادامه یابد، دولت ممکن است دامنه اخراج کارکنان فدرال را گسترش دهد.

این اقدامات روشن کرد که ترامپ درصدد اجرای تهدید خود است تا از تعطیلی دولت برای تنبیه رقیبان سیاسی استفاده کند و دامنه کنترل خود بر بودجه ۷ تریلیون دلاری فدرال که طبق قانون اساسی حوزه صلاحیت کنگره است، را گسترش دهد.

او چهارشنبه شب در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» نوشت: «جمهوری خواهان باید از این فرصت تعطیلی اجباری دموکرات‌ها برای پاکسازی زباله‌های بی‌مصرف، ضایعات و کلاهبرداری استفاده کنند. می‌توان میلیارد‌ها دلار صرفه‌جویی کرد.»

تعطیلی دولت که پانزدهمین مورد از سال ۱۹۸۱ است، تحقیقات علمی، نظارت‌های مالی، فعالیت‌های پاکسازی محیط‌زیست و دامنه وسیعی از فعالیت‌های دیگر را معلق کرد.

به حدود ۷۵۰ هزار کارمند فدرال دستور داده شده که سر کار حاضر نشوند، در حالی که برخی دیگر مانند نظامیان و ماموران گشت مرزی بدون دریافت حقوق به کار ادامه دادند.

وزارت امور کهنه‌سربازان اعلام کرد به تدفین در گورستان‌های ملی ادامه می‌دهد، اما سنگ‌قبر نصب نخواهد کرد و چمن‌ها را نیز کوتاه نمی‌کند.

ونس در يك نشست خبری در کاخ سفید گفت اگر تعطیلی دولت بیش از چند روز طول بکشد، دولت ناچار به اخراج نیروها خواهد شد؛ اقدامی که به ۳۰۰ هزار نفری که تا دسامبر کنار گذاشته خواهند شد، افزوده می‌شود. تعطیلی‌های قبلی به اخراج دائمی منتهی نشده بود.

## نتیجه‌گیری

آنچه که در بالا گفته شد محتمل‌تر در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، ثبات بر آتش زیر خاکستر است، با

تداوم زد و خوردها و جنگ‌های کوچک و بزرگ، به مشغله رو بسیاری از دولت‌های سرمایه‌داری جهان تبدیل و در راس همه ترامپ، رییس جمهور آمریکا شده است.

دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا، روز سه‌شنبه ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵، طی سخنرانی در جمع رهبران ارشد نظامی، آنچه را که او «توانایی‌های صلح‌سازی» خود توصیف کرد، ارج نهاد. با این حال، او خاطرنشان کرد که درگیری‌ها در غزه و اوکراین با وجود میانجی‌گری دولت او همچنان ادامه دارد. ترامپ حماس را در صورت عدم پذیرش طرح پیشنهادی او برای پایان دادن به جنگ در غزه، به سرنوشتی شوم تهدید کرد.

رییس جمهوری آمریکا در سخنرانی خود برای پرسنل نظامی در کوانتیکو، ویرجینیا، افزود که ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه، و ولودیمیر زلنسکی، رییس جمهوری اوکراین، باید برای حل مناقشه و پایان دادن به جنگ همکاری کنند. او افزود: «ما با قدرت با پوتین مقابله خواهیم کرد تا به جنگ در اوکراین پایان دهیم.»

ترامپ در جمع نشست ۸۰۰ ژنرال آمریکایی که بیشتر آنها، ماموریت در کشورهای دیگر دارند، به دنبال چیست؟ آمریکا چه میزان پایگاه در سراسر جهان دارد که ۸۰۰ ژنرال هدایت آنها را عهده‌دار هستند؟ پاسخ به این پرسش، بیانگر یک

اصل است و آن این‌که برخلاف ادعای آمریکایی‌ها مبنی بر رویکرد اقتصادی و سیاسی، محور تحرکات این کشور همچنان بر اصل امپریالیستی نظامی‌گری و اشغالگری استوار است. ماهیتی نظامی که در طول چند دهه جز کشتار جنایت از قتل‌عام بومیان در داخل آمریکا گرفته تا جنگ‌افروزی و حضور نظامی در سایر کشورها کارکردی به‌همراه نداشته است.

این نشست نشانگر ابعاد مهمی از سلطه‌گری آمریکاست که با اشغالگری نظامی به دنبال سلطه اقتصادی و سیاسی و حفظ یکجانبه‌گرایی جهانی خویش است. رویه‌ای که صدها میلیون قربانی برجای گذاشته که نمود آن را در ویتنام، کره، بالکان، افغانستان، عراق، لیبی و دو سال است که در غزه می‌توان مشاهده کرد که با حمایت‌های تسلیحاتی آمریکا از تنها نیابتی منطقه، یعنی دولت اسرائیل صورت می‌گیرد. این نشست نشان می‌دهد که آمریکا، همچنان تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است که برای مقابله با آن رویکرد جهانی در قالب چند جانبه‌گرایی ضروری می‌نماید.

از سوی دیگر، ترامپ به حدی خودشیفته است که خودش را شایسته جایزه نوبل صلح می‌داند. دونالد ترامپ تاکنون بیش از ۱۰ بار نامزد جایزه صلح نوبل شده است. این موضوع از سوی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، نخست‌وزیر کامبوج، رئیس‌جمهور آذربایجان و

نخست وزیر ارمنستان، یک سیاستمدار اوکراینی و پاکستانی و همچنین قانونگذارانی از آمریکا، سوئد و نروژ این موضوع را مطرح کرده اند.

دونالد ترامپ، در یک گفت‌وگوی خبری مدعی شد: هیچ کسی کاری که من کردم را انجام نداده است. ما هفت جنگ را حل و فصل کرده ایم و ممکن است به هشت جنگ افزایش پیدا کند. او گفت: مشکل خاورمیانه به سادگی بعد از سه هزار سال قابل حل است. ما مسائلی بیشتر از غزه داریم. ما غزه و صلح فراگیر را به دست خواهیم آورد و این دستاورد بزرگ خواهد بود.

ترامپ در طول ۹ ماه ریاست جمهوری اش ادعای رویکرد به صلح البته از دریچه جنگ را مطرح کرده است. او مدعی است که هم‌زمان با دیپلماسی باید گزینه نظامی را نیز برای فشار و تحمیل خواسته‌ها به طرف مقابل اجرا کرد. چنان‌که در اوکراین در کنار مذاکره با روسیه تسلیح کیف و اقدام ناتو علیه مسکو را اجرا کرد. در قبال ایران در میانه مذاکرات هسته‌ای، دولت اسرائیل و آمریکا به ایران تجاوز نظامی کردند و اکنون نیز در قبال ونزوئلا این رویه را تکرار می‌کند. با توجه به ادعاهای اخیر ترامپ درباره پایگاه بگرام افغانستان، تشدید اقدامات نظامی با فروش میلیاردها دلار تسلیحات به اوکراین، تحرکات نظامی علیه چین

و...

آینده خاورمیانه و از سرگیری جنگ بین ایران و اسرائیل بر همه احتمالات گشوده است، اما مسلم این‌که زمان ثبات در جهان به پایان رسیده و دنیا به سمت موازین جدیدی در حرکت است که نقشه سیاسی و راهبردی آن را بازترسیم می‌کند. ترامپ گفته همه کشورهای عربی و اسرائیل با این طرح موافقت کرده‌اند اما کشورهایمانند قطر اعلام کرده‌اند که برای حمایت از این طرح به گفت‌وگوهای بیشتری نیاز است. او تاکید کرده که حماس تنها طرفی است که هنوز با این طرح موافقت نکرده است و هشدار داده در صورت رد آن با پیامدهای سنگینی روبه‌رو خواهد شد.

هم‌زمان با افزایش توجه جهانی به طرح صلح در نوار غزه، اسرائیل خود را برای چند سناریو آماده می‌کند که یکی از آن‌ها احتمال وارد کردن ضربه‌ای جدید به ایران است.

به گزارش «جروزالم پست»، یک فرمانده ارشد ارتش اسرائیل شامگاه سه‌شنبه هشتم مهر اعلام کرد: «تحولات خاورمیانه و ایران را به‌دقت رصد می‌کنیم و برای مجموعه‌ای از سناریوها و گزینه‌ها آماده می‌شویم. یکی از آن‌ها، اقدام دوباره علیه ایران است.»

این فرمانده ارشد تأکید کرد که «تهران از سوی ارتش اسرائیل ضربه سنگینی دریافت کرد و اکنون به‌خوبی از میزان خسارت خود و توانمندی‌های اسرائیل آگاهی دارد.»

در مقابل، چندین مقام نظامی ایران طی هفته‌های گذشته هشدار دادند که هر حمله جدید اسرائیل با پاسخی «قاطع و بی‌سابقه» روبرو خواهد شد. محسن رضایی، فرمانده پیشین سپاه پاسداران، هشدار داد اگر تهران هدف حمله جدید اسرائیل قرار گیرد، نیروهای ایرانی از همه توان خود استفاده خواهند کرد. همچنین ده‌ها نماینده مجلس ایران در اواخر سپتامبر ۲۰۲۵ خواستار توسعه سلاح هسته‌ای و بازنگری در دکترین دفاعی این کشور شدند.

اکنون به‌نظر می‌رسد ترامپ در نظر دارد آرایش جدیدی به قدرت نظامی آمریکا در داخل و سطح بین‌المللی بدهد. تعویض ژنرال‌ها و فرماندهان در ارتش آمریکا در جریان است و ایت تحرکات نشان‌دهنده آرایش جدید جنگی امپریالیسم آمریکا در سطح بین‌المللی و تشدید رقابت بین‌المللی، به‌ویژه چین و روسیه است.

در کل گفته می‌توان که هرچند ساختار ژئوپولیتیکی جهان در ۲۰۲۵ با دوران آغازین جنگ جهانی دوم شباهت‌هایی از حیث بحران حقانیت، بی‌ثباتی نظم جهانی، و خیزش اقتدارگرایی دارد، اما عوامل بازدارنده مهمی مانند سلاح‌های هسته‌ای، جهانی‌شدن و تکنولوژی ارتباطی مانع از تکرار دقیق آن سناریو شده‌اند. با این حال، اگر سیاست‌های کنونی ادامه یابد، ممکن است نوعی جنگ جهانی از جنس

اقتصادی، سایبری یا نیابتی به جای جنگ  
تمام‌عیار نظامی شکل گیرد.  
بنابراین، احتمال دارد، جهان درگیر نوعی جنگ  
جهانی تدریجی و ترکیبی شود؛ جنگی که در آن  
مرز میان صلح و جنگ، دیپلوماسی و دشمنی،  
اقتصاد و اسلحه در آن کم رنگ خواهد بود.  
هرگاه رهبران جهان در بازسازی نظم بین‌المللی  
ناکام بمانند، ممکن است این جنگ سرد نوین به  
یک آتشفشان واقعی منجر گردد.

از انتشارات کتابخانه ی گرایش مارکسی  
تاریخ انتشار:  
۲۰۲۵ / ۱۰ / ۵

